

داستان چمن از زبان سپهبد حجت

کیمپان ورزشی



تیم با ایران
یک
تیم شوروی
صفر

یک کرمانی
نظافت دوست
راضربه کرد

آفرین بر این تیم امید که بر استی امید آفرید



سه فرزند شاهنشاه در مسابقات شنا



نادر اهری، کاسیمز عالیخانی، منصور هنجی، فریدون سرداری، آزاده جزنی و ایزابیل داورپناه.

ردیف آخر (بالا) : دکتر مهدی نمازی، مهرداد نمازی، نادر سعیدی، تیمور شیرینلو، تورج بختیاری، نامدار صالح، افشین قدسی، والا حضرت همایون و لایتهمد، علی درگاهی، محمد ستوده، کورش صدر، سهکامه عدنانی، سعید معاون و مهدی رشید پور (سر سربی)

صفاری و والا حضرت علیرضا بهلوی.

ردیف دوم: منصور گروسی (سربی)، نانالی مهاجری و والا حضرت فرحناز بهلوی، بیتا اسفندیاری، نینا زاهدی مقدم، نیلوفر آذریا، مرجان ذوالفقاری، ترسا هاتفی و فیروزه فاطمی.

ردیف سوم: پرویز هدایت (سربی)، کاظم میرعابدی، کیوان کریمی، انوش زاهدی - مقدم، رامین قدسی، امیریزدان پناه

نخستین گل را برای تیم خود زدند. در این عکس اختصاصی و جالب، شرکت کنندگان در این مسابقات با جوایزی که بعضی از آنها گرفته اند، حضور دارند که میان آنها سه فرزند گرامی شاهنشاه: والا حضرت ولیعهد، والا حضرت فرحناز و والا حضرت علیرضا بهلوی دیده میشوند.

ردیف پائین از چپ: سریم شیرینلو، سریم اهری، رؤیا هنجی،

چند روز پیش مسابقات شنا و تریپولو میان شاگردان مدرسه بی که والا حضرت همایون و لایتهمد در آن تحصیل میکنند در پیشگاه شاهنشاه آریامهر در کاخ سعدآباد برگزار شد.

جالبترین قسمت این مسابقات مسابقه و تریپولو میان تیم دالفین - که والا حضرت ولیعهد در آن عضویت دارند - و تیم کوسه انجام شد که نتیجه هشت برشش بسود تیم دالفین تمام شد و طی آن والا حضرت

ماده ۶ قانون سازمان تربیت بدنی باید عوض شود

ساعت ۱ صبح چهارشنبه پیش سپهبد حجت معاون نخست‌وزیر و سرپرست سازمان تربیت بدنی ایران یک جلسه مصاحبه مطبوعاتی ترتیب داد و در مقدمه آن اشاره کرد که منظور از تشکیل این جلسه تبادل نظر با نمایندگان و مسائل ارتباط گروهی است برای پیشبرد ورزش ایران.

تغییر قانون تأسیس سازمان

نخستین نکته‌ی که سرپرست سازمان تربیت بدنی به آن اشاره کرد و روی آن پشت تکیه نمود موضوع تغییر ماده ۶ قانون تأسیس سازمان تربیت بدنی مصوب مرداد ۱۳۵۰ است. این ماده چنین میگوید:

«سازمان در امور فنی مربوط به ورزش و تربیت بدنی در مدارس و دانشگاهها و آموزشگاههای عالی و سایر سازمانهای دولتی، بازرسی و نظارت خواهد نمود ولی دخالت مستقیم نخواهد داشت و نتیجه بازرسی و نظارت را در شورای سازمان مطرح خواهد کرد.»

حجت گفت: ما هنوز موفق به تشکیل چنین شورا‌یی نشده‌ایم اما فرار است در آینده نزدیکی تشکیل شود که نخست‌وزیر شخصاً در آن شرکت خواهد کرد. این شورا متشکل است از نخست‌وزیر (رئیس شورا)، وزیر علوم و آموزش عالی، وزیر آموزش و پرورش، وزیر کشور، وزیر کار و امور اجتماعی، وزیر تعاون و امور روستاها، رئیس ستاد بزرگ ارتش و سایر سرپرست سازمان تربیت بدنی.

مسئول ورزش سلطنت گفت: «بعقیده من رئیس سازمان تربیت بدنی باید در مواردی که بموجب این قانون برعهده‌اش گذاشته شده است مسؤولیت داشته باشد نه فقط نظارت. زیرا اکنون ماهیست که ما نتیجه نظارت و بررسی‌های خود را درباره ورزش مدارس تهیه کرده‌ایم، بودجه آنرا هم در سازمان برنامه تأمین کرده‌ایم، به‌وزارت آموزش و پرورش هم وجود این بودجه ابلاغ شده، اما اکنون کوچکترین قسمی برای پیاده کردن این طرح‌ها برداشته نشده است.»

ماده یکم همین قانون میگوید: سازمان تربیت بدنی ایران که در این قانون سازمان نامیده میشود بمنظور پرورش نیروی جسمانی و تقویت روحیه سالم در افراد کشور توسعه و تعمیم ورزش و هماهنگ ساختن فعالیت‌های تربیت بدنی و تفریحات سالم در کشور و همچنین ایجاد اداره مرکز ورزشی، تأسیس میشود.

در بررسی دقیق و گسترده‌ی که برای نخستین بار در ایران عملی کردیم به حقایق بسیار تلخی در امر ورزش مدارس رسیدیم دیدیم که از نظر تأسیسات و معلم ورزش چقدر کمبود وجود دارد، دیدیم که با معلم ورزش نیست یاد بعضی جاها از معلمانی که رشته‌های دیگر تدریس می‌کرده‌اند و حالا سبوی جشمشان کم شده و دیگر

نمی‌توانند چیزی بدهند بعنوان معلم ورزش استفاده می‌کنند! دیدیم که برای مدارس ایران تا پایان برنامه عمرانی پنجم به ۱۶۰۰ معلم ورزشی و ۲۱۰۰ معلم ورزش نیاز داریم که از نظر تأسیسات در حال حاضر بسیار فقیریم و از نظر معلم هم فقط ۳۰۰ نفر داریم که با این

حساب تا پایان برنامه پنجم باید ۱۸۰۰ معلم ورزش تربیت کنیم.

اینها حقایق است... اینهاست که جلوی پیشرفت ورزش را می‌گیرد... اینهاست که در گذشته نه هم آهنگ با زبان حال به آن توجه شده و ندر آینده نگری در کار بوده و این ازمیه را برای ما گذاشته‌اند.

مطبوعات گناه عقب‌بودن ورزش را به گردن ما می‌اندازند و همه ملت هم پیشرفت در ورزش را از ما می‌خواهند. اما اگر ورزش از مدارس حتی از کودکانها آغاز نشود، چگونه میتوان امیدوار بود که بموجب ماده اول این قانون، در پرورش نیروی جسمانی و تقویت روحیه سالم در افراد کشور موفق بود؟

رئیس سازمان گفت: سال گذشته با آنکه گرفتار کار گسترده‌ی من مانند بازیهای آسیایی بودیم از توجه به کارهای اساسی که برعهده سازمانست غافل نشدیم و هیئتی متشکل از چهار لیسانس‌یو ورزش به‌سراسر ایران پراکنده شد و آثار دقتی از کمبودها تهیه کرد و از آن زمان تاکنون ما مرتب با مقامات سازمان برنامه و نمایندگان وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم و آموزش عالی جلسه داریم.

من در اینجا میخواهم مخصوصاً از همکاران همفکر در سازمان برنامه مخصوصاً از آقایان طبری و نوری و بانو خسروپناه تشکر کنم که منتهای حسن نیت و همکاری را نشان دادند و همچنین از وزارت آموزش و پرورش آقای احمد اده‌خواه و از وزارت علوم و آموزش عالی آقای دکتر حقدان و بانو اناوری تشکر کنم که با همکاری

توانستیم تمام طرح‌ها را آماده کنیم. حالا چرا وزارت آموزش و پرورش کوچکترین قسمی برای اجرای طرح‌ها برنمی‌دارد این را شما از آن وزارتخانه بپرسید. زیرا بموجب این قانون ما وظیفه خود را به نحو احسن انجام داده‌ایم و همین مسأله مورد ایراد نیست که اگر ماده یکم این قانون

مسؤولیت پرورش نیروی جسمانی و تقویت روحیه سالم در افراد کشور و همچنین هم‌آهنگ ساختن فعالیت‌های تربیت بدنی و تفریحات سالم را از ما میخواهد نباید در ماده ۶ ما را فقط بعنوان ناظر فنی بدون حق دخالت مستقیم تلقی کند.

۱۶۰۰ معلم و ورزشی برای مدارس

در طرح پیشنهاد شده که بعلت کمی و گرانی زمین در نقاط مسکونی شهرها، مجتمع‌های ورزشی در وسط چند مدرسه تأسیس شود. تأسیس آنها را وزارت آموزش و پرورش برعهده گرفته و سازمان برنامه هم پولش را در اختیارش نهاده، شما از این وزارتخانه بپرسید چرا شروع نمیکند؟

این مجتمع ما حداقل ۷۵۰ متر مربع وسعت دارد که ظرفیتش برای ۲۵۰۰ دانش‌آموز است و در آن میتوان به تمرین فوتبال، والیبال، بسکتبال، دویدن در یک پیست شش خطی، پرش ارتفاع، پرش طول و پرش با نیزه پرداخت و همچنین یک استخر شنا و یک تالار با سقف کوتاه و یک تالار با سقف بلند با کلیه سرویس‌های

لازم خواهد داشت. شهرهای سلطنت مادر حال حاضر به ۱۶۰۰ معلم ورزشی از این قبیل احتیاج دارد در حالی که هنوز احتیاجات روستاها از این بابت بررسی نشده زیرا این کار باید با مشارکت وزارت تعاون و امور روستاها صورت گیرد و این کار هم بزودی آغاز خواهد شد.

قیمت هر یک از این مجتمع‌های ورزشی بر اساس قیمت‌های سال ۵۳ بالغ بر پنج میلیون و ۱۲۰۰۰ تومان میشود.

در مورد سرب‌ی هم به این نتیجه رسیدیم که تا پایان برنامه پنجم به ۱۲۲۶۷ معلم برای دبستان‌ها، ۴۲۷۰ معلم برای دوره راهنمایی و ۴۷۶۸ معلم برای دوره متوسطه نیازمندیم که جمعاً ۲۱۳۰۵ میشود و متأسفانه باید گفت که پس از اینهمه سالی که از عمر ورزش می‌گذرد ما فقط ۳۲۹۵ معلم ورزش داریم! از این نظر هم طرح دقیقی آماده شده است.

سپهبد حجت آمار مفصلی از اقدامات مربوط به توسعه ورزش در مدارس داد که چاپ آن در این شماره مقدر نیست و آنجا صحبت‌را به ورزشگاه آریامهر کشاند و اعلام کرد که از روز اول مرداد استفاده از فضای سبز مجتمع آریامهر برای مردم آزاد خواهد شد. منتها چون بر اثر اقدامات مکرر این سازمان، شهرداری حاضر نشده یک خط اتوبوسرانی از میدان ۴۴ اسفند تا ورزشگاه آریامهر ایجاد کند، بنابراین فقط کسانی که وسیله نقلیه شخصی دارند میتوانند با رعایت ضوابطی از فضای سبز دریاچه و دو رستوران محوطه سبز مجموعه استفاده کنند. روی دریاچه ۵۰ پل‌آلود (قایق مخصوصی که مثل دوچرخه رکاب‌میخورد) خواهیم داشت. برای سرگرمی بچه‌ها تأسیسات مخصوصی ایجاد میشود و تمام مسائل مربوط به رفاه و آمایش و بویژه امنیت درسی که به آنجا می‌روند به دقت مورد اجرا گذاشته میشود.

وقتی بحث بر سر فضای سبز ورزشگاه رسید، راجع به جریان سوختگی چمن ورزشگاه اصلی آریامهر پرسیدم شد. سردیر این نشریه در این مورد چنین گفت:

۱- انگیزه تعویض چمن چه بوده

۲- به چه علت و با چه اطمینان چه تضمینی این کار به مقاصد کار ایرانی و انگلیسی داده شده و مسئول زبان مادی و معنوی که از این نظر به مردم ایران خورده چیست و چه مجازاتی برایش در نظر گرفته شده است.

سپهبد حجت جواب داد: متشکرم که این سؤال را کردید زیرا مطبوعات حمله کردند و عکس چمن را هم انداختند ولی حقیقت در این باره گفته نشده بود. برای نگهداری فضای سبز طبق ضوابط سازمان برنامه باید مترمربعی ۱۰۰ ریال پرداخت می‌شد اما باشکشی که مهندس بهزادی رئیس آنست یک قرار داده ریال برای متر مربع داریم و چون مجتمع آریامهر دارای متجاوز از چهار صد هزار مترمربع فضای سبز است ماهیانه مبلغ ۴۱۶ هزار تومان بول برای حفظ این

فصل دوم صفحه ۴۷

کیهان ورزشی
شماره ۳۰۳ - ۱۰ - سال بیستم
صاحب امتیاز - محمود مصطفی
سردبیر - کاظم گیلانی
نشانی - خیابان فردوسی جنوبی
کوچه کیهان

شرح عکسهای روی جلد
(بالا) تیم «ایران ب» در برابر تیم ملی مصر با وجود خستگی محسوس - ناشی از دو بازی قبلی - که از خود نشان داد توفیق یافت با نتیجه دو بر یک تیم آفریقائی را شکست داده و در صدر گروه خود قرار کرد.
این صحنه اولین گل تیم ایران را در برابر مصر نشان میدهد. عبدالعزیز بشکار (شماره ۱۰) - روی پاس حاج رحیمی پور - زننده آن گل بود. در جلوی دروازه محمد دستجردی دستها را به عملات شادی به هوا بلند کرده و در سمت چپ عکس حسن نظری (زننده گل دوم به مصر) نیز دستها را بلند کرده و هردو بسوی بشکار می‌شتابند.
(پائین) این تیم فوتبال ایران است که دیشب با نتیجه یک بر صفر تیم امید شوروی را مغلوب کرد و ضمن راه یافتن به مسابقه نهایی جام ایران انتقام شکست تیم ملی را نیز از شوروی‌ها گرفت.
ایستاده از چپ: بیژن ذوالفقارنسب (کاپیتان) ناصر نورانی، حسین راغفر، ابراهیم قاسم پور، جواد اللهوردی و اسماعیل حاج رحیمی پور.
نشسته: مهدی دینوزاده، علیرضا قشقایان، مانیس میناسیان، حسن نظری و محمد دستجردی.



تیم ملی مصر هم تسلیم قدرت ملی پوشان جوان شد

حسن علی حسن (سمت چپ) دروازه بان تیم ملی مصر از هجوم اسماعیل حاج رحیمی پور مهاجم سفیدپوش تیم ملی ایران ب به هراس افتاده است درحالیکه بنظر میآید مدافع مصری با ضربه سر موفق بدفع توپ شده باشد. در سمت راست السیاقی (۱۲) کاپیتن تیم ملی مصر قرار دارد که با خطا روی دستجردی پنالتی و گل پیروزی را برای ایران آفرید.

کرتر زدند. در نیمه دوم سهم کرتر هر دو تیم سه ضربه بود. تیم ایران در نیمه اول با پاس قشقایان از راست و فرار عالی حاج رحیمی پور - که با یک پاس به بشکار کامل شد - به گل برتری دست یافت، این گل با ضربه بشکار در دقیقه ۳۸ وارد دروازه ملی پوشان مصر شد.

تا قبل از این گل خطرات برای دو تیم یکسان بود. فاروق غفار مدافع مصر نزدیک بود با ضربه سر دروازه خود را بگشاید که توپ به کرتر رفت و ضربه دینورزاده نیزبیلودروازه ایران توسط بیژن ذوالفقارنسب (بهترین مدافع ایران) دفع شد. در برابر شوت خلیل، راغفر موفق نشان داد و در مقابل ضربه مانیس علی حسن (دروازبان مصر) تلافی کرد.

در نیمه دوم طه بصری (کاپیتن روز پیروزی بر ژنیر) بجای عبدالیکی خایفه وارد زمین شد و السیاقی به دفاع راست جای خلیفه رفت. با این آرایش قدرت تیم مصر در خط حمله - بویژه از جناح راست - بیشتر شد.

آغاز نیمه با برتری نسبی مصری‌ها همراه بود شوت ناگهانی البانکی به دربک دروازه ایران خورد اما در دقیقه ۱۰ لحظه کاسیانی و شادی مصری‌ها فرا رسید زیرا

جام فوتبال ایران - گروه دوم ایران «ب» (۱) ۲

حسین راغفر ۱ - علیرضا قشقایان ۲ ، بیژن ذوالفقارنسب ۴ (کاپیتن) ، جواد اللهوردی ۵ ، مهدی دینورزاده ۳ - مانیس میناسیان ۱۴ (گازتیک شهینداری ۱۳ از دقیقه ۵۸) ، حسن نظری ۶ ، ابراهیم قاسمیور ۹ - اسماعیل حاج رحیمی پور ۷ ، عبدالمجید بشکار ۱۱ ، محمد دستجردی ۱۰

ذخیره‌ها: کریم بوستانی، سعید باغوردانی، حمید شهبازی، جاوید جهانگیری رنگ پیراهن: سفید

مصر (۰) ۱

حسن علی حسن ۱ - محمود الگوهری ۳ (طه بصری ۱۰ از نیمه دوم) احمد عبدالیکی خلیفه (از دقیقه ۵۵ مصطفی بویسیس ۱۳) ، فاروق غفار ۶ ، فتی

و پاسهای آنان بطور سریع و دقیق در سطح زمین بین بازیکنان رد و بدل میشد.

تیم ایران با وجودیکه در جناح راست دفاع نزول نشان داد معهدا جنگندگی بازیکنان و پرتیزی هافبک‌ها (بویژه قاسمیور) عرصه را بر مصری‌های مصمم

ورزشگاه راه‌آهن (چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۵۴) - بمانند روز مسابقه ایران الف با امید شوروی ، والا حضرتت ولا یعهد بطور خیلی ساده و بدون تشریفات به تماشای مسابقه تشریف فرما شدند و تیم ایران «ب» «امید» در حیران بازیهای بد تیم الف تیم ملی مصر را دو بریک شکست داد و با سه پیروزی بی دربی صدرنشین گروه دوم شد و به نیمه نهائی راه یافت درحالیکه تیم ملی مصر بهترین بازیکن را در برابر جوانان ایران انجام داد و تحسین همگان را برانگیخت.

تیم ایران در غیاب ناصر نورائی فاقد قدرت ضربتی در تونک حمله بود اما یک دستجردی عالی و حاج رحیمی پور پرکار و سریع جبران این کمبود را کرد و تیم امید گرچه نظم و زیبایی دوبازی قبلی را نداشت و بارها از جناح چپ دفاع از ناحیه حریف تهدید شد، معهدا تیم پیروز و موفق میدان بود. مصری‌ها در ارائه بازی عالی و منظم خود بازهم از ضعف ادامه آهنگ حمله در درون محوطه جریمه زیان بردند و با اینکه با تمام قوا کوشیدند تا معجزه کنند و سه بر صفر پیروز شوند تا صعود کنند، معهدا مغلوب اراده پرتو و قدرت جوانان ایران در بازی درون محوطه خطر شدند. در تیم مصر حسن شحاطه با شاره و ستاره زمین بود و بارها دروازه ایران را تهدید کرد. تیم مصر بازی هماهنگ و دستجمعی داشت

با یک ضدحمله سریع، عبدالفتح پاس نفوذی از شحاته را درون محوطه جرمیه تصاحب کرد و با شلیکی دقیق گل تساوی تیم ملی مصر را بشر رساند. تیم مصر برای مدتی حاکم بر زمین شد و شوت عالی شحاته مبرف دویمین گل را برای مصر با آورد که این ضربه با فاصله بی بسیار اندک از کنار گل گذشت. اما ایران-

که گارنیک (هافبک جنگنده) را بجای مانیس آورده بود - بازی را به اداره خود درآورد و مالک میدان شد. در دقیقه ۷۰ مصری ها با ضربه حمله بی دیگر خطر آفریدند. اما السبائی کاپیتن تیم موقعیتی عالی را هدر داد و از شدت عصبانیت دو دقیقه بعد دستجردی را درحالیکه با پاس خوب نظری آهنگ دروازه مصر را داشت با خطا

رحیمی پور دروازه مصر را تهدید کردند و سرانجام با شوت پایان به عنوان تنها تیم جام شناخته شدند که به سه پیروزی بی درزی در دو موقعیتهای دست یافتند. داوری این مسابقه بسیار عادلانه بود و ایران با عبور از سد لهستان، زیر و مصر بعنوان تیم سرگروه روانه میدان شوری در نیمه نهایی شد.

سرگون کرد و مرتکب بنالشی شد. حسن نظری ضربه بنالشی را محکم و تقریباً زمینی بدون گل فرستاد و باردیگر برتری با ایران افتاد.

بعاد از این گل جوانان ایران قدرت و روحیه بی دو چندان یافتند و باحالات بی دربی بویژه از سوی دستجردی وحاج

زئیر پایه های لهستان را لرزاند

لهستان (۱) ۳

آندره سکورسکی ۱ - آندره دنکو، زینگیو بلا زوفسکی ۲، ولادیمیر تومیلسکی ۱۷، ووچسچ رودی ۱۲ - کازیمیر کمسیک ۱۴، زومین اوکازا ۹، سیرسلاو بولزاک - تادویا بولوفسکی ۷ (از دقیقه ۵۵، زیدسلاو کاپکا ۸)، لسزک وولسکی ۱۰، ویٹولد کاراس ۱۳ (کاپیتن) (از دقیقه ۶۸، مارک کوستو ۱۱) ذخیره ها: زینگیو همتانو، آدام کرویا، آندره فشر

رنگ پیراهن: سفید

زئیر (۰) ۱

کانیندا ۱۲ - میندا ۲، مواه ۱۵، لوبیلو ۱۶، لوبیونکو ۵ - مانا ۸، مینگو ۷، کاسابیا ۴ - کسبو ۱۷ (از دقیقه ۵۳ کاتچسکو ۱۸)، ندایا ۹، کاکو کو (کاپیتن) (از دقیقه ۷۸، مانگانا ۱۴) ذخیره ها: کونگولو، بوکاسا، ندایه رنگ پیراهن: زرد

گل ها: ۱ - کازیمیر کمسیک،

۱ - ندایا (۷۳) ۱ - زیدسلاو کاپکا (۸۷) ۱ - مارک کوستو (۸۹)

تماشاگر: حدود هشت هزار تن داور: نظری با کمک ریاحی و رحمانیان (همگی از ایران)

بهترین بازیکن: مانا از زئیر

ورزشگاه راه آهن (چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۵۴) - تیم زرد با اینکه سقوطش حتمی شده بود، نبردی دلاورانه و تحسین آمیز در برابر تیم ملی امید لهستان انجام داد و نزدیک بود کاردست حریف بدهد. لهستان

رده بندی گروه اول

رتبه	تیم	امتیاز	برد	تساوی	باخت	زده	خورده
۱	گلاس آکسپورت (چکسلواکی)	۳	۱	۱	۰	۲	۱
۲	ملی امید شوروی	۲	۱	۰	۱	۱	۱
۳	ملی ایران الف	۱	۰	۱	۱	۱	۲

رده بندی گروه دوم

رتبه	تیم	امتیاز	برد	تساوی	باخت	زده	خورده
۱	ایران «ب»	۶	۳	۰	۰	۷	۳
۲	ملی امید لهستان	۴	۲	۰	۰	۹	۵
۳	ملی مصر	۲	۱	۰	۱	۶	۹
۴	ملی زئیر	۰	۰	۳	۰	۴	۹

سودوزیان جام ایران

از: د - اسداللهی

پیش از جنگ بین المللی دوم میسر شد. در آن سالهایی که سرآودات بین المللی منحصر به جام جهانی و بازیهای المپیک بود که این هردو بخاطر دشواری در رفت و آمد نمی توانستند چون امروزه با حداکثر شریکت کننده برگزار شوند. از جام ملتها نری نبود و از سه جام باشگاه کنونی در اروپا و دو جام بین المللی و یک جام باشگاهی در امریکای جنوبی نیز خبری در دست نبود.

در آن روزگاران تعداد مسابقات بین باشگاهی کشورها نیز کم شمار بود و معمولاً در اروپا منحصر به بازیهای جام مسرتزی و جام لاتین میشد که تشکلات منظم و قابل توجه نداشت.

در این شرایط باشگاهها معمولاً هفته ای یکبار مسابقه باشگاهی داشتند و در عرض سال یا فصل فوتبال به حداکثر ۴۸ مسابقه در انگلستان و ۴۲ مسابقه در کشورهای دیگر می رسیدند که با حساب مسابقات قهرمانی باشگاهها و جام حذفی بدست می آمد. که گرچه این تعداد مسابقه برای زندگی یک تیم فوتبال مناسب بود، ولی نمیتوانست بسف فعالیت یک تیم حرفه ای برسد بنابراین در پایان هر فصل اضافی و باقیمانده بازیکنان خود را در راه تماشاگرهای خارجی صرف کنند و از این راه پولی اضافی نیز بدست آورند. بدین روش از این نوع جام ها بین کشورهای همجوار فراوان بود و اسپانیا بیشترین تعداد تماشاگرهای خارجی را برگذازمیکرد.

اساس تماشاگرهای خارجی روی تیم استوار بود که معمولاً یک تیم میزبان بود. تیم دوم، قهرمان یا تیم بزرگ هم وطن و دو تیم دیگر از کشورهای همجوار می آمدند.

مسابقات در دو شب یا حداکثر سه شب برگزار میشد. با اینکه نیمه نهایی هردو دیدار خود را در یک شب برگزار میکرد و فینال و بازی رده بندی را در یک شب دیگر. با اینکه هر دیدار نیمه نهایی در یک شب و دیدار فینال و بازی رده بندی در شب سوم انجام میگرفت. این مراسم از یکسوی

لطفاً ورق بزنید

به نتایجی که از جام ایران در دیدگاه ارقام کل و مقایسات رده بندی بدست خواهد آمد بهیچوجه علاقمند نیستیم. با وجود آنکه هر گاه تیمی ایرانی چه ملی چه باشگاهی رودر روی سازمانی بیگانه می ایستد کمال شادی خود را در پیروزی ایرانی می یابم و این یک نقطه نظر حساسی است. در دیدارهای جام ایران آنچه که می تواند از نظر حساب موثر و مورد نظر باشد نتایجی رقمی در دیدارهای احتمالی تیم ملی ایران با تیم های ملی جمهوری متحده عربی (مصر) و زئیر است چه تنها اگر چنین دیدارهایی در گیرد بهرحال رنگ دیدار رسمی ملی بخود گرفته و در فهرست های تاریخ دیدارهای بین المللی وارد میشود. و گرنه دیدارهایی نظیر ایران - کلاس آکسپورت و حتی ایران - تیم امید شوروی و ایران - تیم امید لهستان بحساب جدی گرفته نمیشود چون بین تیم های ملی نیست.

دیدارهای تیم ملی ب نیز در این رهگذر وارد فهرست های بین المللی نمیشود و حتی اگر دیدارها عبارت از ملی ایران «ب» یا ملی لهستان «ب» یا غیره باشد. چون اینها فقط بدره مقایسه زمانی می خورد نه درج در فهرست ها. زیرا تیم های ملی «ب» صاحب آن صلاحیت و رسمیت تیم های ملی الف نمی باشد.

با حذف تیم ملی الف از صحنه مسابقات، چیز چشمگیری که بدره درج در فهرست نتایج بین المللی تیم ملی ایران بخورد، بدست نیامد پس از این دستگاه نیست که باید سود و زیان جام ایران بررسی گردد.

سود و زیان جام ایران را از دو دیدگاه مطالعه میکنیم که یکی در ارزش وجودی جام ایران است و دیگری سیر تحول سطح عالی فوتبال در نظرگاه تیم ملی.

ارزش وجودی جام هایی نظیر جام ایران تاریخ آغاز این نوع جام ها بسالهای

بقیه از صفحه ششم

بعنوان جشنواره پایان مسابقات نیز معمول بود.

بعدها این تماس های خارجی جنبه دیگری یافت و از صورت جشنواره و صرف نیروی اضافی خارج شده بصورت میدان آزمایش و محل درآمد مورد توجه قرار گرفت و تاریخ آن نیز اندکی عقب رفت. در این دوران دوم تیم های حرفه ای سعی میکردند سرمایه آینده خود را آزمایش کنند و دست آوردهای خود را از بازار نقل و انتقال پایان فصل ارزیابی کرده و فرصت تجدید نظر داشته باشند. امروزه این جام ها تمام درجات اعتبار خود را از دست داده اند و معمولاً جای خود را بگردش های تفریحی سپرده اند. نظیر گردش هایی که تیم های اروپایی در پایان نیمه فصل نخست در سرمای زمستان برگزار میکنند و بسرزین های گرم میروند. یا در پایان نیمه فصل دوم صورت میدهند و هدفشان تغییر آب و هوا، ترتیب نوعی زندگی اردویی، آزمایش جوانان و ذخیره ها و از همه مهمتر کسب درآمد روی شهرت است.

با این وجود اساس تماس های خارجی هنوز برای کشورهایی که صاحب فوتبال برنامه ای و مسابقات عالی قهرمانی باشگاهها نمی باشند محترم و قابل استفاده است چه بحال این می تواند میدانی برای رقابت بر سر عنوان یا جایزه آن باشد.

در این دیدگاه یعنی بررسی روی اساس وجودی تماس های خارجی، جام بین المللی ایران فاقد پایه قابل تصورات است.

جام ایران بجای جام بین المللی ایران

اگر فوتبال ما فرصت حوصله برگذاری مسابقاتی در سطح عالی دارد و می تواند در کنار جام تخت جمشید که عالی ترین مراسم مسابقه ای فوتبال ما یا هر کشوری باشد مسابقات پرارزش دیگر هم برگزار کند، خوب است به آن چیزی پردازد که در مقررات جام تخت جمشید آمده و در فراموشی سه ساله مدفون است و جام جام حذفی نام دارد. چیزی که در انگلستان بالاترین رسم فوتبال است و در فرانسه تنها مسابقات ورزشی است که پدیدار نهایی آن با حضور رئیس جمهوری برگزار میشود.

خلق جام ایران (جام حذفی) سواى اینکه طرح یک عنوان و یک رقابت جدید و سریع و ایجاد یک هیجان در زمینه غافلگیری است، هم مسابقه بیشتر در اختیار تیم های دسته اول قرار میدهد و هم امکان خودنمایی و کسب درآمد به تیم های آماتور و دسته دوم میبخشد. امروزه یک تیم درگیر در جام تخت جمشید فقط ۳۰ مسابقه رسمی دارد. در حالی که حد متوسط

و معتول از نقطه نظر تناسب نیرو و کاربرد آن برای یک تیم فوتبال، ۱۰۰ دیدار و برای یک بازیکن، ۲۰ دیدار رسمی است. باشگاههای بزرگ اروپایی و امریکایی جنوبی که صاحب بیش از ۲۰ بازیکن

حرفه ای و گاه مانند رئال مادرید در عهد عظمت، صاحب ۳۵ بازیکن حرفه ای می باشند، سقف تعداد سابقه خود را در یکسال حدود ۸۰ مسابقه می نهند. جام ایران (جام حذفی) میتواند در سال آینده بصورت تعیین سرنوشت در وقت ویرگشت، بر تعداد مسابقات رسمی هر تیم جام تخت جمشید بیافزاید.

در انگلستان که بنیانگذار جام حذفی می باشد از سال ۱۹۶۹، رسم جدید بر این شد که هر تیم صاحب زمین بتواند در جام شرکت کند و پیش از آن هر تیمی که وارد یکی از مسابقات بود و تامل مسابقات شهری می رسید حق شرکت داشت.

پایه بد این نکته مهم در راه خلق جام ایران متوجه بود که ترتیب چنین مسابقاتی در سطح کشور اگر بخواهد خوب و در حد معقول باشد، زیاد آسانتر از برگزاری جام تخت جمشید نیست ولی آسان تر میشود بشرط آن که در راه برگزاری از تمام نیروهای برگزار کننده در سطح کشور طی برنامه ای جامع و دقیق استفاده شود.

من با تمام ایمانی که به حقانیت جام تخت جمشید، جام والا حضرت ولیعهد و خلق دسته دوم جام تخت جمشید دارم، مسون و متعقدم که خلق «جام ایران» نیز در سطح عمق فوتبال ما، ارزشی همپا و همبندی هر یک از آن مسابقات شریف را دارد.

دیدگاه دوم

دیدگاه دوم بررسی مطالعه سیر تحول سطح عالی فوتبال، در دیدگاه تیم ملی است. که این دیدگاه از یک جهت مهم، کار گروهی رهبری را مورد شجش قرار میدهد نه کار بازیکنی را که زائیده بلافصل مسابقات داخلی است زیرا تجمع و ازدوی بیش از دویا سه هفته اوضاع و احوال دیگری بوجود میآورد و این اوضاع و احوال غیر از آن چیزی خواهد بود که در متن مسابقات داخلی بوجود آمده است. شاید تنها خاصیتی که در این دیدگاه میتوان جستجو کرد، بازشناسی نیروهای جدید و پیداشده در سطح داخلی و آزمایش آنها در سطح خارجی است.

زندگی مدام

در گذشته نیز پیرامون نوع زندگی تیم ملی و تداوم حرکت این زندگی بحث کرده بودم و مطمئنم که همگان اینک میدانند که منظور از زندگی مداوم چیست. تیم ملی انگلستان در عرض سال بطور متوسط بالای ۱۲ دیدار ملی دارد که شش تای آن در کادو مسابقات جام بریتانیا و شش تای دیگر آن در کادو برنامه های دراز مدت تیم ملی یا کشورهای غیر بریتانیایی است و این غیر از درگیری تیم ملی در مسابقات رسمی دنیا از قبیل جام جهانی است. ولی مسابقات جام ملتهای اروپا را در بر میگیرد. مسابقات تیم ملی در طول سال پراکنده می باشد و بنوعی صورت میگیرد که زندگی قهرمانی باشگاهها را فلج نمیکند.

برای ما که میخواهیم در عرض سال بعنوان فصل فوتبال ۳۰ هفته را اشغال کنیم، اختصاص شش تا ده هفته به مسابقات تیم ملی و اختصاص شش تا ۱۰ هفته به مسابقات جام ایران (جام حذفی) ناچهار و زیاده بر حد نمی باشد با این توجه که چون مسابقه تیم ملی در خارج از ایران برگزار شود، بزندگی قهرمانی باشگاهها لطمه نرزد و تنها تیم هایی که بیش از دو بازیکن در تیم ملی دارند، مسابقه مربوط به خود را بتعویق می آلکنند و چون مسابقه ملی در خاک ایران برگزار شود باید به احترام آن تمام مسابقات دسته یکم و حتی دسته دوم تعطیل گردد.

حداکثر اردو برای چنین مسابقاتی ۶ روز کامل یا ۶ روز در دو بخش می باشد. ۶ روز کامل اینست که چون روز جمعه مسابقات قهرمانی پایان می یابد، اردوی تیم ملی از صبح شنبه تا روز جمعه که زمان مسابقه است برقرار میگردد. و ۶ روز در دو بخش عبارت از این است که اردوی سه روزه در روزهای یکشنبه، دوشنبه و سه شنبه هفته قبل برگزار میشود و روز چهارشنبه بازیکنان به تیم های خود میروند تا تعداد کم نسابقه باشگاهی روز جمعه خود را ببینند و باز روز شنبه به اردوی تیم ملی باز میگردند.

نظر به زندگی باشگاهها بیش از این برای کشور ما مجاز نیست ولی کمتر از آن و تا ۴۸ ساعت زندگی اردویی برای اکثر کشورهای اروپا معمول است. یک روز نمی توان چنین برنامه ای تدارک دید و اعلام کرد که مثلا سال آینده، در چه روزهایی در داخل و چه روزهایی در خارج دیدار ملی داریم. بلکه ترتیب این برنامه نیازمند یک دوره تماس ها و مکاتبات مفصل با کشورهای مناسب است که با اندکی بذل توجه اقتصادی میتوان مطمئن بود که برای سال آینده دست کم دیدار ملی از این نوع برای سال های بعد به مرز دیدار ملی واقعی برسیم. میتوانیم کشورهایی را بعنوان حریف برگزینیم که زمان و حتی شرایط را در اختیار آنان نهمیم و امیدوار باشیم.

این راهی مشکل است که نیازمند صبر میباشد ولی برای بخشیدن تداوم به زندگی تیم ملی و بهره گیری از مزایای آن چاره ای غیر از این نیست و این مسابقات موجود بهیچ دردی نمیخورد غیر از آنکه زبان داشته و اولین زبانش در هم ریخته برنامه زندگی بازیکنان بعد از فصل فوتبال است.

بازیکنان، میبایست بعد از مسابقات در شرایط سخت جام تخت جمشید به استراحت پرداخته و به ترمیم بردارند تا با استراحت از روی برنامه، به یافتن آرامش عصبی و تقویت عضلانی موفق شوند تا همیشه آغاز فصل تدارک را با اشتیاق زیاد جشن بگیرند. ما اینک آنان را خسته از پایان فصل، به یک جنگ دیگر عضلانی و عصبی گرفتار کرده ایم و به تحقیق نمی توانیم کوچکترین بهره ای از این زحمت اضافی بگیریم.

همکار گرامی آقای جهانپخش الهاری

احراز مقام قهرمانی دو و میدانی آموزشگاه های کشور را تبریک میگوئیم. سرافراز ورزش اردبیل

تعصب و غیرت امید، بر تکنیک شوروی ها غلبه کرد

این بار امیدها به جنگ چکها میروند

چهارمین پیروزی پی در پی، ایران «ب» را به روز سرنوشت برد

جام فوتبال ایران (نیمه نهائی) ایران «ب» (۰)

حسین راغفر ۱ - علیرضا شفا ثانیان ۲، بیژن ذوالفقار نسب ۳ (ناپتین)، جواد اشوردی ۴، مهدی دینورزاده ۵ - مائیس میناسیان ۶، حسن نظری ۷ (از دقیقه ۸۹)، جاوید بها نگیری، ابراهیم قاسمیپور ۸ - اسماعیل حاج رحیمی پور ۹، حمید شهبازی ۱۰، محمد دستجردی ۱۱
ذخیره ها: کریم بوستانی، سعید باغچه رسانی، جمشید رشیدی، مجید بشکار
رنگ پیراهن: سفید

امیدشوروی (۰)

ویکتور ادوف ۱ - الکساندر داسین ۲ (کاپیتان)، الکساندر بویکو ۳، واسیلی جویچکوف ۴، ویکتور بوکیسیل ۵ - یوری آدجم ۶ (از دقیقه ۹۰)، آناتولی دورچنکو ۷ (۱۵)، یوری بودیفشوف ۸، یوری کوالوف ۱۰ - ولادیسلاو کوزنوف، یوری کوزنن ۱۲، خورن اوگانسیان ۱۳ (از دقیقه ۸۹)، ویسالی روزدایفوف ۱۴ (ذخیره ها: ویسلاف ۱۸، باریس کوزنوف، پیترا سلوبودیان
رنگ پیراهن: قرمز

گل: حمید شهبازی در دقیقه ۸۲
برای ایران
داور: معرم (مصر) با کمک استیج (لهستان) و نظری (ایران)
تماشاگر: حدود ۵ هزار تن
بازیکنان خطا: داسین و کوزنوف از شوروی.

بهترین بازیکنان: بیژن ذوالفقار نسب، ابراهیم قاسمیپور
محمد دستجردی از ایران و اوگانسیان از شوروی

ورزشگاه آرپامهر (جمعه ۲۷ تیر ۱۳۵۴)

تیم ملی امید ایران (ایران ب) هفته پلائی خود را پشت سر گذاشت و با نتایج شکست من، یونان استیج با گل دقیقه ۸۲ حمید شهبازی (میناچه خوزستانی) تیم ملی امید شوروی را شکست داد. در حالیکه حریف مغلوب از نظر فن و سطح بازی بهترین تیم این جام بود. تیم جوان ایران در برابر قدرت و احاطه بازیکنان شوروی، با اسلحه تعصب و خشمگینی بازیکنان خط میانی به میدان آمد.

تیم شوروی در نیمه اول بر ایران برتری داشت و این هراس را بوجود آورد که ملی پوشان جوان نتوانند از سد بلند دفاع عبور کنند. اما در نیمه دوم بچه ها جملگی هر چه داشتند رو کردند و به آنچه که شایسته آنان بود رسیدند. این بیروزی چهارمین موفقیت بی دربی جوانان و بهترین کارنامه برای تیم های این جام بود.

شوروی در برابر چکسلواکی و ایران الف نشان داد که تیمی است با خصوصیات عالی در ارائه فن فوتبال، اما ضعف

در قدرت تمام کنندگی و ادامه آهنگ بازی در درون محوطه جریمه، انسان که در جنگا، نتوانست در محوطه خطر ایران خطر سازی جدی برای راغفر هوشیار و مودافعان جنگنده ایران باشد. در قلب دفاع ایران بیژن ذوالفقار نسب با داشتن وظیفه کاپیتانی،



حضور والا حضرت هما بون ولا بتعهد در جمع تماشاگران بدون هیچ تشریفات به امیدهای جوان دلگرمی و روحیه بی دوچندان داد تا آنجا که تیم هیتا و صاحب نام اروپایی را هم از پای در آوردند. ببینید والا حضرت چگونه بسان دیگر تماشاگران در جمع مردم غرق تماشا می باشید و سسابقه هستند. در سمت راست ایشان کاپیتان آنانای رئیس و هوشنگ دیده بان دیر فدراسیون فوتبال افتخار حضور دارند.

او به هنگام تصاحب توپ همیشه حرفاننش برتری نشان داد و آغاز گل نیز از سوی او بود.

حمید شهبازی - گر چه نتوانست آن طور که باید جلوه کند - اما روحیه مالش در بصر رساندن گل سرنوشت ساز بیروزی قابل تقدیر بود گلی که سسابقه نهائی را یاد دیگر ایران و کلاس اکسپورت چکسلواکی در مبارزه بر سر جام، به میدان پیشکار

کشمید. منتهی اسمال بجای ملی پوشان بیروز سال قبل، جوانان متعصب و با حمت ایرانی به سساف هوشیاران چک میروند.

در تیم ایران حس همکاری خوبی به چشم میخورد و اغلب پاس ها بطور زمینی و عرضی انجام میگرفت و همواره بازیکن صاحب توپ در جستجوی یار در فضای خالی و مناسب بود.

تیم شوروی با وجود دفاع عالیش که در قلب آن «بویکو» با قامتی بلند میدرخشید آمده بود تا امیدها را هم، بسان ملی پوشان تا کام کند. آنان در حفظ توپ و حرکت در زمین نشانه هایی از تیمی قابل حساب اروپائی داشتند در این روز به شوت زن هائی مانند کوزنن، کوالوف و اوگانسیان هرگز فرصتی داده نشد.

لطفاً ورق بزنید

گل بیروزی ایران بر شوروی - این ضربه را در دقیقه هشتاد و دوم شهبازی (سفید پوش) با سرعت عمل شلیک کرد و با وجود شلیجه سریع زادف دروازه سرخ پوش های امید شوروی را به آتش کشید. بود شوف (۸) هافبک شوروی تا دهانه دروازه به عقب کشیده تا شایداً مانعی برای گل باشد اما او نیز چون دروازه بان کاری از پیش نبرده است.



ایران و شوروی در نیمه اول، هر کدام یک کرنر زنده و در نیمه دوم سهم شوروی از ایران - که دو کرنر زد - یک کرنر بیشتر بود.

در تیم ایران ناصر نورانی مهاجم گل زن، بخاطر مسدودیت از مسابقه با زئیر همچنان غایب بود و تا دقیقه ۸۹ تیم تغییری در آرایش خود نداد. در آخرین دقیقه جهانگیری بجای نظری مسدود به - به میدان آمد.

مسابقه با حضور تعداد قابل ملاحظه بی تماشاگر که در نوردی برای مسابقات جام بود آغاز شد و ابتدا شوروی ها حمله را آغاز کردند. در دقیقه دوم پاس کوزه زین و شوت اوگانسیان خطری بود که دفاع بزحمت دفع کرد. جواب این حمله را ایران بلافاصله داد و ضربه آزاد دینورزاده از چپ را شهبازی ضربرب از کنار دروازه گذراند. راغفر در یک روز خوب توانست شوت اوگانسیان را به کرنر بفرستد. در دقیقه ۴۶ روی پاس شهبازی، دستجردی از رویرو و پشت محوطه جریمه شلیکی ضربرب و جانب به بالای دروازه کرد. بعد از این شوت ایران خود را از زیر حملات شوروی بیرون کشید و بمقابله پایایی با حریف برخاست. طی یک درگیری در جناح چپ، داور به دو بازیکن شوروی اخطار داد و جنجال را فرونشاند. محرم کاورمصری با وجود چند بار قصور بسود ایران اشتباه بزرگ و سرنویشت سازی مرتکب نشد چنانکه نظری کمک داور ایرانی نیز چند بار بازیکن میهنانان برچم را بالا برد.

در نیمه دوم ایران با اینکه با همان آرایش اولیه میدان آمد، معذرا چهره بی مسرمت و دلوارانه تر از خود نشان داد. نشانه این تجلی دلپذیر در دقیقه ۵۵ بود که دستجردی از چپ نفوذ کرد و توپ را - بیازی سپرد پاس اووشلیک محکم و خطرناک حاجی با گل فاصله بی نداشت که از اتفاقات پد پای مدافع گرفت و نیاز کشت در لخطات نیمه تماشاگران با همه قوا به بازی تیم امید آفرین ایران برخاستند. همراه با درخشش ایرانی ها و حرکات صحیح هافبکهای ما در اردوی شوروی ها آفت افتاد بنیال این واقعیت مسابقه تحت حکومت ایرانی ها درآمد سرانجام در دقیقه ۸۴ ورزشگاه یکپارچه شورواتش شد زیرا بدنبال پاس نظری به حاجی و شوت او که به دست مدافع شوروی خورد - شهبازی قبل از اینکه بخشی برای بود یا نبود پناهی پیش آید، هم چون اجل بالای سرتوپ سرگردان ظاهر شدو یا یکضربه زینی کار را تمام کرد.

بازیکنان شوروی در هشت دقیقه آخر برای جبران کوشیدند اما ضمن آنکه یکبار خطر آفریدند، دویار دیگر نیز تهدید شدند. در آخرین دقیقه نظری جایش را بخاطر آسیب دیدگی به جهانگیری سپرد و جهانگیری با مانوری از جناح چپ یکبار دیگر تیم شوروی را عذاب داد و سرانجام سوت پایان به نشانه پیروزی بزرگ ملی پوشان امید، در حضور و الاحضرت همایون ولایتعهد ایران بصدا درآمد.

گلاس اکسپورت ۱ - جوانان لهستان صفر

در یک دیدار بی روح و کسل کننده،

چک ها با زهم به مسابقه نهائی راه یافتند.

این تعادل همچنان بضر تیم جوانان لهستان بود. زیرا ایجاد تعادل در این مسابقه به معنی باخت این تیم و محروم شدن از دیدار نهائی بود. به اینجهت جوانان لهستان بناگاه از خواب ۸۰ دقیقه بی بیا خاستند و روی دروازه چکسلواکی دست به حملاتی پراکنده اما نه زهری زدند. که هرگز از این حمله های ناموزون آهنگی خوش از اردوی لهستانی ها به گوش نرسید و جام ایران تیم گلاس اکسپورت چکسلواکی را بعنوان یکی از دو تیم بازیگر نهائی پذیرفت. هر چند که نه سال گذشت. اسمال گلاس - اکسپورت کمترین نشانه از یک فوتبال زیبا و قابل قبول به تماشاگران عرضه. شاید راه یابی چک ها به دوره نهائی، بی تجربهی حرفیان باشد.

برنامه آخرین روز «جام ایران»

یکشنبه ۲۹ تیر ماه

تیم امید لهستان با تیم امید شوروی برای مقام سوم - ساعت ۱۰/۴ بعد از ظهر
تیم ملی امید ایران با تیم گلاس اکسپورت چکسلواکی برای مقام قهرمانی - ساعت ۱۰/۴ بعد از ظهر
(مسابقات دوازده گانه آریابهر انجام میشود)

بیرند. کم کاری در تمام خطوط بویژه از نزد بازیکنان میانه میدان و مهاجمان لهستانی، بطرز غیر قابل قبولی به چشم میخورد. هنگامی که چک ها دریافتند که حریف چنین تئیل و کم آزار است، دست از احتیاط برداشتند و آهسته، آهسته حضور خود را در زمین جوانان لهستان تحمیل کردند. این حضور که از دقیقه ۶۰ آغاز شد هیچ حرکتی را از جانب بازیکنان جوان لهستانی بدنبال نداشت و نتیجه آنکه چهار بار پشت زنگ خطر در مقابل دروازه این تیم بصدا درآمد. در این دقیقه ملیچار (مهاجم چکسلواکی) در مقابل دروازه لهستان ظاهر شد و با وجود اینکه میروسلاو (دروازه بان لهستان) در استقبال از او سرنگون شده بود، توپ او را دفاع از مقابل دروازه خالی با زحمت داد که سرانجام میچاسک (شماره ۱۵) صاحب توپ شد و بی درنگ با - روح دروازه بان لهستان مواجه شد. اما شوت سنگین او با فاصله کمی از کنار دروازه - به خارج رفت. آنگاه پس از دو شوت سنگین «وجودا» مربی لهستانی تنها راه علاج تنبلی بیش از حد بازیکنان جوان خود را در تعویض دو بازیکن یافت این تدبیر کم و بیش موثر افتاد و حضور رومیسان و والدیمار میدان را بسوی تعادل نشانده اما

حاج رحیمی پور دیشب به بیمارستان منتقل شد

اسماعیل حاج رحیمی پور (بازیکن تیم ایران ب) دیشب بر اثر آسیب دیدگی شدید از نواسق پای چپ به بیمارستان منتقل شد و زیر نظر دکتر تقی زورکش (پزشک اختیاری فدراسیون فوتبال) قرار گرفت. دکتر تقی زورکش به خبرنگار ما گفت: «قسمت آسیب دیده پای حاج رحیمی پور همان ناحیه بی است که سال پیش شکسته بود. فردا بعد از ظهر (شنبه) از ساق پای صدمه دیده این بازیکن معاینه دقیق به عمل میآید تا معلوم شود که او

چکسلواکی (۱) ۱
سدلاک، میکسا، سرماک، میچاسک، کوپک، فرانک، بیچوفسکی، ملیچار، توروفسکی، وجودا و بیچنر (از دقیقه ۸۷ بوربانک)

جوانان لهستان (۰) ۰

میروسلاو، هناتیو، زیمینو، زبزیلا واز دقیقه ۷۱ والدیمار ویتولد، کازمیرس (از دقیقه ۷۷ رومان)، مارک، ریس زاود، زیمینو، ووژیچ، اندرزو و لژسک. گل دقیقه شانزدهم، توسط جان توروفسکی برای گلاس اکسپورت
داور: جعفر نامدار کمکها: محسن زمانی و مرتضی رحمانیان
تماشاگر در آغاز مسابقه حدود ۱۵ هزار تن.

گلاس اکسپورت چکسلواکی (نامید قهرمان نخستین دوره جام ایران) دپروز با غلبه بر جوانان لهستان، سستی در جام باقی نهاد: سنت حضور در دیدار نهائی! حرفه بی های گلاس اکسپورت و جوانان زیر بیست و سه سال لهستان نه تنها دیداری در حد یک مسابقه نیمه نهائی در یک جام بین المللی انجام ندادند، بلکه آنچه بعنوان مسابقه نیمه نهائی جام ایران تعیین یکی از دو تیم بازیگر مسابقه نهائی صورت گرفت بسیار کسل کننده و کاملاً بی ارزش بود!

دپروز تنها چیزی که از گلاس اکسپورت به چشم خورد همان فرصت طلایی، زیرکی و حساسگری بازیکنان این تیم بود که از سال پیش و اسمال در دیدارهایش بویژه با تیم امید شوروی، کاملاً در خاطره ها زنده است. از سوی دیگر جوانان لهستان از آن طراوت و تحرکی نه از یک تیم جوان اروپائی متصور است هرگز نشانی بر جای نگذاشتند. حاصل این خصائص یک مسابقه یخ بود که تماشاگران را به دقیقه شماری برای هر چه زود تر پایان یافتن آن، واداشته بود.

شاید اگر در دقیقه شانزدهم جان جان توروفسکی روی پاس «زورکو وجودا» تنها گل گلاس اکسپورت را به تمرین رساند ۲۰ هزار تماشاگر ورزشگاه آریابهر شاهد مسابقه بی در حد نام جام بین المللی ایران، میشدند. اما گل تقریباً زود هنگام چکسلواکی سبب شد که تیم بازیگر پداو نهائی جام نخست ایران احتیاط را آویزه گوش سازد!

احتیاط بیش از حد و بازیگری فشرده تیم گلاس اکسپورت یک بازی کم همچنان بی روح پدید آورد. جوانان لهستانی آنقدر تئیل و بی میل بودند که هرگز نتوانستند از این همه احتیاط و محافظه کاری حریف سودی

ورویایف، مربی کشتی فرنگی شد

تمرین ورزشگاه وروشیده محمد رضا شاه انجام وظیفه می کند که هنوز بطور رسمی برنامه کار خود را آغاز نکرده است.

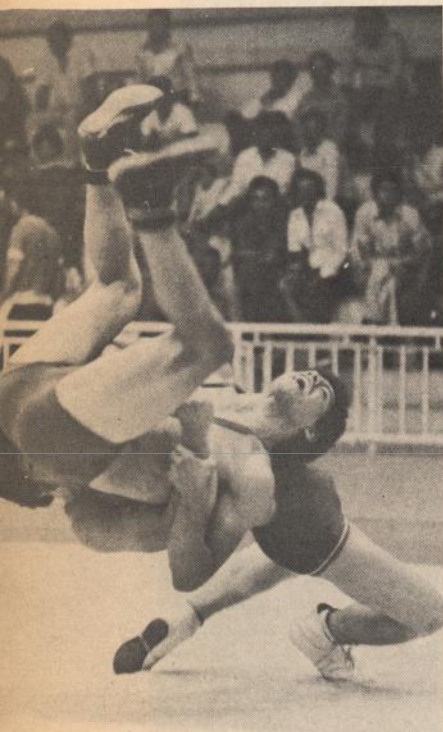
ورویایف یکی از کشتی گیران خوب رشته فرنگی در جهان بود. او در بازیهای المپیک ملبورن (۱۹۵۶) مدال طلای وزن ۵۷ کیلوگرم را برد. در المپیک ۱۹۶۰ رم در وزن ۶۲ کیلو مدال برنز گرفت و در مسابقه های جهانی ۱۹۶۲ تولید و صاحب مدال نقره وزن ۶۲ کیلو شد.

کستانتین ورویایف مربی کشتی فرنگی از شوروی که بدعوت فدراسیون کشتی ایران برای مدت یکسال به ایران آمده است - از هفته گذشته برنامه کار خود را در نقش راهنمای مربیان ویژه فدراسیون کشتی ایران و آموزش کشتی برای نوجوانان در دو نقطه تهران آغاز کرد که صبح ها در تالار تمرین کشتی ورزشگاه امجدیه و محمد رضاشاه پهلوی تمرینات کشتی گیران نوجوانان (۱۰ تا ۱۵ ساله) را زیر نظر دارد و عصرها در تالار

در مسابقه های انتخابی کشتی فرنگی جوانان همه ستاره بودند

قهرمانان اوزان دهگانه کلیه حریفان خود را ضربه فنی کردند!

* بهروز دانش؛ غلامرضا قصاب، جعفر علیزاده، هاشم کلاهی و اسماعیل عربی زاده برای شرکت در مسابقه های جهانی برگزیده شدند.



فن قاراشمیش

وقتی فن کننده فرنگی با سالنوا قاطعی شود، چنین صحنه ای پیش می آید که با اصطلاح عامیانه به آن می گویند «فن قاراشمیش» مجری این فن داود خانعلی زاده است که علی افغانی را این گونه با درها کرده است.

عباس غازاریان (سرپرست مسابقه ها) علیرضا رزقی، مجتبی نویبه و عبدالله زارع (مسئولان جدول)، پرویز سیروس پور، پرویز عرب، ابراهیم نیک سرشت، حسن سحرخیز، منصور صراف، حسین زرقی، مرتضی اخوت ابوالقاسم رایگان، رحیم عظیمی، جمشید نجفی، منصور رئیس، اسماعیل احدیه و اصغر انصاری.

مسابقه های انتخابی کشتی فرنگی جوانان ایران طی چهار روز روی دو تشک لطقاً ورق بزیند

مسابقه های کشتی فرنگی جوانان (زیر بیست سال) برای انتخاب تیم اعزامی به مسابقه های جهانی «خاسکوا» (بلغارستان) با شرکت ۱۴۵ کشتی گیر در ده وزن برگزار شد و برای اولین بار در تاریخ کشتی ایران قهرمانان ده وزن کلیه حریفان خود را با ضربه فنی شکست دادند. یعنی همه قهرمانان ستاره بودند! ولی غلامرضا قصاب یک سرگردان از همه بالاتر بود و نشان داد که در حال حاضر بهترین کشتی گرو وزن ۶۶ کیلو در ایران است. پس از پایان این مسابقه با قیاسه کمیته فنی کشتی فرنگی برای انتخاب بهترین کشتی گیر تشکیل جلسه داد که طی آن بهروز دانش، غلامرضا قصاب، جعفر علیزاده، هاشم کلاهی و اسماعیل عربی زاده برای شرکت در مسابقه های جهانی خاسکوا برگزیده شدند. در این جلسه با اعزام کشتی گیران منتخب و اوزان ۸۲ و ۱۰۰ کیلو با مخالفت شد.

در وزن ۴۸ کیلو ناصر اسماعیلی قهرمان جوانان و بزرگ سالان ایران را نیز بحساب گذاشتند و قرار شد اگر نامبرده انظر شرایط سنی اشکالی نداشته باشد، ابتدا با عباس پلنگ کش (فرد سوم این وزن) دیدار کند و در صورت پیروزی بمقابله با غلامعلی امیری (فرد دوم) برخیزد و اگر در این دیدار نیز پیروز شد با محمود منتظری قهرمان این وزن روبرو شود. تا فرد برتر تعیین شود و بعضویت تیم در آید. ولی اگر اسماعیلی مدارک لازم را از جهت شرایط سنی نتواند ارائه کند، محمود منتظری بدون انجام مسابقه راهی «خاسکوا» خواهد شد. در وزن ۵۷ کیلو از حسین شاکری (قهرمان جوانان ایران در سال جاری) نیز دعوت شد و قرار است ابتدا با محمد بنای فرد دوم وزن ۶۶ کیلوگرم - که قصد دارد بیک وزن پائین تر بیاید - روبرو می شود و فرد برنده با فردیون عشق پرست قهرمان این وزن مبارزه خواهد داشت.

در وزن ۶۶ کیلوگرم از خدابخش عفت دار قهرمان کشتی آزاد جوانان دعوت شد تا با داود خانعلی زاده دیدار کند در صورت پیروزی خدابخش، او برای شرکت در دو مسابقه (کشتی آزاد و فرنگی) راهی خاسکوا خواهد شد. اما اگر خانعلی زاده پیروز شود، در رشته فرنگی و عفت دار در رشته کشتی آزاد بعضویت تیم های اعزامی ایران به خاسکوا درمی آیند.

داوران

داوران این مسابقه عبارت بودند از:

بلغارستان، سوئیس و ترکیه شرکت داشتند. ولی این بار تعداد شرکت کنندگان به ۹۰ تن رسید ضمن اینکه بجای سوئیس، کشتی گیران لهستان و رومانی حضور یافتند. هر چند تیم رومانی توانست کار مهمی انجام دهد، ولی درخشش لهستانی ها خیره کننده بود.

شورویها نیز که سال پیش تنها یک مدال توسط «تونگایف» گرفتند این بار آراچیلوف کشتی گیر آشنای وزن ۷۴ کیلو که در سامسون به یک وزن بالاتر صعود کرده بود مدال طلای وزن ۸۲ کیلوگرم را کسب کرد و در سنگین وزن نیز شورویها مدال طلا را بردند. تیم های شوروی و بلغارستان مثل سال گذشته بطور ناقص در جام یاشاردوغو حضور یافتند و بلغارستان مانند سال پیش از مدال طلا نصیبی نبرد. سال گذشته تیم ایران متشکل از هشت کشتی گیر بود، ولی این بار باده تن در هشت وزن وارد صحنه مبارزه شد و از نظر مقایسه کیفی چیزی کمتر از سال پیش نداشت.

هیأت سرپرستی تیم اعزامی ایران به ترکیه پس از بازگشت به تهران چنین عنوان کردند که یکی از دلایل ناکامی تیم ایران نفوذ داوران ترکیه بود که البته اینگونه مسائل معمولاً در مسابقه های نظیر جام یاشاردوغو، دان کولف، تفلیس و... وجود دارد و این مسأله تا زکی ندارد. حتی سال پیش نیز وضع چنین بود در آینده نیز چنین خواهد شد و ما هم در جام آریامهر کم و بیش در رای داوری اعمال نفوذ می کنیم که نمونه آن فراوانست.

بدین سبب این بهانه را نمی پذیریم و معتقدیم که باید عمل نزول تیم ایران در جام یاشاردوغو، بطور منطقی بررسی شود تا ماعاب روشن گردد و در صدد رفع آن برآئیم. با این مقدمه به رده بندی اول تا سوم می پردازیم.

- ۴۸ کیلو: ۱- سیحان روی از ایران
- ۲- علی یلماز از ترکیه ۳- مهت جانباز از ترکیه.
- ۵۴ کیلو: ۱- کولفسکی از لهستان
- ۲- فوزی قودقوف از ترکیه ۳- قهی ساری از ترکیه.
- ۵۷ کیلو: ۱- مهت امین از ترکیه
- ۲- ماری توف از بلغارستان ۳- ناصر نصیری از ایران.
- ۶۲ کیلو: ۱- پترو کویان ز رومانی
- ۲- زدونسکی از لهستان ۳- تموفین از شوروی.
- ۶۸ کیلو: ۱- مهت ساری از ترکیه
- ۲- عبدالله حاج احمدی از ایران ۳- یانچو از بلغارستان.
- ۲- محمدرضا طاهری از ایران ۳- یعقوب توپوز از ترکیه.
- ۸۲ کیلو: ۱- آراچیلوف از شوروی
- ۲- ویسلی یورگا از رومانی ۳- بیژن زرافشان از ایران.
- ۹۰ کیلو: ۱- کازوسکی از لهستان
- ۲- استفان کیکوفسکی از لهستان
- ۳- آیهان تاشکین از ترکیه.
- ۱۰۰ کیلو: ۱- سارین از لهستان
- ۲- اتاجی از رومانی ۳- علیف از بلغارستان.
- ۱۰۰ کیلو بالا: ۱- سوکوف از شوروی
- ۲- کنان اکی از ترکیه
- ۳- علاء الدین یلیدریم از ترکیه.



در مسابقه های کشتی آزاد جام یاشاردوغو، روحی مدال طلا گرفت

قهرمان کشتی آزاد ایران که - برای شرکت در جام «یاشاردوغو» به ترکیه عزیمت کرده بودند - با یک مدال طلا، دو نقره و سه برنز به وطن بازگشتند. این مسابقه ها با شرکت ۹۰ کشتی گیر از ایران، بلغارستان، شوروی، رومانی، لهستان و سه تیم از ترکیه در شهر ساحلی سامسون (زادگاه مرحوم یاشاردوغو) برگزار شد. در این دوره از مسابقه تیم لهستان با کسب سه مدال طلا نتیجه خوبی گرفت و ضمن آن زنگ خطر را برای بزرگان کشتی بصدا درآورد. ترکیه ها مجموعاً سه مدال طلا گرفتند. شوروی صاحب دو مدال طلا شد و یک مدال دیگر را ایروان تسماحب کرد که برنده سیحان روی در وزن ۴۸ کیلوگرم بود.

نزول تیم ایران

سال پیش تیم ایران با کسب پنج مدال طلا عنوان قهرمانی این مسابقه ها را کسب کرد. ولی این بار تیم ما، هم از لحاظ مدال، نتیجه رضایتبخشی نگرفت و هم در رده بندی تیمی نزول داشت. یکی از عوامل این نزول بالا رفتن کیفیت مسابقه ها بود از نظر تعداد تیمی و نفرات نیز نسبت به سال پیش افزایش محسوس داشت. زیرا در دوره گذشته ۱۰۰ کشتی گیر از کشورهای ایران، شوروی،

مسابقه های انتخابی کشتی فرنگی پایان یافت کرمان هم یک کشتی گیر به تیم ملی تحویل داد

*** رضا یوسف آبادی از «بم» با درخشش خیره -
کننده ای خسرو نظافت دوست را ضربه فنی کرد و
عضویت تیم ملی درآمد!
* تورانیان در اثر اشتباه صوتی، مبارزه برده را باخت**

سوجهر لطیف

ملبورن ازمازندان فرا خوانده شد، چندتن از کشتی گیران تهرانی عضویت تیم ملی چشم دیدن حیبی را نداشتند و چه و است که از کنار اوس گشتند متلک با رانش می کردند اما وقتی حیبی پشت مرحوم توفیق را به تشک رساند و روی سینه اش نشست همه ماست ها را کیسه کردند.

رضایوسف آبادی کشتی گیر سیاه هیوست کرمانی که قلب و باطن به سفیدی براف دارد قبل از رویرو شدن با نظافت دوست همان شرايطی را داشت که بیست سال پیش چنان که نوشتم امامعلی حیبی آن صحنه را پشت سر نهاد. هنگامیکه یوسف آبادی برای وزن کشتی آمد، چندتن از کشتی گیران تهرانی دور او جمع شدند و هر کدام بنوعی با حرفهای ناپسند خود این جوان شهرستانی را ناراحت کردند، حتی خود نظافت دوست هم خوش مزگی هایی می کرد.

یوسف آبادی همه این حرفها را شنید ولی حتی یکبار لب نکشید.

وقتی هنگام زور آزمایی سر رسید کشتی گیر کرمانی همچون «شیری» گرسنه - که از قفس آزاد شده باشد - بسوی ... دوست بورش برد و در همان ثانیه ها، نخستین با اجرای فن مالتو پشت نظافت دوست را به تشک رساند! و بعد از آنکه داور دست یوسف آبادی را بعنوان فاتح بالا برد این جوان شهرستانی با صمیمیت مهربانی دست در گردن قهرمان شکست خورده انداخت و او را تا کنار تشک هدایت کرد.

این دیدار در چهار چوب مسابقه های انتخابی تیم کشتی فرنگی ایران برای شرکت در مسابقه های قهرمانی جهان ۱۹۷۵ (مینسک) بود که دیشب در تالار محمد رضا شاه پهلوی برگزار شد. در این مسابقه مجموعاً ۸۰ کشتی گیر بر گزیده از تهران و شهرستانها شرکت داشتند که علاوه بر شکست دور از انتظار نظافت دوست سه اخطاره شدن رحیم علی - آبادی توسط مهدی هوریا و شکست حسین - تورانیان (قهرمان آسیا) توسط نصرت الله - سریری (از آذربایجان)، از نتایج دور از انتظار و شکست انگیز بود. بویژه شکست تورانیان که در اثر اشتباه او حاصل شد و زمانی که تورانیان می رفت تا ۲۱ بر ۴ سریری را شکست دهد، غافلگیر شد و به رفت که در همین هنگام زنگ تشک

وقتی رضایوسف آبادی در میان شگفتی همگان، پشت خسرو نظافت دوست (برنده مدال نقره مسابقه های کشتی فرنگی آسیا) را به تشک سپاساند، بیاد دیدار امامعلی حیبی با شادروان توفیق جهان بیخت اتادم، اکنون بیست سال از آن روز میگذرد ولی کسانی که با کشتی سروکار دارندند تماماً پیروزی حیرت انگیز حیبی را در برابر مرحوم توفیق خوب بیاد دارند. حیبی قبل از این پیروزی یک کشتی گیر معمولی و گننام بود اما با غلبه بر توفیق هم به شهرت رسید و هم اینکه حرف خود را یکسری نشانده چون زمانی که حیبی برای اردوی آمادگی با زبهای المپیک

بقیه از صفحه پیش

برگدار شد و رده بندی اول تا سوم هر وزن شرح زیر تعیین گردید:

- رده بندی**
- ۴۸ کیلو: محمود منتظری از تهران - غلامعلی امیری از کیلان - عباس بلنگند کش از تهران.
- ۵۲ کیلو: بهروز داتش از تهران - ابوطالب باقری از قم - جاوید پورتم از تهران.
- ۵۷ کیلو: فریدون عشق پرست از تهران - منصور حیدر اصل از خوزستان - محمود میرزائی از تهران.
- ۶۲ کیلو: غلامرضا قصاب از خوزستان - محمد بشاک از تهران - احمد رضائی از تهران.
- ۶۸ کیلو: جعفر علیزاده از تهران - مصطفی یابانی از تهران - سادق شریفیان از تهران.
- ۷۴ کیلو: داود خانعلی زاده از تهران - مصطفی کبابی از خوزستان - علی افغان از شمیران.
- ۸۲ کیلو: علی اصغر نظری از تهران - علی اکبر خادم مشکین از قزوین - عباس شایسته از تهران.
- ۹۰ کیلو: هاشم کلاهی از تهران - اکبر میری روشن از اراک - احمد آرونی از تهران.
- ۱۰۰ کیلو: اسمعیل عربی زاده از خوزستان - غلامرضا لعیمچی ازمازندران - عباس عیدی از کرمانشاه.
- سنگین وزن: حسین عیدی از کرمانشاه - ایرج هدایتی ازمازندران - محمد هاشمی ثابت از تهران.

دیگر بصدا درآمد و تورانیان بصورت اینکه وقت مسابقه تمام شده است مقاومت نکرد و خود روی تشک خوابید که داور طبق مقررات سریری را برنده شناخت.

در همین وزن مرتضی قمیسی از اصفهان، پس از دو باخت پیاپی به سریری و تورانیان در همان دوره مقدماتی از جدول خارج شد.

علی معرب کشتی گیر خراسانی نیز در دیدار با تورانیان ۲، نمره عقب بود که به مبارزه ادامه نداد و برای انجام دومین مسابقه اش با سریری حاضر نشد.

پیروزی اکبر بداللهی با ضربه فنی بر اکبر قربانی (قهرمان ایران) توام با جنجال بود که عباس قربانی (برادر بزرگ اکبر) را پای میزداد و کشتی گیران این حرکت عباس پسندیده نبود و امیدواریم که دیگر تکرار نشود.

مسابقه خودمانی

مرتضی علیقتیان و منصور باقری - که در وزن ۱۰۰ کیلوگرم شرکت داشتند - در دومین روز وقتی در سر وزن کشتی حاضر شدند، با هم به توافق رسیدند که مسابقه خود را چند ساعت بجلو بیندازند و پس از وزن کشتی بلافاصله روی تشک رفتند و بدون داور و تماشاگر پنجه در پنجه هم انداختند که در این دیدار خودمانی، علیقتیان پیروز شد و باقری که قول داده بود در صورت شکست در مسابقه - که طبق برنامه باید عصر انجام می یافت - حاضر نخواهد شد، به قولش وفا کرد و داور دست علیقتیان را بدون حریف بالا برد!

داوران

ابوالقاسم رایگان (سرپرست)، علیرضا زرقی، عبدالله زارع و مجتبی نبویه (مسئولان جدول)، رحیم عطیعی، عباس نمازیان، پرویز عرب، هوشنگ ابوطالب، ابراهیم نیک سرشت، غفار حیبی، منصور رئیس، حسن سحرخیز، مرتضی اخوت، مصطفی داودی، حسین زرقی، حسین زاکانی، منصور صراف، فضل الله اهورهوش، اسماعیل اهدیه.

تعیین زاده سه اخطاره شد

حسین تقیب زاده (قهرمان وزن ۴۸ کیلوگرم) جام نیکلا تروف بلغارستان - که این بار در وزن ۷۷ کیلو ظاهر شد در مرحله نهایی توسط لفرت سریری کشتی گیر خوب سراغیه بی سه اخطاره شد.

سریری با این پیروزی بقام قهرمانی رسید. محمد حسن ناجی (رئیس هیات کشتی سراغیه) - که مثل مریسان مشت زنان حرفه ای در همه حال سخت مراقب سریری بود - در پیروزی کشتی گیر خود سهم بسزای داشت.

رضایوسف آبادی پس از پیروزی بر نظافت دوست بر هوشنگ منتظر الظهور نیز ۱۹ بر ۱۰ غلبه کرد و بعد در برابر احمد - داودی هم فاتح شد و بیقام قهرمانی رسید. به احتمال قوی یوسف آبادی در دو مسابقه جهانی شرکت خواهد کرد یعنی هم در قهرمانی جوانان جهان و هم در قهرمانی



دو کشتی گیر یکدیگر را در آغوش کشیده اند. آنکه سرش به بائین است و قصد بسوی دست حریف را دارد، یک کشتی گیر گننام کرمانی است. قبل از انجام این مسابقه برای او «لغزها» خواندند و متلک ها گفتند که ترا با نبرد دلیران چه کار؟ اما یوسف آبادی، این کشتی گیر سیاه چهره اهل بم، در ثانیه های نخست مسابقه خسرو نظافت دوست حریف بلند آوازه اش را ضربه فنی کرد. و حالا با این فروتنی و «مهربانی» می خواهد تا مهربانی های حریف را پاسخ گوید.

بزرگسالان جهان که به ترتیب در فاسکوی بلغارستان مینسک شوروی برگذار خواهد شد.

رده بندی

- رده بندی اول تا سوم هر وزن شرح زیر تعیین شد:
- ۴۸ کیلو: ۱- خلیل رشید محمدزاده - ۲- احمد صوفیانی - ۳- محمود خیراندیش
- ۵۲ کیلو: ۱- مهدی هوریا - ۲- رحیم علی آبادی - ۳- عباس همتی
- ۵۷ کیلو: ۱- نصرت الله سریری - ۲- حسین تورانیان - ۳- حسین تقیب زاده.
- ۶۲ کیلو: ۱- محمد رستم پور - ۲- فیروز علیزاده - ۳- رضا مقدم.
- ۶۸ کیلو: ۱- اکبر بداللهی - ۲- اکبر قربانی - ۳- حمید حجاریان.
- ۷۴ کیلو: ۱- محمد دلیران - ۲- حسین جوادی - ۳- عادل بیرقاسمی.
- ۸۲ کیلو: ۱- رضا یوسف آبادی - ۲- هوشنگ منتظر الظهور - ۳- خسرو نظافت دوست.
- ۹۰ کیلو: ۱- جلال کریمی - ۲- محمد رضا عربی - ۳- مرتضی علیقتیان.
- ۱۰۰ کیلو: بهرام مشتاقی بدون حریف اول شد!

۱۰۰ کیلو بالا: ۱- بهمن بوربور - ۲- غلام عین الله پور - ۳- ناصر صادقی.

پس از پایان این مسابقه ها، در آخرین ساعات دیشب کمیته فنی فدراسیون کشتی بمنظور تأیید یارد قهرمانان اوزان ده گانه برای عضویت در تیم اعزامی ایران به مینسک، تشکیل جلسه داد که نتیجه این جلسه هنوز اعلام نشده است.

من دوست دارم همه میوه‌های سید سالم باشد نه فقط ردیف اول آن.
۳۸ سالگی برای دو و میدانی ایران پیر نیست اما برای دو و میدانی دنیا...؟!!

فشار خون دو و میدانی بالا رفته است

در شماره ۱۱۰۱ کیهان ورزشی نامه‌ای داشتیم از جلال کشمیری قهرمان برتاب وزنه و پرتاب دیسک ایران و آسیا که در آن به سائلی چند اشاره کرده بود و جوابی آن داشت برای رئیس فدراسیون دو و میدانی ایران و جوابی برای من که کونی نوشته‌هایم سخت برایش سنگین و غیر قابل تحمل بوده است که پس از مدت‌ها مجبور شده باز دست به قلم شود. بهرحال و برای روشن شدن بعضی مسائل هم برای خود کشمیری وهم برای خوانندگان مجله ناگزیر از نوشتن مطلبی شده‌ام که باید آنرا پاسخی دانست برای قهرمان برتابهای آسیا.

امیر حسن سعیدی

دوست عزیز، جلال کشمیری نوشته‌ای که من، تقصیر شکست تیم دو و میدانی ایران را در شول برگردن تو و تیمور غیثی گذاشتم که پیر شده‌اید! راستش چنین برداشتی از آن نوشته از طرف تو که سالهاست در میدانهای ورزشی عرق ریخته‌ای، قدری بعید به نظر می‌رسد. اگر یادت باشد در همان مطلبی که تو به آن اشاره کرده‌ای و در شماره ۱۰۹۹ مجله چاپ شده است، با به سن گذاشتن ستاره‌هایمان که توهم از آنها هستی یکی از دلایل شکست تیم بود، اما این بدین معنی نیست که فقط تو و غیثی تقصیر کار باشید. اگرش عکس را خوانده باشی، نوشته بودم که «کشمیری و غیثی تنها کسانی بودند که آبروی دو و میدانی ایران را در شول بردند ولی نتایج آنها حاکی از این بود که نمی‌شود بیش از چند صبحی دیگر به وجودشان امید ببندیم. باید به فکر دیگران بود.»

برادر، این که عیبی ندارد!
آیا این دور از حقیقت است و آیا تو می‌توانی به من بگویی تا چند سال دیگر می‌توانی به ورزش قهرمانی بپرداز و بیروزشی؟ آیا ۳۸ سالگی برای دو و میدانی قدری پیر نیست؟ تو که در آمریکا با قهرمانان صاحب‌نام دنیا تمرین کرده‌ای، اینرا باید بهتر از من بدانی. نوشته‌ای که «پیر نشده‌ای، بلکه گرفتاریهای زندگی مجال تمرین بتو نمی‌دهد.» خوب عزیز من حرف من هم چیزی غیر از این نیست. انسان روزی به سستی می‌رسد که باید خانه و خانواده می‌شود، و دیگر مجال برای کارهای «خارج از برنامه» باقی نمی‌ماند و حالا تو به این حد رسیده‌ای، روزگاری به هر گوشه دنیا که دو و میدانی ایران نیاز می‌تواند باشد، با جان و دل می‌رفتی و حرفی هم از پول نمی‌زدی، زیرا نیازی چندانی به این پولها نداشتی و همان عشقت دو و میدانی کافی بود که تیرا به دنبال خود بکشاند. اما امروز دیگر برای تو در آستانه ۴۰ سالگی این حرفها مهم نیست و بقول خودت، «نان و عشق» به مزاجت سازگار نیست.

امروز هر جا که می‌روی باید نگران زندگی مسرت و سیرهای «کمال و جمال» باشی و هیبتا دلیلی است بر اینکه تو باید زندگی را به قهرمانی ترجیح دهی و دلیلی است بر اینکه باید به فکر تربیت کشمیری‌های دیگری برای دو و میدانی ایران بود و تعداد این تازه‌واردها هر قدر بیشتر باشد، بهتر است.

تو ۳۸ سال داری، مسکن است این سن برای دو و میدانی ایران پیر نباشد، چنانچه پیرم نیست، زیرا متأسفانه جوانترها بهتر از تو نیستند. اما در دو و میدانی دنیا و آسیا که خودت از نزدیک با آن آشنا هستی نمی‌تواند کارساز باشد و حرف من در آن مطلب همین بود. دو و میدانی ما از همه جهات پیر است و این تنها ارتباط تو به تیمور غیثی ندارد. اگر کسی در این رشته ورزشی در ایران پیدا شود و خودی نشان دهد، باید سالهای سال بکوشد تا بتواند به جانی برسد و اکثر اینها در نیمه راه بر اثر خستگی و نبودن امکانات بازمی‌مانند. مری خوب، امکانات، تغذیه و مسائل دیگر عواملی است که به ورزشکار اجازه می‌دهد در کمترین مدت از تیروری خود بهره بگیرد و عدم وجود این عوامل برای ما، زمان این بهره‌گیری را آتقدر طولانی می‌سازد که در بسیاری موارد، ورزشکار در بهترین روزهای خود از نظر فنی، بر اثر بالا رفتن سن و تحلیل نیروی جوانی، نمی‌تواند مشرئمر باشد. آیا این دلیل خوبی برای پیر بودن دو و میدانی ما نیست.

از همانهایی که با تو به مسئول رفته بودند چند نفر را می‌شناسی که کمتر از ۲۵ سال داشته باشند؟ تو نمی‌شناسی و از آنهایی که با تو به مسئول رفته‌اند چند نفر را می‌شناسی که بالای ۲۵ سال داشته باشند؟ من، تو و غیثی و دیگران را در مورد شکست تیم مقصر ندانسته‌ام. اگر باور نمی‌کنی مطلبی را که در شماره ۱۱۰۰ چاپ شده است بخوان. این عین جمله است که در آن مطلب بچاپ رسیده است: «اگر سالی به دوازده ماه پایانی ورزشکار پیش بیایم، به او برسم و تمرینات و رفتارش را در میدانهای ورزشی زیر نظر داشته باشیم، آن وقت می‌توانیم از او انتظار بیروزی و کسب مدال هم داشته باشیم ولی با وضع کنونی چهار او انتظار نمی‌رود.»

و این همان حرفی است که تویی گویی پس می‌بینی ما اختلاف عقیده‌ای با هم نداریم، فقط مثل اینکه تو برایت شکل است که جوانی را وداع کنی و باید هم شکل باشد. اما این دیگر جبر زمان است و کاریش هم نمی‌شود کرد.

پس مسئله پیر شدن ناگهانی تو در طول ۹ ماه پس از بازیهای آسیایی تهران مطرح نیست، مسئله پیری تمام دو و میدانی ایران است و اینکه باید فکری بجانش کرد و

کارهای مهمی که در این زمینه می‌تواند انجام دهد، این است که جوانان را به ورزش تشویق کند و به آنها کمک کند تا بتوانند در این رشته موفق شوند. این کارها را می‌تواند با همکاری مربیان و مسئولان فدراسیون انجام دهد.

خون تازه‌ای در رگهایش روان تا بیش از این دچار «فشار خون» نشود.
فدراسیون و کشمیری

اختلاف تو با فدراسیون دو و میدانی ایران، بر مسائل مالی، موضوعی نیست که من بتوانم در مورد آن جوابگو باشم. زیرا همانطور که خودت و همه ورزشکاران و دست اندر کاران دو و میدانی می‌دانید، من سخنگوی فدراسیون نبوده و نیستم و اگر بخواهم همیشه سنگ ورزشکار را به سینه زده‌ام که همه شما این را می‌دانید و همین دفاع از نفع ورزشکاران ایجاد می‌کند که در مورد سله‌ای با تو سخن بگویم.

طبق نامه‌ای که چندی پیش و از قبل از سفر شول برای من نوشته‌ای، در طول دو سال گذشته، فدراسیون دو و میدانی بیشتر از نیم میلیون تومان برای تو و کسب آمادگی برای بازیهای آسیایی تهران، خرج تو کرده است که این می‌شود معادل یک چهارم بودجه کل فدراسیون دو و میدانی ایران!

یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان دیگر می‌ماند برای تمام امور دیگر - مسابقات داخلی، اعزام تیم به مسابقات خارجی، خرید وسائل و از همه مهمتر تربیت نیروی جدید برای دو و میدانی ایران و هزینه دو و میدانی شهرتاشا - که می‌دانی و می‌دانم که این دو تا آخری در این مدت کمتر از همه خرج برداشته است، در حالیکه باید بیشترین هزینه برای آن صرف می‌شد. ما تربیت جوانان را رسیدن به شهرتاشا با یک فراموش کرده‌ایم و همین است که دور - میدانی ما دارد به یقین بست می‌رسد. من نمی‌گویم تو بیشتر از حق گرفتاری و همانطور که خودت می‌گویی کمتر از حق به تو رسیده است. فقط می‌پرسم تکلیف دیگران چه می‌شود؟ آنکه از واحد به امجدیه می‌آید و با تمام خستگی راه و کار روزانه صمیمانه می‌دود و می‌پرد و پرتاب می‌کند و گاهی برای گرفتن یک جفت کش می‌بخشی، مجبور است روزها پشت دریا بیستد و منتظر باشد تکلیف او چیست؟

در نامدات از تسهیلاتی که برای قهرمانان دو و میدانی دنیا و برای قهرمانان هندوستان فراهم شده است، صحبت کرده‌ای، منم اینها را قبول دارم اما نه فقط برای تو، تیمور غیثی و یکی دوتای دیگر، بلکه برای برو بچه‌های دو و میدانی از کوچک و بزرگ.

تو و غیثی و چهره‌های مشهور دو و میدانی ایران برای همه و بخصوص من عزیز هستند و این دلیل نمی‌شود که بخاطر شما به دیگران نرسیم. اگر بعد از ظهورها به زمین تمرینی امجدیه بیایی -

«تیم شاو» ۱۷ ساله با زهم رگور د شکست

«تیم شاو» ستاره جدید شای ایالات متحده آمریکا که دو هفته پیش سه رکورد جهانی را در سواد ۴۰۰، ۸۰۰ و ۱۵۰۰ متر شکسته و بار کورد جهانی ۲۰۰ متر آزاد مردان هم‌سوازی کرده بود، یکشنبه گذشته در آخرین مسابقه آمادگی تیم آمریکا قبل از عزیمت به کلمبیا (مسابقات جهانی) - باردیگر به شکست رکورد ۸۰۰ متر آزاد جهان توفیق یافت.

تیم شاو که ۱۷ سال دارد، ۸۰۰ متر را در زمان ۹/۶۰ به دقیقه طی کرد و رکورد جدیدی برای آمریکا و جهان بجای گذاشت. رکورد قبلی ۸-۱۳/۶۸ دقیقه بود.

مسابقات جهانی شتا، سیرچه و واترپولو از روز پنجشنبه این هفته در شهر کالی (کلمبیا) آغاز میشود و تیم واترپولو ایران نیز در آن شرکت دارد.

وزنه برداران جوان گریه میگردند



E.W.F I.W.F

FIRST JUNIOR WORLD AND EUROPEAN CHAMPIONSHIPS, Marseille, 5-12 July 1975
PROGRAMME OF EVENTS

فرد اجباری هواپیمای حامل وزنه برداران ایران

نخستین گزارش هنریک تمرازاماری

نخستین دوره مسابقه های وزنه برداری قهرمانی جوانان جهان در دسته مگس وزن با شرکت ۲ تن از ۱۱ کشور (ایران، شوروی، مجارستان، و اتریش هر یک دو شرکت کننده داشتند) اولین قهرمان جهان خود را بیرون فرستاد. این بخت و اقبال نصیب دانیل چنکوف از شوروی شد. دانیل سرباز وظیفه اهل اوکراین است و ۱۹ سال دارد و نامش جاویدان در سر لوحه وزنه برداران جوانان جهان به ثبت رسید و اولین مدال طلای جهان و اروپا را به جیبگ آورد.

مسابقه نخست با رقص ویژه زیبارویان فرانسوی افتتاح شد. بعد طبق روال ستوانی سخنرانها آغاز شد و خود مسابقه در ساعت ۷ با آمدن لاس وزنه بردار ۱۰ ساله انگلیسی بروی صحنه آغاز شد. اوسه بار این وزنه را با حانت های مختلف از دست داد و از مسابقه خارج شد.

جواد عمیدی حسنی وزنه بردار ۱۷ ساله تبریزی نیز بیرونش وزنه بردار انگلیسی دچار شد با این تفاوت که سه بر تبه وزنه ۷۵ کیلو آسان بالای سربرد اما هر سه بار وزنه را از پشت رها کرد در صورتیکه میتوانست ۸۵ کیلو پیشرفت داشته باشد. بهرحال نوعی کجی او را از بازی در آورد. در این مسابقه چهارتن از مسابقه خارج شدند از جمله لطف الله ناصری او با اینکه بسیار نیرومند مینمود در حرکت بکضرب در وزنه ۸۰ کیلو متوقف شد در صورتیکه نیرویش خیلی بیشتر از این بود. او در حرکت دوضرب نیز از ۱۰۵ کیلو شروع کرد اما دست به بار آزمایش او در نیمه راه قطع شد.

چنکوف قهرمان جهان حرکت بکضرب خود را از ۸۲/۵۰۰ کیلو شروع کرد و در ۹۰ کیلو بیابان رساند او در حرکت چهارم خارج از مسابقه - ۹۱/۵۰۰ کیلو و ابرای شکست در رکورد اروپا آزمایش کرد، اما شکست خورد. اما از بازی رزینکوف وزنه بردار دیگر شوروی با بلند کردن این وزنه (۹۱/۵۰۰ کیلو) نیم کیلو تعقی داشت شکست و نخستین رکورد شکن مسابقه ها نام گرفت. در حالیکه در مدال های مجموع که قهرمان مسابقه ها را تعیین میکند - سهمی نداشت و پنجم شد. دانیل در حرکت دوضرب ۱۱۰ و ۱۱۵ زد اما ۱۱۷/۵۰۰ کیلو را نتوانست بالایا سر برساند و با مجموع ۲۰۵ کیلو در راس قرار گرفت. سورین وزنه بردار لهستان که همچون «رادار» وزنه بردار شوروی را تعقیب میکرد و تا لحظات آخر با مجموع ۲۰۵ کیلو سینه بسینه با قهرمان جهان پیش میرفت و با سنگینی وزن پشت سر وزنه بردار شوروی بود، ۱۱۷/۵۰۰ کیلو را روی سینه آورد اما زجر فراوان کشید در حرکت دوم دوضرب نیز تا کام شد و میدال نقره قناعت و وزید. مدال

برنز را «هورنیک» از مجارستان تصاحب کرد. با اینکه رقابتها در سطح پائین بود و هیچ رکورد جهانی حتی تهدید هم نشد، اما اولین آزمایش بسیار فشرده و نیروها همسطح و تقریباً یکسان بود و فاتحن کسانی بودند که خوشترددتر از دیگران روی صحنه ظاهر شدند. از اقبالها باید از وزنه بردار ۱۰ ساله ژاپن «کویاچی» نام برد. حدنصاب شخصی او ۲۱۷/۵۰۰ کیلو بود. اما در مسابقه با مجموع ۲۰۰ کیلو چهارم شد! او از شکست خود بسیار غمگین بود و دلنارهایی یک دختر بچه ۷ ساله فرانسوی نیز او را آرام نمیکرد.

وزنه بردارهایی که شکست میخوردند پشت صحنه گریه میکردند و این وضع در بین وزنه برداران ما نیز بود.

۱۷ شرکت کننده (از ۳۵ کشور) نشان میدهند که برگذاری اولین دوره مسابقه های وزنه برداری قهرمانی جوانان جهان و اروپا کامی بلند و جالب توجه میباشد و بیشتر کشورها را بسوی خود جلب کرده است

ابر قدرت های وزنه برداری - شوروی و بلغارستان

رقابت شدید و سهمگین خود را از ادنیای سالمنان به دنیای جوانان کشیده اند. هر دو تیم ۱۱ تن معرفی کرده اند و نیروهاشان همسطح است اما اگر یکی از دو تیم حتی یک اخراجی داشته باشد جبران آن بسیار سخت و حتی غیر ممکن خواهد بود. تیم شوروی را رزینکوف، دانیل چنکو، تسپین شویا، وارتانیا، زینین، سعیدالله، شیزو، و سوداکوف تشکیل میدهند و معروفترین آنها سعیدالله است که در وزن های ۸۲/۵۰۰ و ۹۰ کیلو ترتیب با بلند کردن ۱۸۵/۵۰۰ و ۱۹۷/۵۰۰ رکورد دار جهانست. شورویها در دسته بر وزن شرکت کننده ندارند اما در دسته ۹۰ کیلو دو تن شرکت داده اند.

بلغاری ها در دسته مگس وزن شرکت کننده نداشتند. در خروس وزن نام دیمتریف با رکورد ۲۳ کیلو به ثبت رسیده، مسمیش، پروژن بلغارستان در گروه خود با ۲۴۷/۵۰۰ در راس قرار دارد و در سبک وزن تاسکوف تودوروف حضور خواهند داشت. تودوروف برادر گورگی تودوروف قهرمان جهان در دسته پروژن است. تودوروف با ۱۴۳ کیلو رکورد دار جدید جوانان جهان در دسته سبک وزن است در دسته ۷۵ کیلو بلغاری ها دوتن معرفی کرده اند.

میت کوف با رکورد ۳۲۰ کیلو و دیلکوف رکورد دار بکضرب جهان با ۱۴۵ کیلو، دیلکوف رکورد دار جهان در مجموع نیز هست با (۳۲۰) کیلو در میان سنگین بلغاری ها بلیشوسکی رکورد دار بکضرب جهان را با رکورد (۱۴۶/۵۰۰) کیلو همراه دارند. در ۹۰ کیلو شرکت کننده نندارند و در ۱۱۰ کیلو «درانداروف» وزنه سیزده، والتین خریستوف رکورد دار جهان سالمنان و جوانان در این مسابقه ها در دسته

۱۱۰ کیلو شرکت میکند در این وزن تنهاسه شرکت کننده هست. شلوخ ترین وزن ها دسته سبک و وزنست با ۴ شرکت کننده که به دودسته «الف» و «ب» تقسیم شده اند.

رهبری مسابقه ها کاملاً فی السابق در دست اسکار استیت دبیر کل فدراسیون بین المللی است. اسکار به کشورهایی که حق عضویت خود را مقروض بودند، اجازه نداد در مسابقه ها شرکت کنند مگر اینکه قرض های خود را داده باشند فدراسیون وزنه برداری ایران نیز تا فرض سال گذشته را نداد، جواز شرکت در مسابقه ها را دریافت نکرد!

محل اردوی وزنه بردارها در دانشگاه ماریس در ۵ کیلومتری شهر در محلی بنام «ویسینی» قرار دارد. شهر رفتن بسیار سخت است و تیم ایران هنوز رنگ شهر را ندیده است. محل اردو بسیار خوب، اتاق ها تکفیزی و بسیار با فضا است اما برای دریافت غذا باید حداقل یکساعت صبر کنیم، وزنه بردارهای ما بخصوص مگس وزن ها ناراحتی جسامتی داشتند.

هنگام عزیمت به ماریس قبل از اینکه هواپیمای بندر «جنوا» ایتالیا برسد توفان شدیدی مانع فرود آمدن هواپیمای در این بندر شد و هواپیمای در شهر میلان فرود اضطراری کرد. و یکروز در میلان بودیم و از آنجا با ترن به ماریس رفتیم و نه ساعت در راه بودیم.

۵۲ کیلو

رکورد های جهان:

بکضرب: ۱۰۰ کیلو بسکی ژاپن
دوضرب: ۱۲۳ کیلو اومچه هو کره شمالی
مجموع: ۲۱۷/۵ کیلو آدا ژاپن

نتیجه مسابقه ۵۲ کیلو (مارس ۱۹۷۵)

- ۱- دانیل چنکو (شوروی) ۲۰۵ (۹۰+۱۱۵)
- ۲- سورین (لهستان) ۲۰۵ (۹۰+۱۱۵)
- ۳- هورنیک (مجارستان) ۲۰۲/۵ (۸۷/۵+۱۱۵)
- ۴- کویاچی (ژاپن) ۲۰۰ (۹۰+۱۱۰)
- ۵- رزینکوف (شوروی) ۱۹۷/۵ (۹۰+۱۰۷/۵)

حکیمیان، جنگنده تر از ناصری

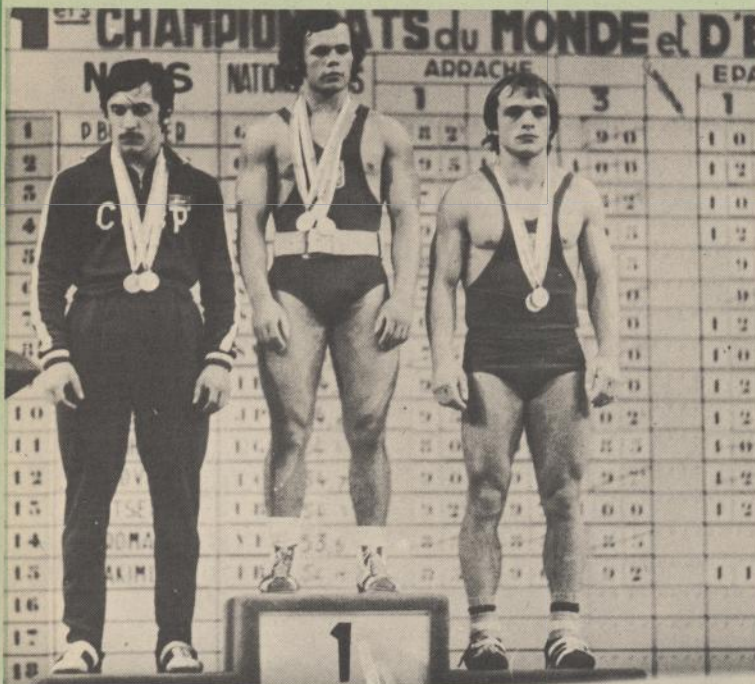
در جدال «خروس ها» ۱۵ تن حضور داشتند. از ایران فیض الله ناصری و حسن حکیمیان روی صحنه ظاهر شدند، فیض الله مدتی کمردرد داشت. وزنه بلند کردنش بسیار بی روح بود. او از ۵۹ کیلو آغاز کرد و آنرا آسان زد اما در بلند کردن ۱۰۰ کیلو نتوان ماند! حکیمیان درست نقطه مقابل او بود، ۸۵ و ۹۰، ۹۲/۵ کیلو را با جنگندگی بالا برد. در دوضرب



دختر نیست... یک هیپی وزنه بردار است. با آنکه گسوسیش را با نخ و رویان بسته باز مقدار زیادی جلو دهان و بینی اش را گرفته است، اگر نبسته بود چه میشد؟



این حرکت زیبای یک ضرب از دسبول ژیک، ستاره تازه وزنه برداری لهستانست که ۱۰۷/۵ کیلو میزنند. او رکورد اروپا را باندازه ۱/۵ کیلو شکست.



این سکوی قهرمانی جهان در وزن ۶۰ کیلوست. دسبول ژیک (لهستان) بر بالای سکوی افتخار ایستاده در طرف چپ جبین از شوروی روی پله دوست و سمت راست ما ویوس از آلمان شرقی روی پله سوم دیده میشود.

فیض الله تنها در برابر ۱۲۰ کیلو موفق بود. وزنه ۱۲۷/۵۰۰ کیلو را دوبار آسان روی سینه آورد اما موفق نشد بالا ببرد و با مجموع ۲۱۵ کیلو هفتم شد.

حکیمیان دوضرب خود را از ۱۱۵ آغاز کرد سپس ۱۲۰ کیلو را بالا زد اما در آخرین لحظه وزنه را از دست داد حرکت سوم او بلافاصله پس از حرکت دومی بود. در نتیجه نتوانست روی سینه بکشد و با مجموع ۲۰۷/۵ هشتم شد.

مدال طلای این وزن را «دسبول ژیک» ۱۹ ساله از لهستان دریافت کرد. او با شجاعت و قدرت بسیار وزنه میزد. در حرکت یکضرب بترتیب ۱۰۲/۵ و ۱۰۷/۵ کیلو را زد و ۱/۵۰۰ کیلو رکورد اروپا را که متعلق به «دیمتریف» از بلغارستان بود شکست. او برای آزمایش سوم تقاضای ۱۱۰ کیلو کرد. اگر این وزنه را میزد ۱/۵۰۰ کیلو رکورد جهان را که به «هیرانی» وزنه بردار ژاپن تعلق داشت می شکست. اما موفق نشد. بار چهارم آنرا تا بالای سر برد اما در لحظه بلند شدن از دست داد. در حرکت دوضرب نیز پا بلند کردن ۱۲۷/۵ کیلو مقام جهانی خود را تثبیت کرد و آنگاه با دوبار آزمایش ۱۳۲/۵ کیلو را زد و با مجموع ۲۴۰ کیلو اول شد.

نتیجه مسابقه ۶۰ کیلو (مارسی ۱۹۷۵)

- ۱- دسبول ژیک (لهستان) ۲۴۰ (۱۰۷/۵ + ۱۳۲/۵)
- ۲- جبین (شوروی) ۲۲۷/۵ (۱۰۰ + ۱۲۷/۵)
- ۳- ساویوس (آلمان شرقی) ۲۲۵ (۹۵ + ۱۳۰)
- ۷- ناصری (ایران) ۲۱۵ (۹۵ + ۱۲۰)
- ۸- حکیمیان (ایران) ۲۰۷/۵ (۹۲/۵ + ۱۱۵)

«بادیس جبین» از شوروی با ۲۲۷/۵ کیلو (۱۲۷/۵ کیلو + ۱۰۰) دوم شد و «ماویوس» از آلمان شرقی با ۲۲۵ کیلو سوم. وزنه بردار آلمان شرقی برای شکستن رکورد جهانی دوضرب بار چهارم تقاضای ۱۳۸ کیلو کرد، اما نتوانست آنرا بلند بکند. در این وزن نیز رقابت ها سخت و فشرده بود. دسبول ژیک نشان داد که در آینده نزدیک گشتی های زیادی برای وزنه برداران کهنسال خواهد داشت.

مرگ در بام اروپا

از چهار کوهنوردی که برای فتح قله رفته بودند، سه نفر زنده برگشتند.

هومبرگر: «رفیقم، جلو چشمهایم مرد. هیچ کمکی نمیتوانستم به او بکنم!»

هر چهار کوهنورد وززیده سویی، فصل رضا پتبخش و پراز تمرینی را پشت سر گذاشته بودند... رودی هومبرگر ۳۴ ساله در همالایا خیلی زحمت کشیده بود و سه نفر بقیه یعنی:

هانس پتر کاشپر ۲۹ ساله، تونی هولندر ۲۷ ساله، و ایورگانال ۳۲ ساله، تا توانسته بودند کوههای معروف سویی را از سخت‌ترین راه‌ها زیر پا گذاشته بودند.

هدف از این همه تمرین، در بهترین آمادگی بودن برای رسیدن به هدفی گستاخانه و جاه طلبانه بود. بخاطر هدفی که میشد آنرا در یک حمله خلاصه کرد: صعود از تیغه شمالی (گران پیله دانگل) و رسیدن به ارتفاع ۴۸۱۰ متری و فتح قله زیبا و درعین حال جهمی (مون بلان) مجله آلمانی (پونته) نوشته است:

«دشواریترین بخش راه ۵۶۷ متر فاصله بین (گران پیله دانگل) در ارتفاع ۴۲۴۳ متری و قله من بلان واقع در ارتفاع ۴۸۱۰ متری بود این مسیری است همچون دیوار صاف پوشیده از یخ، و آکنده از برتگا‌های هولناک و صخره‌های غیر قابل عبور. دلبران کوهستان، این مسیر رنگ انسان بخود ندیده را بدین منظور برگزیده بودند، تا ثابت کنند، موانع طبیعی هر قدر هم که عظیم باشند، در برابر اراده بشر لگد مال شدنی خواهند بود.»

چهار کوهنورد سویی که مون بلان را قبل از آن، بدفعات—البته از مسیرهای جنوبی، غربی و شرقی فتح کرده بودند—این بار تصمیم گرفته بودند به سر وقت تیغه شمالی بروند، و این بار تیغه شمالی را زیر گانه‌های خود قرار دهند. آنها به خود گفته بودند:

«وقتی کوهی وجود داشته باشد، پس حتما راهی هم وجود دارد که ما را به قله آن برساند.»

کولاک برف

(تونی هولندر) بعداً تعریف کرد: «با کوهها آشنائی دیرینه داشتیم و به سوراخ سنبه‌های آن، مثل جیب خودمان وارد بودیم. مثلاً میدانستیم هوا در چه فصل مساعدتر بود، کدام قسمت کوه خطر بهمن کمتر داشت، و کولاهای برف آن با چه شدتی آغاز میشد. بنابراین، وقت هجوم به قله را با مطالعه روی همه احتمالات و پیش بینی‌ها، تعیین کردیم و مشغول تهیه تدارکات شدیم» هر چهار کوهنورد صددرصد در آمادگی بودند،

آخرین درام مون بلان در این مسیر روی داد ارتفاع ۳۲۰۰ متر آغاز حمله به دیواره شمالی «گران پیله» است. صعود از ۳۲۰۰ متر تا ۳۷۰۰ متری طولانی و وقت گرفت شب اول ناچار شدند در آنجا بپوشند. شکل بود چادری بزنند. روز بعد تا ارتفاع ۴۲۴۳ متر پیش رفتند اما روز سوم نتوانستند بیش از ۱۰۷ متر بالا بروند و در آنجا روی اظطرار چادری زدند که درون آن یکی مرد (عکس پائین سمت راست) آنها صعود از دیوار وحشتناک «گران پیله» را—که برنامه اصلی بود—تمام کرده بودند. در عکس کوچک سمت چپ از رودی هومبرگر است که بهترین دوستش جلو چشمانش جان داد اما او نتوانست هیچ کمکی به او بکند.



Bei 3200 m Einstieg in die Wand

حتی کاشیر، سرپرست گروه و قوی‌ترین عضو هیئت، و یکی از زنده‌ترین اسکی بازیان سوئیس سر ماخوردگی‌اش را پشت سر گذاشته بود. هوبوگر بعداً تعریف کرد:

«باتله کابین تا (کول دوژان-دندان اژدها) رفتیم. پس از آن دکمی استراحت در آنجا، تجهیزاتمان را بر داشتیم و صعود را آغاز کردیم. تیغه یخی شمالی، که در برابر خود میدیدیم، بسیار رعب آور بود، لیکن بی آنکه ییمی به دل راه دهیم با عبور پر دروسر از یک شکاف عظیم یخی، خود را به (کول دوتریدان) رساندیم. شب را آنجا اطراق کردیم. ساعت چهار صبح روز بعد از راه شیبهای بلورین (برنوا) به بود که چادر را بر زوری آن‌سوار کرده بودیم و از آن مبتدی‌ترین که می‌ادا در خواب هنگام غلتیدن، خود چادر و دیگران را از کوه بزیر اندامیم. به‌رحال آتش با وجود کولاک برف وحشتناکی که شروع شد و با وجود صدای کرکننده باد، و میوز کزنه‌های که از درز چادر بداخل میوزید، خوب خوابیدیم. ساعت پنج برخاستیم و ساعت هفت به صعود ادامه دادیم. بین راه تصمیم گرفتیم. همان‌روز- به هر نحو شده- خود را به قله برسانیم. زیرا خوب میدانستیم که اطراق در (گران پیله دانگل) بویژه اگر کولاک برف باشد، آن خود کشی تعدی بود. گذشته از آن، فدراسیون کوهنوردی ایتالیا، قبل از حرکت، به ما توصیه کرده بود که «گران پیله دانگل» در اثنای کولاک چیزی بیش از یک تله مرگ است. اگر به آنجا رسیدند و دیدید کولاک بود، یا به صعود تله ادامه دهید، و یا به ارتفاع ۳۷۰۰ متری برگردید و منتظر خوب شدن هوا بمانند.»

بدیختانه، ماگو آنیکه، در کولاک به گران پیله دانگل واقع در ارتفاع ۴۴۳ متری رسیدیم، ولی بعلم بهم خوردن حال کاشیر، نتوانستیم به توصیه فدراسیون ایتالیا عمل کنیم، و بناچار، با علم به همه خطراتی که تهدیدمان میکرد، در آنجا چادر زدیم. کاشیر قوی‌ترین عضو گروه، به نحو بیسابقه‌ای احساس ضعف و خستگی میکرد ساعت سه و نیم بعد از ظهر چادر بر افراشته شد و کاشیر، برای آنکه دوباره قوت بگیرد، مقدار زیادی غذا و نوشیدنی صرف کرد.

صبح روز بعد، آسمان چنان تیره و ابرها چنان غلیظ و فشرده بود که بزحمت توانستیم یکدیگر را به بینیم!

در جلسه مشاوره‌ای که تشکیل داده‌ایم، تصمیم گرفتیم از تغییر هوا نهراسیم و کماکان به راه ادامه دهیم. هوبوگر گفت: (با قله فقط ۶۵ متر فاصله داریم. بیایید همین امروز کلکش را بکنیم). این جمله بما قوت قلب داد و باعث شد مصمم‌تر از پیش به قله هجوم ببریم. بعد از آن نتوانستیم بیش از ۱۰۷ متر صعود کنیم. زیرا بین راه حال کاشیر به اندازه‌ای بد شد که مجبور شدیم در ارتفاع ۴۳۵ متری و در فاصله ۳۹۷ متری قله‌ای که جلو چشم ما خود میفروخت، از رفتن باز بمانیم. حال کاشیر برآستی لفظه به لفظه وخیم‌تر میشد. اوفا نالید و زمزمه میکرد: «یک چیزم شده است. حالم آنقدر بد است که اگر پنج متر دیگر برویم

مطمئناً خواهم مرد!»

حادثه

در صد ارس قله، اعضای گروه جلسه مشاوره تشکیل دادند و پس از یکساعت و ربع مذاکره و تبادل نظر سرانجام به این نتیجه رسیدند که نجات جان رفیقشان، از تنق قله واجب‌تر بود. لذا قرار بر این شد که رودی هومبرگر نزد کاشیر بماند و هولدنر و گاتال برای خبر کردن گروه امداد و آوردن نجات به پائین سرازیر شدند. هولدنر و گاتال مختصری آذوقه برداشتند و در کولاک بیسرف که کماکان بیداد میکرد- راه بازگشت را پیش گرفتند. رودی هومبرگر بعداً تعریف کرد:

«معلی که مجبوره ماندن شده بودیم، جانی برای چادر زدن نداشت. بعد از رفتن بچه‌ها سه ساعت و نیم با کلتنگ، بجان یخ برف‌ها اقدام نتوانستیم، در دل آنها غاری ایجاد کنیم، و درون غار چادر بزنیم. وقتی کاشیر را کاشان کشان بداخل چادر بردم، حالش تا اندازه‌ای بهتر شد. اما آتش را- که سه جمعه بود- بسیار بد خوابید و لایق قطع نالید. نفسش تنگ میشد و از گلویش صداهای خرخر ماندنی به گوش میرسید. ولی عجیب این که نه تب داشت و نه سرفه میکرد. بیماری او بقدری مرموز و بیسابقه بود که هر چه فکر میکردم چیزی به عظیم نمیرسد. روز بعد، کولاک متوقف شد و خورشید درآمد. ولی کاشیر به چنان حال اغمائی فرورفت که نه آفتاب را دید و نه حتی حرفم را شنید. وقتی از اغماء درآمد، خواست ادرار کند، ولی نتوانست- تازه آنوقت بود که فهمیدم اوضاع از چه قرار بوده. ادرارش بنده آمده بود، بجای آنکه از مجرای طبیعی بیرون بریزد، به داخل زبده‌هایش ریخته و داشت خده‌اش میکرد. در آن لحظه خیلی نگران شدم زیرا فهمیدم که اگر گروه نجات هر چه زودتر نرسد، مرگ رفیقم قطعی است. محال است بتوانید تصور کنید در آن لحظات بر من چه گذشت. آسمان را در چند متری بالای سر میدیدم، در اطرافم تا چشم کار میکرد، سکوت و یخ و سنگ بود و درون چادر دوستی داشتم که با هم بزرگ‌شده بودیم، از هم یکدنيا خاطره داشتیم و جلو چشمهایم داشت از شدت درد بخود می پیچید و ذره ذره جان میداد. از بخت بد، موقع غروب هوا دوباره بهم خورد و برف باریدن گرفت. شدت باد بعدی بود که بیم آن میرفت، چادر و محتویاتش را از داخل غار یخی بکند و با خود ببرد. همینقدر میتوانم بگویم شی که کاشیر مرد، شی و العاجهتی بود»

«فردها دوباره خوب شد. نزدیکهایم ظهر هلکوتر نجات پیدا شد. اما چون هلکوتر ایتالیایی و بزرگ بود نتوانست آنجا بنشیند و یا بعالم ایستاده در هوا ما را بردارد. نتیجتاً دست از دراز توکیشت. چند ساعت بعد فرانسوی‌ها یک هلکوتر نجات فرستادند که مرا نجات داد و جسد کاشیر را هم بالا کشید و تازه بعد از کابیه شکانی بود که معلوم شد، ادرار کاشیر به داخل ریه‌ها ریخته بعد در ریه‌ها منجمد شده بود و مرگ عجیب دوستم را زودرس‌تر کرده بود.»

در نشریه خبرگزاری آ. پ. ان. شوروی گزارشی راجع به سفر تیم واترپولو نیروهای مسلح شاهنشاهی به مسکو چاپ شده که عیناً ترجمه و منعکس میشود. تیم واترپولو ارتش ایران متشکل از ۱۰ بازیکن روز ۱۷ خرداد به مسکو رفت. در چند مسابقه تفریحی شرکت کرد و در تنها مسابقه رسمی که با تیم پادگان نیروی دریائی شوروی در مسکو دادا با نتیجه ۴ بر ۱ مغلوب آن تیم شد.

خان محمد بیگی:

از ما مثل دوست پذیرائی شد

جهان هستند. آنها حتی در موقع تمرین هم به خوششان رحم نمیکنند! «
منوچهر پرچی گفت: «بارس گویمان و آکساندر شیدلوفسکی (مربیان تیم باشگاه مرکزی نیروی دریائی شوروی) تمرینات ورزشکاران را بر اساس اسلوبهای جدید اداره میکردند. آنها مخصوصاً به تکمیل حرکات فنی و حمل توپ شناسی سریع و پاسکاری و شوت‌های گوناگون در وضعیت‌های مختلف، اهمیت زیادی قائل بودند. ضمناً روی نقشه حالات مختلف نیز کارهای زیادی انجام میشد و سازمان دفاع نیز فوق‌العاده مورد توجه بود.»
مرتضی شریعت وارد گفتگو شد و گفت: «اگر در اولین تمرین فکر میکردیم که از عهده مقابله با همه این فن‌ها بر نمی‌آییم، در تمرینات بعدی دیدیم که در نتیجه صبر و رفتار دوستانه ورزشکاران شوروی، از عهده خیلی از کارها برآیم.»
بنابراین میتوان انتظار داشت که در آینده نزدیک علمه بیشتری از بازیکنان واترپولو ارتش وارد تیم منتخب این کشور خواهند شد.

هفته اقامت تیم ایران در مسکو برنامه فشرده‌ای داشت. سازمان هدنگان دیدار مذکور- یعنی نمایندگان کمیته ورزش وزارت دفاع اتحاد شوروی- در این برنامه تفریحاتی هم برای ورزشکاران منظور نمودند. ورزشکاران ایرانی مدت سه‌ساعتی در کانتال مسکو و دریاچه مصنوعی کلیازمیشسک گردش کردند- نمایش باه «بیزیل» را در کاخ کنتره‌های کرمین تماشا کردند- به سیرک مسکو رفتند و از نقاط دیدنی کاخ کرمین دیدن نموده به موزه نیروهای مسلح اتحاد شوروی رفتند.
سرهنگ دوم خان محمد بیگی قبل از اینکه تیم واترپولو ارتش ایران خاک اتحاد شوروی را ترک کند چنین اظهار داشت: «از ما مثل دوست پذیرائی کردند. حالا ما منتظر آمدن بازیکنان واترپولو نیروی دریائی شوروی به ایران خواهیم بود. آنها با آمدن به کشور ما از میمانند. نوازی مقابل ملت ایران- که احساسات گرمی نسبت به ملت شما دارد- برخوردار خواهند شد.»

در بابان و. ریابوف ضمن فشردن دست سرهنگ دوم خان محمد بیگی سرپرست تیم واترپولو ارتش ایران چنین گفت:
«ما از این سفر شما خوشحال هستیم. زیرا این دیدار سرآغاز روابط ورزشکاران ارتش ایران با ورزشکاران نیروی دریائی شوروی است.
در این فشار دست محکم- که از مختصات دست دادن دریانوردان است- عامل خصوصی وجود دارد بدین معنی که باید انتظار داشت که از این بعد تماس‌های ورزشی دو کشور از جمله در رشته‌های مختلف ورزش‌های آبی که بین افراد نیروی دریائی رواج زیادی دارند از قبیل واترپولو، شنا و قایق‌رانی و شیرجه استبحام بیشتری حاصل میکند.
تیم بازیکنان واترپولو ارتش ایران نخستین بار بود که به اتحاد شوروی سفر کرد. هفته‌ای که این تیم در مسکو گذراند بعقیده عموم هم از لحاظ بالا رفتن سطح مهارت و هم از لحاظ گسترش دید بازیکنان، بسیار ثمربخش بود.

نئوئید اوبینیوف قهرمان بازیهای المپیک گفت: «ما اطلاع داشتیم که فقط سه تن از بازیکنان این تیم جزو تیم منتخب ایران هستند که در بازیهای آسیائی پیروز گردید. این سه بازیکن یعنی حسین توکلی، منوچهر پرچی و مرتضی شریعت در موقع تمرین، سطح عالی مهارت و استادی خوبی نشان دادند. مثل شوت حسین توکلی که بسیار فنی است و درگیری او با حریف در سطح عالی قرار دارد. پرچی ذاتاً چپ دست است و بهمین علت مبارزه با حملات او خالی از اشکال نیست. چون وقتی دست به حمله میزند، شوت‌هایش غیرعادیست. ما سعی کردیم به بقیه اعضاء تیم کمک کنیم که خود را به سطح بازیکنان درجه یک برسانند.
از حسین توکلی کابین تیم ایران سؤال شد: «تمرینات مشترک چه اثری در شما گذاشت؟»
حسین توکلی جواب داد:
«... حالا برای ما روشن شده است که چرا بازیکنان واترپولو شوروی قهرمان المپیک و قویترین بازیکنان واترپولو در

عزروسی
فلمبرداری رنگی
سالن‌های مجلل
دیسکوتک استریوفونیک
همگی مجالی بزرگ
۱۴۹ ریال
تلفن ۶۶۳۶۳۵

مقدماتی - گروه دوم

ایران «ب» (۱) ۲

حسین راغفر ۱ - رضا قشقائیان ۲
بیژن ذوالفقار نسب ۴ (کاپیتن) ، جواد
الله وردی ۵ ، مهدی دینور زاده ۳ -
مائیس میناسیان ۱۴ ، حسن نظری ۶ ،
ابراهیم قاسمیور ۹ (از دقیقه ۸۰ جاوید
جهانگیری ۸) - اسماعیل حاجی رحیمی
پور ۷ - ناصر نورانی ۱۲ ، عبدالحمید
بشکار ۱۱ (از دقیقه ۵۰) محمد
دستجردی ۱۰

ذخیره‌ها : کریم بوستانی ، سعید
باغوردانی ، حمید شهبازی ،
رنگ پیراهن : سفید

ملی امید لهستان (۰) ۱

تسکاژر آندرز ۱ - دمکو آندرز ۳
والدسار ۱۷ ، روی ووژیچ ۱۲ -
کمیسیک کازیمیر ۱۴ ، هانتوز
بیگنیو ۶ (از دقیقه ۷۰ اوگازا رومان ۹) ،
کرویا آتام ۱۵ (از نیمه دوم تادوزناو
توفسکی ۷) - مارک کوستو ۱۱ ، زدنستاو
کاپکا ۸ ، ویتولد کاراس ۱۳ (کاپیتن)
ذخیره‌ها : ریسارد پر ، زینگیو - پتاسزو
فسکی ، آندرز سیکورسکی ،
رنگ پیراهن : قرمز

گل‌ها : ۰ - ۱ ناصر نورانی

(دقیقه ۱۰) ، ۱ - کازیمیر

کمیسیک (دقیقه ۷۳) ،

۱ - اسماعیل حاج رحیمی

(پور (دقیقه ۸۳) .

داور : محرم (مصر) با کمک مالوالا -

(زیر وصالی (ایران)

تماشاگر : بیش از ده هزار تن

بازنکن خطاری : ناصر نورانی از ایران

بهترین بازیکن : بیژن ذوالفقار نسب از ایران

وزرشگاه راه‌آهن (بگشبه) ۲ تیر ماه

۱۳۵۴) - تیم ملی ایران «ب» در قالب تیم

جوانان زیر ۲۳ سال ، تیم ایران الف راوسفید

کرد و تیم امید زیر ۲۳ سال لهستان را «دوبر»

یک شکست داد . در حالیکه روز قبل از این

تیم ملی ایران «الف» با باشگاه گلاس -

اکسپورچکسلواکی که قدرتی متوسط

داشت - یک بریک مساوی کرده بود ،

چهره‌های جوان و پر تلاش ایران نمایندگان

پدیده جدید فوتبال جهان و نشانه بی از تیم

سوم جام جهانی اخیر را با گل‌های زیبای

ناصر نورانی در دقیقه دوازده اسماعیل حاجی -

رحیمی پور در دقیقه ۸۳ مغلوب کردند .

تیم ایران اگرچه قالی کلی از یک تیم

همانگ و یکبارچه نداشت ، اما مهره‌های

آن تک تک سعی به اجرای یک بازی

صحیح و ارائه آنچه که آموخته بودند داشتند

خط دفاع ایران «ب» عالی کار کرد و بیژن

ذوالفقار نسب به همراه جواد الله وردی با



با تماشا نمایش تیم ملی ایران «ب»
بسیاری این جوانان را بهترین تیم جام
دانستند . ایستاده از راست به چپ :
مائیس میناسیان ، محمد دستجردی ،
علیرضا قشقائیان ، ناصر نورانی ، حسین راغفر
و بیژن ذوالفقار نسب (کاپیتن) . نشسته
از راست : ابراهیم قاسمیور ، مهدی
دینورزاده ، حسن نظری ، جواد الله وردی
و اسماعیل حاج رحیمی پور .

تلاش و
فداکاری ،
راه را بر
قدرت بدنی
و تکنیک
لهستانی‌ها بست

ناصر نورانی مهاجم بلند بالا و جوان ایران
در دیدار با تیم امید لهستان گل بسیار
زیبایی تیم ملی ایران «ب» را به ثمر
رساند . حرکات و هوشیاری نورانی سخت
مورد توجه سیکورسکی (مربی تیم ملی
امید لهستان) قرار گرفت . اینجا نورانی
مدافع لهستان را مقهور کرده و به سوی
توپ می‌رود در حالی که به ناراحتی میج
پایش هم نیندیشد .



امید لهستان مغلوب ایران شد

گل دوم ایران

ایران با پیروزی را از دست داد با تلاش بسیار جستجوگر گل دیگری شد بعد از ایجاد چند خطر، در دقیقه ۸۳ به آنچه آرزو داشت رسید. یک-دوحاجی رحیمی- پور با جهانبگیری و سپس پاس بموقع جهانگیری از راست به حاجی- که در این لحظات بیشتر در نوک حمله ظاهر میشد- او را در روی خط هجده قدم صاحب توپ کرد. حاجی با شلیکی بموقع و خوب دروازه را هدف گرفت و تسلیم شدن دروازه بان لهستان گل پیروزی ایران را به همراه داشت.

بعد از این گل بازیکنان تیم ایران با فداکاری سعی به حفظ پیروزی داشتند و از حمله نیرغافل نبودند. تا پایان آن لهستان نتوانست گل دیگری بزند اما شوت حاجی رحیمی- پور خطری دیگری بود که دروازه بان را پریشان کرد. تیم ایران، پاس با این پیروزی راه ورود به نیمه نهایی را بسیار هموار ساخت.

چپ به هافبک راست آمودحات نفوذی به خود گرفت. در برابر این روش لهستان، ایران با همان حالت میل به حمله، بازی را آغاز کرد از این روش بازی مهیج و دیدنی تر شد.

بیزن ذوالفقار نسب ستاره سابقه، دوباره دروازه ایران را نجات داد بار اول راه شوت «دسکو» مدافع راست نفوذ کرده را بست و در مرحله بعدی در کورسی که با «کوستو» گذاشت او را در جلو دروازه کام گذاشت.

در دقیقه ۶۰، شوت دورانیس و ضربه جهانگیری با پای دستچردی، دروازه لهستان را تهدید کرد اما چیزی نگذشت که لهستان سرانجام از نفوذهای مست راستش نتیجه گرفت و به گل تساوی دست یافت.

در دقیقه ۷۰، کاپاکاز راست توپی را بلند ساختن کرد و همیسک با جاگیری و پرش خوب توپ را به دایرک عمودی راست دروازه کوبید و گردش توپ بدون دروازه گل مساوی شدی لهستانی ها را بار آورد.

ضربه سرنواری که در برخورد با همیسک او را مدتی کج کرد- اولین خطرا آفرید و دیری نماند که بعد از دوشوت دروازه نظری- که از کنار دروازه گذشت- در دقیقه ۷۵ ناصر نورانی در فاصله بیست و پنج متری جناح چپ دروازه لهستان در حالیکه پشت به دروازه داشت باواری باتوپ راهت سر بولزاک (مدافع) انداخت و بی آنکه فرصت فرود آمدن به توپ دهد از همان فاصله سر ضرب توپ را به گوشه چپ بالای دروازه کوبید و شیره گل بلند دروازه بان در سرت راه توپ بی تأثیر بود.

از همه حلات ایران و واکنش های سخت لهستان تنها حادثه قابل ذکر نفوذ و ضربه کیسیک از زاویه بسته بود که راغفر با پرشی بلند شلیک او را مهار کرد.

آرایش کوبنده لهستان

در نیمه دوم لهستان دست به یک تعویض زد و با آمدن رومین اوگاوا به جناح راست خط حمله، کاپیتان کاراس از گوش

چهره بی کوبنده تر پیدا کرد. مانیس- میسبان در جناح راست میانی در نیمه اول متوسط و در نیمه دوم عالی بود. نظری تلاش بسیار داشت اما نتوانست میداناری چون روزهای جام جوانان در کویت داشته باشد. قاسمیور با وجود ارائه دانستی هایش در شرایط عالی نبود. در گوش راست حاجی- رحیمی پور با سرعت و مساجتش بیش از هر مهاجمی دفاع لهستان را زجر داد و گل پیروزی را هم آورد. تنها عیب حاجی رحیمی- پور توپ روی زیاد و رغبت کم او به همکاری بود. ناصر نورانی گل زن جوان جام سوم تخت جمشید اولین گل ایران را با شلیکی سرخرو و تماشائی فاصله ۵۰ متری بنمر رساند. نورانی بنا به غریزه میل به حضور در جلوی دروازه حریف و گل زدن کثرت به بازی خط میانی میانه وی توپ، کم کار بود. هنگامی که برای حفظ نتیجه یک بر صفر بسود ایران بشکار به جای او آمد و با خطر دوندگی ها و جلو عقب کشیدن این بازیکن، میانه میدان محکم تر شد اما از قدرت نولک حمله کاسته گردید. دستچردی در حرکت با توپ خوب بود اما با زهم نوعی سنگینی و کم کاری در حرکات او دیده شد. از تیم ایران «ب» قشقایان، نظری، قاسمیور و بشکار از تیم ملی جوانان اخیر بودند و از سان آنها فقط قشقایان بیش از گذشته ظهور کرد. نظری همچنان شوت زن از راه های دور بود اما نه به دقت گذشته. تنها بازیکنان تیم های شهرستانی قاسمیور (سپس جانشینش جهانگیری) و بشکار بودند.

تیم امید لهستان با وجود باخت به ایران خود را یکی از قویترین تیم های جام نشان داد. بنظر می رسد که هوای گرم تهران بر سرعت و طراوت آنان تأثیر نامطلوب داشته است. لهستانی ها در بازی و حفظ توپ عالی بودند. اما نوعی بی تجربگی و سستی در کار آنان دیده میشد و چون یک بار هرگز نتوانستند خط دفاعی ایران را بشکنند گرچه از نظر قدرت بدنی و تکنیک برتر بودند. دفاع لهستان کند بود و در اغلب حملاتی که میکرد، اسپرید حملات خطرناک ایران میشد و دفاع جا میماند (بویژه از جناح حاجی رحیمی پور). بی تردید بهترین بازیکن این تیم و مغز متفکر زمین، وی تولد کاراس بود که در نیمه دوم پایه گذار حملات لهستان از جناح راست شد و بارها برای ایران خطر آفرید. در نیمه دوم او از جناح چپ حمله به هافبک راست رفت و بازیکنی از ایران در پی مهار و مواظبت از او نبود. کمیسیک (زنه گل) نیز بازی جالبی عرضه کرد.

گرچه لهستانی ها روشی دفاعی نداشتند اما بازی پرشور و پر تلاش بازیکنان ایران باعث شد که آنان بیشتر به دفاع مجبور شوند و خطر را تحمل کنند. شاید بهترین ستد این ادعا زدن هفت کرنر در نیمه اول و هشت کرنر در نیمه دوم توسط ایرانی ها باشد زیرا لهستانی ها فقط سه کرنر در نیمه اول و دو کرنر در نیمه دوم زدند.

گل زیبای نورانی

مسابقه با حملات ایران آغاز شد و

در یک دیدار پر گل مصر بر ژئیر پیروز شد

ژئیر در حد انتظار ظهور نکرد

مصر (۲)

حسن علی حسن ۱ - محمد سعید السبائی ۱، فاروقی فواد غفور، محمد توفیق عباس ۵، محمود مصطفی الغفوری ۳ - طاهر الشیخ ۸ (از دقیقه ۷۲ احمد خلیل ۷)، شاکر عادل فتح ۱۵ - عادل البابی ۱، حسن (از دقیقه ۳۷ علی خلیل علی ۱۶)، حسن شحاطه ۹، طه بصری ۱۰ (کاپیتان)، سعد نور ۱۱

ذخیره ها: فتحی بیرو کهنه کنفی، هاشم عسلی، محمد حسدی اسماعیل ۴

ژئیر (۱)

کونگولو ۱ - ابتدا ۲، لویلو ۱، کاسابا ۴، سواپه ۱۵، ایلونگا ۶، مانا ۸ (کاپیتان) ۱۸ (از دقیقه ۸۵) - مینونگو، نداپا ۹، کیدوسو ۱۰ (کاپیتان)، کاکو کو ۱۱

ذخیره ها: کاتیندا ۱۲، لویونگو ۵، نداپه، کیمو

رنگ پیراهن: طلائی

گل ها: طاهر الشیخ، سعد نور و علی خلیل علی بترتیب در

دقایق ۳۳، ۳۹ و ۶۸ برای مصر، ایلونگا و نداپا در

دقایق ۱۷ و ۵۲ برای ژئیر.

داوری خوب محسن زمانی بکمک بهمن بیلولی و محمدریاحی (هرسه از ایران) تماشاگر: نزدیک به پنج هزار تن

ژئیر از جام جهانی ۹ بازیکن به همراه داشت و بقیه که در خارج از ژئیر بازی میکنند (از جمله دروازه بان جام جهانی) غایب بودند.

ستاره این مسابقه بصری کاپیتان شماره ۱۰ مصر بود که در دادن پاس استادی بسیار داشت و با یه خطرات و گل های اول و دوم مصر را خود او ریخت و تیم به روش ۴-۲-۴ متغییل بودند و شاید کش قوس و حیات دوطرفه بازی- که با گل ها و حادثه های فراوان همراه بود- از همین روش سرچشمه میگرفت. در تیم مصر حسن شحاطه باشماره ۹ بازیکنی شوت زن بود. در تیم ژئیر نداپا (۹) و کیدوسو (۱۰) بهترین درگرا بودند.

مسابقه فراز و نشیب بسیار داشت. تیم مصر بعد از اینکه سه موقعیت عالی را از دست داد در دقیقه ۷، تسلیم شیکتالتهانی و جانب ایلونگا هافبک تیم ژئیر شد. اما دو گل دیری در دقایق ۳۳ و ۳۹- که اولی توسط طاهر الشیخ و دومی با شلیک از راه دور سعد نور حاصل شد نتیجه را دو بایک بسود مصر کرد.

در آغاز نیمه دوم نداپا از غفلت مدافعان مصری- که بگمان آسماید برجای ایستادند- سود برد و از ۱۰ متری گل تساوی را برای ژئیر زد. تیم مصر بسیار کوشش کرد و سرانجام در دقیقه ۸۰ خلیل علی با پاس حسن شحاطه ریخت و توپ را به سقف دروازه کوبید و گل سوم را بشمر رساند. پس از آن تا پایان مسابقه ژئیر برای زدن گل تساوی کوشش بی حاصل داشت.

غذای آماده میهمانی - ۱۹۹ ریال

۲۰ نوع غذای خوب، انواع سالاد، دسرهای خوشمزه با سفارشات تزئینی، تحویل و پذیرایی در منزل - تلفن ۶۶۴۳۵

جام ایران در جازد

ترکیه، مجارستان، یوگسلاوی و بلغارستان میتوانند به جام بیایند

جای تیم‌های بزرگ آسیائی خالی است

ارزش از کشورهای لهستان، مجارستان، روسی، یوگسلاوی، بلغارستان، چکسلواکی، شوروی و خلاصه اروپای شرقی است که با دور بودن از عقبه‌های مادی اروپای غربی چندان پرخرج نیستند و تا کنون نیز چهار کشور از آنان برای شرکت رغبت نشان داده‌اند و تیم‌های جلب نظر کن نیز تیم‌هایی هستند که بنا به بعضی جهات میتوانند بخاطر رقابت‌هایی با فوتبال ایران، قابل توجه باشند و از نظر قدرت نیز در سطح خوبی قرار دارند. مانند تیم‌های ملی ترکیه، عراق، کویت، کره جنوبی، کره شمالی، مصر، ژاپن، الجزایر، تونس و حتی تیم ملی استرالیا که اگر از این جمع تیم‌هایی مانند ژاپن، مصر و تونس جواب مثبت بدهند و بیایند هر یک میتوانند برداشتی رقابت بیفزایند.

در جوار تیم‌های اروپا، آفریقا و آسیا، هم میتوانیم میدانی برای کسب تجربه، آزمایش برای جوانان و امیدها و موقعیتی برای آموختن فوتبال پیشرفته‌تر اروپا داشته باشیم و هم فوتبال خود را در صحنه رقابت برابر حریفان صاحب نام خود بگذاریم. فدراسیون فوتبال در کنار برنامه‌های سازنده‌ای که دارد باید بیش از پیش از وجود مربی گران قیمت خود استفاده کند. مربیانی که با او کار کرده‌اند معتقد به دانش فوتبال اوفارل هستند. از این رو باید از این ایرلندی بخواهد که در کلاس‌های تعلیم مربی بهنگامیکه تیم ملی فعالیت ندارد، نقش استاد داشته باشد و از این راه با سود بردن از مربیان تعلیم یافته، بطور غیر مستقیم از وجود او—در یک سطح گسترده که فوتبال همه کشور را دربرگیرد—استفاده کنند.

ما تردید نداریم که اوفارل در فوتبال دانش عمیق دارد اما تا حالا بطور مؤثر و در حد در یافتن خود کاری انجام نداده است. شکی نیست که بعد از بازیهای مقدماتی المپیک ۱۹۷۶—که اواخر تابستان انجام میشود—فرصت خوبی برای تشکیل کلاس‌های مربیگری خواهد بود و همانطور که نتیجه کلاس کراس را اکنون در اکثر تیم‌های میهنیم، این کلاس‌ها نیز میتوانند در آینده بازتابی عالی داشته باشند و تأثیری مطلوب بر همه میعادگاه‌های آتی از جمله جام ایران نشان دهد. آنچه ما از تیم ملی و چهره‌های آن دیدیم باز همانهایی بود که دیگران ساختند و در سال پیش هم دیدیم، خوشبختانه امیدها نقطه عطفی برای فوتبال بودند که امیدواریم همه آنان حفظ شوند و در مسابقاتی که در پیش داریم، با شجاعت هر چه بیشتر به‌شایسته‌ها میدانی بدهیم و خوبی تازه در شریان‌های تیم ملی بدوانیم.

ژیرآسان که ما تصور میکردیم نبود. شاید دلیل بزرگ آن غیبت اکثر بازیکنان شرکت کننده در جام جهانی بود. بعضی میگفتند که بازیکن از ژیر جام جهانی به تهران آمده و بعضی دیگر مدعی چهار بازیکن بودند. بهر حال این رنگ‌ها بوته کاسلی برای آزمایش و مقایسه قدرت تیم ملی ژیر بعنوان تیم برتر آفریقا و تیم ملی ایران قهرمان آسیا نبود.

سال پیش ترکیه در آخرین لحظات از فرستادن نماینده‌ی به جام خودداری کرد و اسمال الجزایر که این هر دو از کیفیت جام کاست. بی تردید فدراسیون فوتبال باید تمهیداتی در نظر گیرد تا تیم‌های داوطلب قبول دعوت مقامات فوتبال ایران، از چنین کناره‌گیری‌های نادرست دوری کنند.

جام فوتبال بین المللی والاحضرت ولا بعد برای جوانان در دوام دور خود، از نظر قدرت و شهرت تیم‌های شرکت کننده به مدارجی برتر از بالاتر از دور اول دست یافت و ما را به اعتلاء هر چه بیشتر این جام در سطحی کاملاً جهانی امیدوار کرد. اما متأسفانه جام دوم ایران در مقایسه با جام اول از چنین موهبتی برخوردار نبود و باید اژهم اکنون در بی آن باشیم که با تعیین تاریخی مناسب و دقیق برای برگذاری جام و فعالیت کارساز در جلب تیم‌های صاحب نام به اعتبار روزاوش این جام بیفزاییم و از ایران نیز در جوار تیم‌های ملی «الف» و «ب» که از حالا رنگ تیم‌های ملی و امید بخود گرفته (میتوانیم تیم سوسی روانه میدان کنیم که سهم کلی بازیکنان آن را جوانان لایق هشت تیم شهرستانی جام تخت جمشید و بازیکنان ارزشمند دیگر تیم‌های شهرستانی ببرند. با این برنامه میتوانیم در صورت وجود تیم‌های باشگاهی (مانند کلاس—اکسپورت) حیثیت نام و مقام تیم ملی را بخطر نیاندازیم و با نام منتخب تهران، تیم ملی را روانه میدان کنیم. زیرا تیم ملی فعلی چیزی فرا تر از تیم منتخب تهران نبود.

بعد از پایان جام اول صحبت از دعوت تیم‌هایی چون وست هام (قهرمان جام حذفی انگلستان)، کانوتی انگلستان، ابتراخت فرانکفورت آلمان غربی و یارسلون از اسپانیا بود. این نام‌ها را به برگذاری مسابقات داغ و پر شور مطمئن ساخت اما هیچیک از این‌ها بدلائی به میدان نیامدند. البته هیچ وجه پیشنهاد نمیکنیم که با خرجی بسیار کثرت تیم‌های صاحب نام را دعوت کنیم ولی بهتر است هدف را در جذب تیم‌های در سطح عالی و یا جلب نظر کن قرار دهیم. منظور از تیم‌های در سطح عالی، تیم‌هایی خوش تکنیک و با

و زاگلی لهستان شرکت داشتند که بجز قدرت ماشین وار تیم ملی امید و نمایش زیبای تیم ملی تونس—که هر دو به خاطر نارسائی در برابر تیم‌های با تجربه‌تر و حرفه‌یی، بین راه متوقف شدند—قدرت تیم‌های موجود چنگی بدل نزد و جنبه‌یی آموخته و یا افتخار آفرین در کسب پیروزی، آنچنان که هدف فوتبال ما است، نداشتند.

اسمال نمایندگان چکسلواکی و شوروی همانها بودند اما لهستان تیم ملی امید خود را فرستاد که بر مراتب مرغوب تر از سال پیش بود. از رومانی و تونس نماینده‌یی نداشتیم در عوض قاره آفریقا دو تیم ملی دیگر فرستاد که یکی تیم ملی مصر بود و دیگری تیم ملی ژیر (یکی از شانزده تیم حاضر در جام جهانی اخیر) تیم ملی مصر، فوتبالی خوب و در حد تیم ملی تونس دو سال پیش عرضه کرد. اما

فردا دومین دور مسابقات فوتبال جام ایران به پایان خواهد رسید و قهرمان آن شناخته خواهد شد. در گذشته ما جاسی بنام دوستی و یک بار جام کوروش داشته‌ایم که جنبه بین المللی داشت. اکنون جام ایران جانشینی محکم و مشخص برای آن جام‌ها شده که امیدواریم در حفظ و بهبود آن بکوشد.

سال پیش جام ایران با شرکت پنج تیم خارجی و دو تیم از ایران انجام شد که با وجود قهرمانی تیم « الف » ایران، بطور کلی چندان ارضاء کننده نبود زیرا نمایش تیم ملی در حد انتظار جلوه نداشت و اوفارل مربی ایرلندی تیم، علت را در ناآشنائی اش با فوتبال ایران و بازیکنان ما ابراز کرد. در دور گذشته تیم‌های کلاس اکسپورت چکسلواکی، تیم ملی امید شوروی، استیگال روشواز رومانی، تیم ملی تونس

با دوربین پاکت اینستا ماتیک کدک عکاس مسابقه‌های دوست‌داشتنی خود باشید



به فروشگاه‌های معتبر و مراکزی که علامت Kodak دارند مراجعه فرمائید

شرکت الکتروکامرا با مسئولیت محدود ۲۱۰ خیابان شاه تهنه‌ای ۲۲۰۳-۸-۶۶۲۹۶۰



گل...!

گل
*
مولن موکت

بهترین فرش برای اطاق شما
ساده و گلدار در دهها رنگ و نقشه و طرح

شرکت فرش مولن روز جاده قدیم شمیران شماره ۴۵۱ تلفن: ۹-۷۶۹۰۹۱



تیم امیدشوری در دقایق پایان بازی به کرنزهای متعددی دست یافت ولی بی نتیجه ماندن تمام آنها، شکستی تلخ را بر مدعیان جام ایران تحمیل کرد.
در اینجا اسلوبودیان (مهاجم چپ شوروی) در حضور دوبار دیگر خود (گوتسابو باشماره ۱۱ و اوگانسیان باشماره ۱۶) می کوشد تا یکی از کرنرها را به ثمر برساند.

ناآشنایی به چارچوب دروازه موجب باخت شوروی شد

در برابر گلاس اسکپورت،

امیدهای شوروی باماشین حساب بازی می کردند!

این توپ را بین راه ربود و در حالیکه تنها مقابل دروازه قرار گرفته بود، با سستی در زدن ضربه، موقعیت خوب خود را از دست داد و هنگامی که توپ را به توروفسکی سپرد، با جایگیری مدافعان شوروی دیگر کار از کار گذشته بود.

خستگی جسمی و روحی شوروی از نا کاسی در حملات بی دریغ، بازی را از دقیقه ۳۰ به بعد تعدیل کرد، تا جایی که آهنگ سریع بازی در ۵ دقیقه پایان نیمه اول - که خشونت هر دو طرف را موجب شده بود - گلاس اسکپورت را برتر از حریف خسته نشان میداد.

در نیمه دوم، قبل از به ثمر رسیدن گل چکسلواکی، اوگانسیان (شماره ۱۶) اولین بخت نیمه شوروی را در این نیمه از بین برد. این موقعیت را خود این بازیکن با فرار و شوت سنگین خود بوجود آورد. توپ شوت شده، بعد از برخورد با سینه دروازه بان چک، دوباره جلوی پای اوگانسیان قرار گرفت و در حالیکه فقط دروازه بان را جلوی روی خود داشت، توپ را در بغل هم اوجای داد!

گل در دقیقه پنجم این تیم به ثمر رسید. فقط اشتباه مدافعان شوروی (شماره ۲ و ۴) دلیل به ثمر رسیدن این گل شد. زیرا افعال این دو، به توروفسکی زنده گل، فرصت داد تویی را که از ژودا گرفته بود، با خاطر جمعی و با دیدی خوب وارد دروازه کند. در حالیکه کمترین کاری که مدافعان می بایست انجام میدادند، خراب کردن توپ و یا سد کردن راه دید مهاجم بود.

از این لحظه به بعد شوروی ها که نتیجه را عکس کوشش خود دیدند، سعی در استفاده از ثانیه را داشتند. اما از آنهمه حملات، جز بست آوردن کرنزهای متعدد، نتیجه دیگری نکرقتند.

خوش آغاز کردند، با روشی که انگار با ماشین حساب، محاسبه شده است. در مقابل، بازیکنان چکسلواکی با تکیه بر دروازه بان تیز چنگ خود و با برداختن به دفاع منظمه ای عرصه را درست در لحظه نتیجه گیری به باران شوروی تنگ می کردند. منطقه دفاع گلاس اسکپورت محوطه چریمه اش بود. این تیم در این منطقه با تمام قدرت به دفاع برداخت و همین روش، تیم امیدشوری را - که از ناتوانی در نتیجه گیری زجر می برد - از وا همه ضد حمله به عقب می راند و برای سودجویی از نفوذ تا مقابل دروازه حریف به شوت های ازراه دور قناعت می کرد.

چکسلواکی، با اینکه در کل بازی بیشتر مظهر بازی بی ابتکار شوروی ها بود، از لحظات و موقعیت ها به آسانی نمی گذشت و به ثمر رسیدن گل مسابقه یکی از این موقعیت ها بود و همینطور برخورد شوت بیچوفسکی (کایتین) به دیرک افقی دروازه شوروی در دقیقه ۷ مسابقه و شوت توروفسکی در دقیقه ۸۸، که به همین صورت بی نتیجه ماند.

کایتین چکسلواکی در میانه میدان، همه کاره و پایه ریز حملات تیمش بود. در تیم شوروی این نقش را کورن اوگانسیان بعهده داشت. اما با تغییر مکان های خود، گاه یک مهاجم تیز و گاه یک مدافع در خط میانی بود که همراه با تغییر مکان دیگر باران خط حمله، سعی در بهم ریختن خط دفاعی چکسلواکی داشت. در عقب روی های این بازیکن، داراشنکو (شماره ۱۵) در خط حمله قرار می گرفت ولی کوشش این یکی تنها در نیمه اول چشمگیر بود.

در اواسط نیمه اول، چکسلواکی یک موقعیت عالی برای کشودن دروازه شوروی را از دست داد. این موقعیت هنگامی که دروازه بان شوروی توپ را با دست برای دفاع راست (دامین) فرستاد، بوجود آمد. وینژند (مهاجم چکسلواکی)

چکسلواکی (۰) ۱

رنگ ایران - زرد
سدلاک ۱ - میکسا ۲ - سیرمالک ۳
ماشلاک ۱۲ - کویک ۴ - فرانک ۵
بیچوفسکی ۷ (کایتین) - ملباجا ۸ -
توروفسکی ۹، وینژند ۱۳ (از دقیقه ۶۶
زنی سک ۱۰)، ژودا ۱۱
ذخیره ها: بوربانک ۱۰، ژیروسک ۱۰
پچتر، پتراسک.

شوروی (۰) ۰

رنگ ایران - قرمز
وینکور و رادابوف - الکساندر
دامین ۲، الکساندر بویکو ۴، واسیلی

برابر چکسلواکی، تقریباً همه صعود تیم الف ایران را قطعی می پنداشتند. زیرا بیعت تساوی یا برد، ایران دست کم به عنوان تیم دوم دسته خود بخت صعود می یافت و اگر پیروزی با اختلاف ۲ گل میبود، ایران تیم اول دسته خود میشد.

و اینکه رهبران تیم ایران چه روشی را پیش پای باران تیم گذاشتند، در گزارش دیدار ایران و شوروی خواهید دید. اما بی شک روش دفاعی برای دست یابی به نتیجه تساوی ۰-۰ دقیقه دلهره و اضطراب را در این دیدار بوجود می آورد. زیرا شوروی ها با شوت های از راه دور خود، هر آن دروازه ایران را زیر آتش توپخانه خود میگیرند و کار را برای مدافعان ایران مشکل خواهند ساخت.

دیدار شوروی و چکسلواکی در سکوت ۲ هزار تماشاگر بی تفاوت برگزار شد. زیرا این تماشاگران نمی دانستند، تیم شوروی را باید تشویق کرد یا گلاند اسکپورت را. برای همین تشویق ها عادلانه تقسیم شد، هر دو تیم که بازی زیباتر از مسابقه ایران - گلاس اسکپورت را به نمایش گذاشته بودند، مورد تشویق قرار گرفتند.

امیدهای شوروی، بازی را با آهنگی

یکشنبه ۲۲ تیر ماه - ورزشگاه جدید زاه آهن (آبادانا)؛ دفاعی ضعیف در طرفین خط دفاعی، عدم قدرت نتیجه گیری، یک همکاری خوب گروهی و شوت های از راه دور نکاتی بود که تیم امید شوروی در اولین دیدار خود در چارچوب مسابقه های جام ایران به نمایش گذاشت.

ورزشگاه، کسانی که منتظر نتیجه این دیدار بودند، قبل از آنکه به فکر وضع تیم گلاس اسکپورت با تیم جوانان زیر ۲۳ سال شوروی باشند، به تأثیر این نتیجه در وضع تیم الف ایران می اندیشیدند.

به هر حال تیم شوروی با وجود برتری کلی بر حریف، شکست خورد. شکستی که باران این تیم با افعال و سستی در بهره گیری از موقعیت ها برای خود خریدند. بحث در مورد روشی که ایران باید در مقابل شوروی پیش گیرد، دست کم در این گزارش عبث خواهد بود. زیرا این گزارش در شرایطی منتشر می شود که دیدار ایران و شوروی انجام شده است و صحیح یا ناصحیح بودن روش ایران در برابر شوروی را می باید در گزارش دیدار این دو مورد بحث قرار داد. اما با این حال بعد از شکست یک بر صفر شوروی

دومین گام ایران «ب» هم شادی بار بود

شلیک های نظری و دستجردی نفس یوزپلنگ های زئیر را گرفت



گروه دوم جام ایران

ایران (۱) ۳

حسین راغفر ۱ - علیرضا قشقاییان ۲، بیژن ذوالفقارنسب ۴ (کاپیتان)، جواد اللهوردی ۵، مهدی دینورزاده ۳ - مانیس میناسیان ۱۴، حسن نظری ۶ (از دقیقه ۸ عجاوید جهانگیری ۸)، ابراهیم قاسمیور ۹ - اسماعیل حاج رحیمی پور ۷، ناصر نورائی ۱۲ (از دقیقه ۷۸ حمید شهبازی ۱۶)، محمد دستجردی ۱۰.
ذخیره ها: کریم بوستانی، سعید باغوردانی، کارنیک شهینداری
رنگ پیراهن: سفید

زئیر (۰) ۱

کونگولو ۱ - پیندا ۲، لویلو ۱۶، کاسابا ۴، مپاهه ۱۵ - کاتچی موکا ۱۸، ایلونگام (از دقیقه ۲۲ کیمبو ۱۷) - ندایه ۳، (از دقیقه ۱۶ مینونگو ۷)، مایانگا ۱۴، کیدومو ۱ (کاپیتان)، ندایا
ذخیره ها: کانتیندا، باکاسا، لوسونگو
رنگ پیراهن: سبز

گل ها: حسن نظری در دقیقه ۴ و محمد دستجردی در دقیقه ۵۳ و ۷۶ برای ایران و ندایا در دقیقه ۸۰ برای زئیر

تماشاگر: نزدیک به چهارده هزار تن
داور: محرم (مصر) با کمک استر (لهستان) و تباتی (ایران)

بازنکن اخطاری: لویلو از زئیر.
بهترین بازیکن: بیژن ذوالفقارنسب و جواد اللهوردی

ورزشگاه راه آهن (دوشنبه ۲۳ تیرماه ۱۳۵۴) - بیروزی سه بریک بر تیم ملی زئیر، صعود تیم ملی ب (امید) را تا قبل از دیدار با مصر حتی کرد. جوانان تیم امید بعد از پیروزی بر حریفی پر قدرت چون لهستان، در برابر زئیر نیز نمایش باشکوهی دادند و با وجودی که زئیر برای بقا و گریز از شکست دوم دست به جنگی سخت و خشن زد معجزا با سه گل زیبا - که دوتای آن با ضربه آزاد بود - نماینده آفریقا در جام جهانی را از پای درآورد. حسن نظری گل اول و محمد دستجردی گل سوم را با ضربه - های کاشته بشمار رساندند و دستجردی خود زنده گل دوم بود. زئیر هم مانند لهستان فقط یک بار توانست دفاع محکم و دروازه بان خوب ایران را تسلیم کند و این بعد از سه گل بازیکنان امید بود.

گرچه زئیر در حد قدرت لهستان نبود و بچه ها با گردن کلفت های اروپائی روبرو نبودند اما ازنظر کارجمعی، تیم با جا افتاده تر نشان داد و محمد دستجردی برخلاف روز اول بهترین و پرثمرترین مهاجم ایران بود. میتوان ادعا کرد که با وجود خشونت حریف، بچه های ما در برابر زئیر بسیار راحت تر بودند تا در برابر لهستان.

تیم زئیر با شناختی که از بازی اول ایران بدست آورده بود با حربه خشونت بمقابله ایران آمد و چهره های زهردار تیم را هدف قرار داد. مرکز اصلی هدف آنان

اسماعیل حاج رحیمی پور مهاجم زهردار و دونده ایران بود که در هر برخورد سبک پای او هدف نونک پا های زجرآور حریفان قرار میگرفت تا آنجا که لویلو مدافع زئیری اخطار گرفت و به حاج رحیمی پور نیز بعد از بشمار رسیدن گل اول ایران دستور داده شد که احتیاط کند و برای حفظ ساق ها کمتر درگیر شود.

در تیم ایران حسین راغفر در مواجهه سریع و مطمئن بود. خط دفاع در مجموع خوب بازی کرد بویژه دو دفاع میانی که جزئیات بار در نیمه اول، هرگز سرتکب اشتباه نشدند.

خط میانی دونده و فعال بود و هر لحظه با نفوذ های مدافع راست ایران (قشقاییان) خط حمله را تغذیه میکرد. در خط حمله حاج رحیمی پور در هم ریزنده، نورائی فرصت طلب و دستجردی موفق نشان دادند. در طول بازی خصلت جالب بچه های ما سعی به دادن پاس های دقیق و ضربه های حساب شده بود.

زئیر تیمی که در حرکت با توپ تا حدودی کند و در «کورس» ها سریع و همانند دیگر تیم های آفریقائی است، در این بازی نیز قدرت ضربتی نداشت و همین باعث قبول دو سبک شکست و قطعیت حذف تیم شد. بازیکنان زئیر در توپ گیری و دریبل، قدرت بسیار خوبی داشتند و حتی جسارت در درگیری را هم دارا بودند اما هنوز با فوتبال حرفه ای فاصله بی بسیار دارند و مطابق با روح زیبای فوتبال به حمله و گل زدن میاندیشند چنانکه روش بازی ۴ - ۲ - ۴ آنان نیز قدیمی است.

این میتوانست برای تیم امید ایران یک گل باشد. نورائی بالاتر و مسلط تر از لویلو مدافع خشن تیم زئیر با سر توپ رازده است. اما توپ با فاصله بی کم از کنار دروازه میگذرد. تیم امید از اینگونه حملات ضربه آزاد بشمار رساند. دو مدافع دیگر به پرش نورائی مبتکرند.

در این مسابقه تیم ایران مهاجم مطلق بود گرچه زئیر هیچ گامی به بازی دفاعی نشان نداد و همین انگیزه هیجان و گل های مسابقه را آفرید و تماشاگران را از تماشاای فوتبالی جالب راضی ساخت. ایران بانود دقیقه حمله در نیمه اول پنج کرنر و در نیمه دوم چهار کرنر زد و تنها سهم زئیر، یک کرنر در نیمه اول بود. تیم ایران بعد از حملات مکرر در دقیقه ۴۶ به گل برتری دست یافت. تا قبل از گل شوت حاج رحیمی پور، پاس عالی حاجی به نورائی در جلوی دروازه خالی و ساتر قشقاییان - که با ضربه سر خوب نورائی پرواز و هنرنمایی دروازه بان را به همراه داشت - فرصت های از دست رفته ایران بود ولی سرانجام لحظه گل فرا رسید و بدنبال خطای عمد روی حاج رحیمی پور در ۴۰ متر جناح راست ایران صاحب ضربه آزاد شد و با شلیک سنگین و توقف نا پذیر حسن نظری هافبک تیم ایران گل اول بشمار رسید.

سه دقیقه بعد از گل ایران، اشتباه اللهوردی «کیمبو» مهاجم تازه وارد را

بسه در صفحه ۲۴

شکوه جوانان امید لهستان را گرفت



کل او شاید زیباترین گل جام باشد و جسارت او — که یک شه
ره صدساله بيموده — نموندهی قابل تقلید برای آنهاست که در کنار
بزرگان کیفیات خود را فراموش میکنند. اینجا نورانی درحالی که
توسط چهار یار حریف محاصره شده، بد دروازه لهستان سرضرب
شلیک کرده و تقریباً زانو بر زمین دارد. از یاراتش فقط سائیس
میتابان در جمع مدافعان وحشت زده دیده میشود.

عکس بالا صحنه گل بیروزی تیم امید ایران در برابر تیم امید
لهستان است. اسماعیل حاج رحیمی پور مهاجم سریع ایران چنین
با قدرت شلیک کرد و کمترین فرصتی بد دروازه بان و مدافعان
لهستانی نداد. آنکد با شماره ۴ حسرت بار توپ را بینگردد بیروستاو —
بولز آکی مدافع لهستان است.
عکس پایین: ناصر نورانی لیاقت خود را در تیم امید هم نشان داد.



تیم ملی ایران «الف» در
سومین دیداری که با گلاس
اکسپورت چکسلواکی داشت
باز هم مساوی کرد (دوبار در
جام گذشته بود). این بار هم حمله
با ایران بود. اما بازیکن گلاس -
اکسپورت هوشیار بودند و حتی
میرفتند که به یک پیروزی دوزخ
انتظار و حقانیت دست یابند.
اینکه چنین تسلط بر فرزند افغان
زردپوش چکه بد پرواز درآمده
غلامحسین مظلومی مهاجم
ارزشمند ایران است که معلوم
نیست چرا در نیمه دوم تعویض
شد؟



باز ملی پوشهای ایران در سد گلاس اکسپورت چکسلواکی ماندند

رضاعادلخانی یکی از بهترین
چهره‌های تیم ملی ایران در برابر
گلاس اکسپورت بود. او بارها
بر مدافع مستقیمش بیکسا -
که اینجا ناموفق بر زمین افتاده -
پیروز شد و تنها گل ایران در برابر
تیم چکسلواکی را هم او بدست
آورد.



باران گل در پیکار لهستان و مصر



کار تیم مصر از این لحظه خراب شد. نتیجه توفیق عباس (مدافع تیم ملی مصر) و سه توپ با دستهای خود بسازد دروازه بانان مصر به پناهی اولین گل تیم لهستان شد. دروازه بان مصر با حرکتی نادرست بی تمرکز به روی زمین افتاده و توپ را میبگرد در حالیکه دولوسکی (۱۰) مهاجم تیم امید لهستان از روی سر توفیق عباس پریده تا آسیبی به او نرسد. در این مسابقه لهستان پنج بر دو پیروز شد.

مصر را ضعف دروازه بان از پای در آورد

لهستان (۴) ۵

آندره فیشر ۱ - آندره دسکو ۳، میروستاو - بولزا کی ۴، زیگنیو پلا زولفسکی ۰، وویسیچ رودی ۱۲، کارنیز میز کسیمیچ ۱۴ (از نیمه دوم مارلکوستو ۱). ولادیمیر تومینسکی ۱۷، لسلزک وولسکی ۱۰ - تادوس پاتوفسکی ۷ رومین اوگازا ۹ (زدیسلا واکا ۸ از دقیقه ۸۵)، ویتولد کاراس ۱۳ (کاپیتن)

ذخیره ها: زیگنیو هانتیو، آدام کروپا، آندره سیورسکی رنگ پیراهن: سفید

مصر (۱) ۲

حشام عظمی ۱۸ (کاپیتن) - احمد عبدالیکی خلیفه ۲، حسن حدی ۴، محمد توفیق عباس ۵، محمد الکوهری ۳ - شاکر عبدالفتح ۱۵، فاروق غفار ۶ - علی خلیل - علی ۶ (از دقیقه ۶۰ مسعود نور ۱۱)، طاهر الشیخ ۸ (طاحا بصری ۱۰ از دقیقه ۳۲)، حسن شحاطه، اوساما خلیل ۱۷ ذخیره ها: حسن علی حسن، فتحی مبروک، محمد السیاق رنگ پیراهن: سبز

گل ها: ۱-۰ رومین اوگازا (پنالتی دقیقه ۴)، ۲-۰ کسیمیچ (۲۲)، ۳-۰ پاتوفسکی ۳۳، ۴-۱ احمد عبدالیکی خلیفه (۴۱)، ۴-۲ فاروق غفار (۵۸)، ۵-۲ تومینسکی (۸۵).

تماشاگر: نزدیک به ده هزار تن داوری عالی: محمد صالحی با کمک نظری و رحمانیان

بازیکنان اختاری: توفیق عباس، حسن شحاطه و فاروق غفار از مصر و رودی از لهستان بهترین بازیکن: ویتولد کاراس از لهستان

ورزشگاه راه آهن (دوشنبه ۲۳ تیرماه ۱۳۵۴) - دیدار بود بسیار جانب و پر تل کتیب لهستان با چهره بی موفق تر از آنچه در روز اول ظاهر شد، شکست از ایران را جبران کرد و پنج بر دو بر تیم ملی مصر غلبه کرد. نمی بیشتر از گناه این شکست فاحش مصری ها به گردن دروازه بان بسیار ضعیف آنان بود که در برابر لهستان هیچ کارمیشی انجام نداد.

مصری ها در دقیقه چهارم مسابقه تسلیم ضربه پناهی اوگازا شدند. پناهی بدنبال ضربه کرنر و شوت کاراس بدست آمد. زیرا در غیاب دروازه بان توفیق عباس مدافع شیره جفت و با دست راه توپ را بست. بعد از این گل مصر دست به حمله زد تا جبران کند. اما در دقیقه ۲۰ با یک ضربه محکم کاراس از چپ گریخت و با خروج دروازه بان مصر از در خود آرام توپ را از کنار به

کسیمیچ سپرد تا راحت گل دوم را بزند. این گل روحیه مصری ها را خراب کرد و بازی را به حریف واگذار کرد. حاصل این در هر ریختگی مانور و شوت کسیمیچ از ۵ متری بود که براحتی وارد دروازه شد. یازده دقیقه بعد از این گل پاتوفسکی در موقعیتی مشکوک به آفساید فرار کرد و گل چهارم را زد. گویی این گل مصری ها را بخود آورد تا از شکستی سنگین و انتقاد آمیز بگریزند و بدنبال شوت سنگین شحاطه که به درک دروازه خورد، میدان از دقیقه ۶۰ به چهره عوض کرد و شلیک زیبا و سنگین عبدالیکی خلیفه مدافع راست مصر از ۵ متری به تور دروازه لهستان نشست. بعد از این گل مصر روحیه بی عالی پیدا کرد و چهار دقیقه لهستان را مدافع مطلق کشید. نیمه دوم را مصری ها همانند اوایل

گرفتند و زیر که انتظار خوردن سه گل از این تیم جوان را نداشت به تکاپو افتاد و سرانجام در دقیقه ۸۰ بدنبال یک سانتر بلند، ندای بازیکن خوب این تیم سر ضرب توپ را بدرون دروازه ایران فرستاد. در دقیقه ۸۵ شوت کعبو دروازه ایران را در خطر دوین سقوط قرار داد اما راغفر باردیگر هنرنمایی کرد و با شوت توپ را رد کرد. در یک ضربه محکم ایران به چهارمین گل نزدیک شد. اما حمید شهبازی مهاجم تازه نفس - نه جای نورانی آمد بود - توپ را در مواجهه با دروازه بان به کنار گل زد و سرانجام مسابقه با همان نتیجه سه بر یک به پایان رسید.

در دقیقه ۳۰ زیر نزدیک بود فاصله را کم کند و گل خود را بزند اما فرار و شلیک زمینی و محکم مایانگا در درون محوطه جریمه با شیره جبه و مهارت تحسین انگیز را غنم متوقف و مهارت شد. در کریم گرم و کش و قوس مسابقه باز دیگر خشونت زنی ها، تیم ایران را در دقیقه ۷۰ و در ۲ متری دروازه زیر صاحب ضربه آزاد کرد و در غیاب نظری - که جایش را به جهانگیری داده بود - محمد دستجردی پشت توپ قرار گرفت و پاداش ضربه عالی و محکم او به زاویه بالای سمت چپ دروازه گل سوم و آخر ایران بود. بعد از سه گل بازیکنان ایران آرام

عجیبی توسط مدافع و دروازه بان دفع شد و نیمه اول به پایان رسید. نیمه دوم با گل دوم ایران و شادی بی حد تماشاگران همراه بود. ابتدا شوت دستجردی از چپ به درک دروازه خورد و رنگ خطر از سوی این بازیکن به صدا درآمد.

در دقیقه ۵۳ گل دستجردی بثمر رسید و او روی پاس خوب قشقانیان در درگیری با یک مدافع در ۱ متری جلوی دروازه پیروز شد. و توپ را محکم به سقف دروازه کوید. نقطه ضعف دروازه بان کوتاه قد و چالاک زئیر توپ های هوایی بود که هر سه گل ایران از این طریق بدست آمد.

امید های ملی پیروز پلنگ های زئیر پیروز شدند

بقیه از صفحه ۲۱

روانه دروازه ایران کرد اما شوت کعبو از کنار دروازه گشت. از فرار خوب حاجی و شوت عالی نظری نیز برای ایران حاصلی بدست نیامد و در آخرین دقیقه نفوذ حاج رحیمی پور از چپ عباس به نورانی در دهانه گل، بطور



علی پروین مهره تکنیکی ایران شدت از سوی کووالوف هافبک تیم امید شوروی مواظبت میشد. اینجا کووالوف سرنگون شده و علی پروین از روی او به سوی توپ پریده است. در حالیکه با نظارت محمد صادقی (راست) و محمود اعتمادی (چپ)، جویبکوف مدافع میانی شوروی (۵) در کمین نشسته است.

شکست تیم ملی در جام ایران

چرا تیم ملی چنین بی روحیه بود؟

آرایش غلط و عدم روحیه، شکست را نصیب ایران کرد

همه حجازی دروازه بان ایران زجر کشید که بهیچ تویی اطمینان نداشت و خود بارها توپ های مهار شده اش را به فضای خالی، برای بار خودی فرستاد تا جبران پاس های غلط یا رانش را بکند. با اینکه یکی از مفسران فوتبال روز قبل از مسابقه هشدار داده بود که با تکیه به دفاع، میدان نباید رفت زیرا جستجوی نتیجه مساوی میتواند خطرناک باشد، معهدا اوفارل طبق معمول بی آنکه کسی را قبول داشته باشد در برابر تیمی هماهنگ و سرزنده مانند شوروی روش ناآشنای ۲-۴-۴ را برگزید و فقط هنگامیکه ضربه وارد شد تغییر روش داد. اما دیگر دیر شده بود. او بعد از این مدت باید دریافته باشد که ضعف تیم ما عدم قدرت جبران کنندگی در اغلب مسابقات است. دردی که اوفارل تاکنون به مداوای آن نایل نشده تیم ایران در برابر شوروی نیز بسیار کم روحیه و فاقد روح شاداب بازی بود. استقبال کم تماشاگران حاکی از ناراضی بودن از قالب و روحیه تیم ملی است که رهبر تیم با در پیش بودن مسابقات مقدماتی المپیک، باید بهوش بیاید و این شکست را زنگ خطری برای خود بداند زیرا تیم ملی ما تاکنون دوبار در مقدماتی المپیک شرکت کرده و هر دو بار موفق بوده است. روش ۲-۴-۴ برای چه؟ بعد از تساوی ایران با چکسلواکی، بقیه در صفحه ۲۸

خورشیدی، سهام میرفرخانی، حبیب علیزاده. رنگ پیراهن: سبز گل: کوزنه نین. در دقیقه ۴ برای شوروی تماشاگر نزدیک به سی و پنج هزار تن داور: استیج (لهستان) با کمک محرم (مصر) و مافولا (زئیر) بازیکنان خطاری: بوری آدوم از شوروی و رضا عادلخانی از ایران بهترین بازیکن! کوزنه نین ووززگده آریامهر (سه شنبه ۲۴ تیر ۱۳۵۴) - قهرمان دور اول جام ایران با گل تاگهانی کوزنه نین در دقیقه چهارم، مسابقه را به تیم ملی امید شوروی باخت و حریف با انتقام از شکست سال پیش، گام به دوره نیمه نهایی گذاشت در حالیکه تصور چنین نتیجه بی دورا انتظار نبود. بی تردید باید نگاه شکست را بگردن سری و انتخاب کننده تیم انداخت زیرا این بار آرایش احتیاط آمیزی از روز مسابقه با گلایس اکسپورت چکسلواکی نیز نامروزن تر بود. اگر در آن روز از ناحیه دفاعی اطمینان داشتیم این بار اطمینان نیز از میان رفته بود. اوفارل سهام میرفرخانی و علیرضا عزیز با بازیکنان مؤثر مسابقه با چکسلواکی را کنار نهاده و خط دفاعی را با ترکیبی نا هماهنگ و ناآشنا در هر لحظه شکست پذیر ساخته بود. از این عدم تعادل بیش از

جام فوتبال ایران - گروه اول ملی امید شوروی (۱) ویکتورادوف ۱ - الکساندراسین ۲ - کاپیتان الکساندر بویکو ۴ - واسیلی ژوبیکوف ۵ - ویکتور بویکوفسکی ۶ - بوری بودیشف ۸ - بوری کووالوف ۱۰ - خوزن اوگانسیان ۱۶ - ولادیمیر - گوتسایف ۱۱ (از دقیقه ۶ پیترا سلولودیان ۱۳ - بوری کوزنه نین ۱۲ - آنا تولی دوزوشنکو ۱۵ (بوری آدوم ۹ از دقیقه ۶۳) ذخیره ها: ووسلاچانوف، بوریس گوزنتسوف، وینالی ازادایوف. رنگ پیراهن: قرمز ملی ایران «الف» (.) ناصر حجازی ۱ - اکبر کارگر جم ۲ - مسیح مسیح نیا ۵ - پرویز قلیچ خانی ۱۷ - (کاپیتان)، عزت جانملکی ۳ - علی پروین ۷ - محمود اعتمادی ۱۶ - محمد صادقی ۱۰، کارو حق وردیان ۱۴ (از نیمه دوم صفر ایران تا ۸) غلامحسین مظلومی ۹، رضا عادلخانی ۱۱ ذخیره ها: منصور رشیدی، علیرضا

نیمه اول با حمله آغاز کردند تا فاصله را کمتر کنند. این روحیه با توجه به روش ۴-۳-۴ مصدرد بر ابر ۳-۳-۴ لهستان ضمن آنکه توپ رای اردوی لهستان میکشید با هر ضربه حمله دروازه مصر هم تهدید میشد و در این گیرودار لهستانی ها - که پیروز هم بودند - کنترل اعصاب را از دست داده و بسا مصری های خشکین جنگی خشن و درواز فوتبال آغاز کردند. حاصل این خشونت ها چهار بار اخطار به سه بازیکن مصری و یک لهستانی بود (یک اخطار مصدرد نیمه اول داده شد.) در یک ضربه حمله او گاها با ضربه سرد دروازه خالی را نتوانست بکشد و سنا تر دقیق با توفسکی را هدر داد. مصری ها چند بار تا یک قدمی گل پیش رفتند اما هر بار دروازه بان لهستان هنر نمائی کرد و یک بار هم پاس بصری به خلیل و شلیک خلیل به دیرک دروازه خورد. در دقیقه ۵۸ بدنبال گردگیری های خشن، دروازه بان لهستان بطور عمدی توفیق عباس را از دو صالحی با بینائی وقاطعیت فرمان ضربه پنهانی را داد. ضربه دقیق و فریب دهنده غفار گل شد و امید مصری ها هم دو چندان شد. میدان در اختیار مسطلق مصری ها افتاد و تماشاگران ایرانی برایشان هنگامی بی برآه انداخته بودند. چیزی نمانده بود که شلیک بصری (مهاجم خوش تکنیک) باعث گل سوم شود اما مشت دروازه بان و سپس دیرک دروازه و واکنش مجدد دروازه بان با هر زحمتی بود مانع گل شدن گردید. معلوم نبود که مربی مصری بچه جهت در ابتدای مسابقه و تا بعد از گل سوم بصری را در زمینکت ذخیره ها نشانداده بود. مصری ها با حملات بی دبی و همه - جانبه برای زدن گل پای جان میزدند. اما سرانجام در دقیقه ۸۵ آب سرد پرشور و داغی آنان ریخته شد و شوت آسان تومیسکی از ۳۵ متری، در اثر عدم مهارت دروازه بان مصری برای پنجمین بار دروازه گردید و مصر را کاملاً نا امید کرد. در این مسابقه کاپیتان کاراس مغز متفکر لهستان بود و بازیکنانش را از درگیری های تن به تن و خشونت آمیز دور میداشت. صالحی در این مسابقه خیلی خوب تضاد کرد و اگر کمترین ضعف یا تردیدی از خود نشان میداد، مسابقه تبدیل به میدان زد و خورد میشد.

معامله کلان (شالکه ۴.) باشگاه فوتبال (شالکه ۴.) آلمان غربی، معامله پرسروصدائی انجام داده است. معامله عبارت از خریدن (برائوکاواپلاک) ۲۸ ساله، عضو تیم ملی یوگسلاوی و بازیکن خط وسط از باشگاه (هاجولک اسپلیت) یوگسلاوی است. مبلغ معامله ۱/۵۰۰/۰۰۰ تومان است و معامله ظاهراً وقتی جوش خورد که رئیس باشگاه (هاجولک اسپلیت) با آن موافقت نمود. (کلون کیرشن) زیر موافقت نامه را امضاء گذاشت. بوجیب مفاد فروشنده (اویلاک) - که تاکنون ۳۹ بازی در تیم ملی یوگسلاوی داشته - مدت دو سال برای شالکه توپ خواهد زد.

مرداد

مرداد بپ شوی مرداد بپ شوی

۲۶	۱۶	۴				شنبه
۲۷	۱۷	۵				یکشنبه
۲۸	۱۸	۶				دوشنبه
۲۹	۱۹	۷				سه‌شنبه
۳۰	۲۰	۸	۲۳		۱	چهارشنبه
۳۱	۲۱	۹	۲۴	۱۴	۲	پنجشنبه
۳۲	۲۲	۱۰	۲۵	۱۵	۳	جمعه



پاس، هنوز محکم و پابرجاست

اساس تنها تیمی که بطور جدی به تعقیب پیشسازان پرسپولیس پرداخته تیم مستحکم پاس است. پاس با داشتن بهترین خطدفاع در تیم فصل اول جام سوم، تیمی موفق جلوه کرد و آکر شکست ناپهنگامش از تیم نیرو نبود. اکنون خود را صدرنشین میدید. آغاز نیم فصل دوم جام عرصه رقابت پرسپولیس و پاس است. نگرانی که تیمی همچون هما از کرد راه برسد و با آنان درگیر شود. اینستاده از راست: حسین کازرانی، مائیس میناسیان، مهدی سناجاتی، کمال خلیلیان، مصطفی شعبانی و همایون شاهرخی (کاپیتان) نشسته از راست: ایرج دانائی فرد، مهدی دینورزاده، اسماعیل نوریبخش، مجید حلوانی و محمدصادق

ادوار جب ادوار امرواو شعیان ادوار امرواو شعیان ادوار

۱۶	۸	۲۵	۹	شعیان	۱۸	۲	۲۳	۱
۱۷	۹	۲۶	۱۰	۲	۱۹	۳	۲۴	۱۱
۱۸	۱۰	۲۷	۱۱		۲۰	۴	۲۵	۱۲
۱۹	۱۱	۲۸	۱۲	۴	۲۱	۵	۲۶	۱۳
۲۰	۱۲	۲۹	۱۳		۲۲	۶	۲۷	۱۴
۲۱	۱۳	۳۰	۱۴	۶	۲۳	۷	۲۸	۱۵
۲۲	۱۴	۳۱	۱۵	۷	۲۴	۸	۲۹	۱۶



زنگ خطر برای مسابقات مقدماتی فوتبال المپیک بسدا در آمد

تیم امید شوروی مغلوب گلاس اکسپورت چکسلواکی شد و حریف پیروز با دوگام هوشیارانه به نیمه نهائی رسید، حالا مانده بود شوروی که برای صعود فقط به پیروزی در برابر قهرمان دور گذشته نیاز داشت و ایران، که اگر پیروز میشد صدرنشین میگردد و اگر مساوی میکرد عنوان تیم دوم گروه را داشت.

اوقارل با احتساب اینکه تیم ملی ب (امید) با دویازی درخشان و پیروزی هایش با احتمال زیاد مغلوب مصر نخواهد شد و صدرنشین گروه دوم میشود، این تصمیم را گرفت که در برابر شوروی بدنبال تساوی باشد تا حضور یک تیم از ایران را در دور نهائی تضمین کند زیرا با این ترتیب در نیمه نهائی دو تیم ایران برابر هم قرار میگرفتند به پیروی از این سیاست اوقارل با روش ۲-۴-۴ تیم را بمیدان فرستاد و حاصل خوردن یک گل ناگهانی و هشتاد دقیقه حلات بی حساب، حذف ایران از جمع سه تیم بود!

سری تیم ایران ترکیبی عجیب برای تیم ایران برگزید. کسانی که بازی کردند یا اغلب مهره های کهنه و نه چندان دلپذیر برای بازی در تیم ملی بودند و با جوان و بی تجربه که هنوز بکارگرفتن آنان برای ۹۰ دقیقه بازی در تیم ملی چندان اصولی نمی نماید.

این ضعفها با نزول عجیب چند بازیکن سرشناس تأثیر نامطلوب در تیم گذاشت. اکبر کارگرجم در دفاع راست یکی از نادرترین روزهای بد خود را گذراند و او برخلاف همیشه، عصبی و دستپاچه نشان میداد.

علی پروین قابل مقایسه با روز مسابقه در برابر بازیکنان چکسلواکی نبود. مسیح نیا و جانملکی پرتابیه بودند. مظلومی و ایرانپانک نشانی از گل زن های جام تخت جمشید نداشتند. هافبک ها اغلب در دادن پاس و تغذیه خط حمله دچار اشتباه میشدند. فقط رضا عادلخانی بازی خود را کرد ولیقحی خانی برتاب بهتر از روز مسابقه با چکسلواکی نمود داشت.

در نیمه دوم که ایران عجلانه برای جبران گل خورده و گریز از شکست میکوشید آرایش ایران عجیب بود. هافبک نداشتیم و در عوض پنج نفر مدافع بودند و پنج نفر مهاجم! در این نیمه قلیچ خانی به جمع مهاجمان پیوست و حضور او در نوك حمله همراه با ایرانپانک و مظلومی، ضمن آنکه گوش راست ایران را همیشه خالی نشان میداد، از این جمع سه نفر نیز کاری ساخته نبود زیرا ساتنهای بلند و بی حساب به روش ده سال پیش، براحتی برای مدافعان هوشیار و بلند قامت شوروی قابل خنثی کردن بود.

تیم شوروی ابتدا در نیمه دوم سعی

داشت با زدن توپ به خارج اتلاف وقت کند اما بعد تغییر رویه داد و با پاس های بی دربی در عرض زمین به حفظ توپ همت کرد. در یک لحظه این کار با بیش از بیست پاس همراه شد که تشویق تماشاگران ناراضی از تیم خود را برانگیخت.

شوروی که برای صعود فقط به پیروزی نیاز داشت، در دقیقه چهارم به گل برتری دست یافت و با تمام قوا در حفظ آن کوشید. گل در دقیقه چهارم بدست آمد. کوزه نین مهاجم نوك شوروی که در ۲۵ متری جناح راست دروازه صاحب توپ شده بود از اشتباه مدافعان که در حال عقب کشیدن بودند - سود برد و با شلیکی محکم توپ را دور از دسترس حجازی به گوشه بالای دروازه فرستاد.

بعد از این گل حمله با ایران شد زیرا می باید گل را جبران میکرد. ایران در

دقیقه ۱۰ به گل تساوی نزدیک شد اما شلیک دور و زیبای قلیچ خانی را رادوف (دروازه بان) بزحمت به بالای دپرك دروازه مشت کرد.

در یک ضد حمله دوزوشکو دروازه ایران را تهدید کرد ولی حجازی شیرجهیی موفق به روی توپ داشت. نیمه اول با حلات کم رقی تیم با پایان یافت.

در نیمه اول ایرانپانک بجای کارو آمد و صادقی که بعد از خوردن گل به نوك حمله متمایل بود. به هافبک بازگشت. در این نیمه هم کووالوف (۱۰) ماسور سراقبت از پروین بود که این سراقبت در نزول پروین تأثیر داشت. اما در مقابل اعتدالی که مواظبت از اوگاتسیان (۱۶) را بعهد داشت جلوشکین قلیچ خانی به خط دفاع آمد.

در حلاتی که ایران کرد و فرصت

خوب از دست بچده رفت، ابتدا ساتن بلند کارگر جم از راست با ضربه بسیار محکم مظلومی همراه بود اما این ضربه درست همانجائی رفت که دروازه بان جاگرتنه بود. موقعیت دوم را ایرانپانک آفرید. او از اشتباه مدافع در دادن پاس به دروازه بان سود برد و بین راه توپ را قاپید اما کاری از پیش نبرد و دروازه بان با خروج از دروازه دفع خطر کرد و به ایرانپانک فرصت شوت نداد. شوروی ها با دو تعویض بی دربی خط میانی و حمله خود را بهبود بخشیدند تا فشار زیاد به دروازه آنان وارد نیاید و در حالیکه تیم ایران نیز در خط حمله محتاج به نیروئی تازه مثل خورزشیدی بود، تا پایان به روش بی ثمر خود ادامه داد و از دقیقه ۸۰ به بعد که خستگی هم دانستگر بچه ها در همه دریافتند که همان یک گل شکست راهبره خواهد داشت و همه، با زهم ناراضی از تیم الف ورزشگاه را ترک کردند و امید به تیم «ب» بستند که تا آن روز تجلی پرشکوهی کرده بود.

در این مسابقه داور لهستانی قضاوتی قاطع داشت هر چند که بازی میرفت رنگی از خشونت بخود بگیرد و او نیز از چند خطای عمده بی تفاوت گذشت و فقط با دو اخطار سعی به آرام ساختن بازی نمود.

ورود به جام تخت جمشید را انجام خواهد داد.

هشت وزنه بردار ژاپنی در مسابقات جهانی مسکو شرکت می کنند

توکيو: فدراسیون وزنه برداری ژاپن اعلام کرد که تیم ملی این کشور متشکل از ۸ وزنه بردار در مسابقه جهانی ۱۹۷۵ مسکو که از روز ۲۴ شهریورماه آغاز میشود شرکت می کند. این ۸ وزنه بردار در پنج وزن مبارزه خواهند کرد.

قهرمانان منتخب ژاپن برای کسب آمادگی از همین حالا در اردو به سر می برند.

سالن آرایش چلیپا

باجد پدترین متد و با ورزیده ترین آرایشگران به زیبایی سوی سرشامی افزایش دهید.

فرشش ما سه سردو گرم زیر نظر متخصصین فن

فرح آباد ژاله مقابل باشگاه افسران تلفن ۳۳۱۲۳۱

گروه صنعتی بهشهر قهرمان جام فوتبال البرز شد

اولین نماینده تیم های داوطلب برای ورود به جام تخت جمشید شناخته شد. با پایان یافتن جام البرز - که ویژه تیم های باشگاهی شهرستانهای استان سرکز بود - تیم گروه صنعتی بهشهر از شهر ری به مقام قهرمانی رسید و یکی از تیم های دسته دوم باشگاههای ایران شد. تیم گروه صنعتی بهشهر برای آخرین مسابقه اش به تروین رفت و تیم آبیگینه این شهر را سه بر صفر مغلوب کرد، گلهای مسابقه را حسن یاقوت در دقایق ۲۰ و ۵۵ و ناصر رخ شوروی در دقیقه ۸۰ به ثمر رساندند. در این مسابقه - که خشن بود - دو هزار تن به تماشا آمدند و داوری را ابراهیم زاده بعهده داشت.

در تیم گروه صنعتی بهشهر بازیکنان ابرامیدی چون عباس کارگر، کیورث صباد و حسین عبداللهی عضویت دارند. حسین عبداللهی در طول مسابقات

اعزام فشرده شهریور باتضمین قبولی فقط در

موسسه زبان انگلیسی طاهری

پهلوی چهارراه امیراکرم شماره ۱۴۳

تلفن ۶۶۵۳۲۲

هیچ آرزوی ریاست، آنهم در دستگاه ورزش ندارم، خیالاتی هم نشده‌ام، نه خواب «رئیس شدن» را دیدم و نه شرایط لازم را برای دست‌یابی به این مقام دارم، بلکه می‌خواهم به یک سؤال که همیشه برام مطرح می‌شود پاسخ گویم.

خیلی‌ها از من پرسیده‌اند می‌پرسند: تو که این همه درباره کشتی قلم می‌زنی و انتقادی کنی، اگر خودت رئیس فدراسیون کشتی ایران بودی چه می‌کردی؟

این سؤال بظاهر معمولی و بی‌ش بافتاده است، اما پاسخ گوی بی‌ساده نیست و احتیاج به تعمق و بررسی همه‌جانبه دارد.

البته آنچه را که در این باب می‌نویسم، تنها زائیده افکار و تجربیات شخصی است و بهیچوجه انتظار ندارم سائلی را که بصورت پیشنهاد طرح می‌کنم مورد قبول همگان واقع شود و فدراسیون کشتی ایران نیز تمام و کمال بی‌ذریه بلکه می‌خواهم فقط عقاید خودم را برای بهبود کشتی روی کاغذ بیاورم. همین‌ویس.

خانه تکانی

اگر من رئیس فدراسیون کشتی ایران باشم، اولین کاری که می‌کنم خانه‌تکانی درست و حسابی در سازمان و تشکیلات این فدراسیون است. یعنی چندروز درهای فدراسیون کشتی را می‌بندم و بافتاقی تنی چند از کارشناسان و صاحب نظران این رشته دراطاقی در بسته با خیالی آسوده ابتدا مهره‌های اصلی (اعضای هیأت رئیسه) فدراسیون را انتخاب می‌کنم و بعد بفرط طرح جامع کشتی می‌افتم. البته منظور از انتخاب اعضای هیأت رئیسه آن نیست که یک سیاه صدنفری را در کمیته‌های مختلف بگنجانم چون بعقیده من برای اجرای برنامه‌های فدراسیون کشتی ایران حداکثر ده نفر کفایت بمصدق این شعر فردوسی:

سیاهی لشکر نباید بکار
البته کنار نهادن افراد و کوتاه کردن دست آنان از فدراسیون. همچنین قطع کردن حقوق مقرری آنها کار ساده‌ی نیست. چون کسانی که از سراین سفره رنگین رانده‌شوند، راحت نخواهند نشست. طومارها نوشته میشود و دشمنی‌ها آغاز میگردد. ولی اگر رئیس فدراسیون برای برکناری هریک از این افراد دلایل کافی و منطقی در دست داشته باشد و بفرط تصفیه حساب و با جمع‌آوری دار و دسته خود در فدراسیون کشتی ایران

ضمناً باید بگویم که قبلاً بودجه سالیانه این فدراسیون یک میلیون تومان بود و اخیراً به یک میلیون و پانصد هزار تومان افزایش یافته است که به این مقدار ششصد هزار تومان نیز برای انجام مسابقات‌های جام آرپاسهر اضافه می‌شود که مخصوص این جام است.

این درست که بودجه فدراسیون کشتی ایران برای اجرای تمامی این برنامه‌ها کافی نیست، ولی آنچه را باید در اینجا بیان کنم اینست که فدراسیون کشتی از سالیان دور کمتر از سایر فدراسیون‌ها محدودیت مالی داشته است. یعنی علاوه بر بودجه معینی که برای کشتی تعیین شده است، مقامات مسئول این فدراسیون بعنوان مختلف از سازمان تربیت بدنی ایران کمک مالی گرفته‌اند که صد البته ما مخالف نیستیم. همین دو سال پیش که بودجه فدراسیون کشتی ایران سالیانه یک میلیون تومان تعیین شده بود، بیش از یازده میلیون تومان صرف کشتی شد و این بخاطر انجام مسابقات‌های جهانی ۱۹۷۳- تهران و بازیهای آسیائی ۱۹۷۴- تهران و آبادکی بیشتر برای حضور در این مسابقات‌ها بود که سازمان تربیت بدنی ایران دیوار محدودیت مالی را در سال ۱۳۵۲ از برابر فدراسیون کشتی ایران برداشت و نزدیک به ۶ میلیون تومان به این رشته اختصاص داد.

در سال گذشته همه فدراسیون‌ها از خوان رنگین و پر نعمت بازیهای آسیائی نصیبی بردند و فدراسیون کشتی هم مجموعاً بیش از پنج میلیون تومان پول جذب کرد. ذکر این مطلب محض اطلاع بود و اگر در این مورد اعتراضی باشد رقم ریز آنرا چاپ می‌کنیم. این را باید اضافه کنیم که فدراسیون جدید هم لقمه بزرگی برداشته و اگر همین راهی را که آغاز کرده دنبال کند بیشتر از فدراسیون قبلی به پول احتیاج دارد، ولی حاصلش را چه عرض کنم.

صرفه‌جویی

داشتم از برنامه‌های خودم حرف می‌زد که از مرحله پرت شدم... اصلاً بین چه که بیت‌المال کشتی چگونه خرج شده و یا می‌شود؟ تا سلاستی در خیال خود رئیس فدراسیون کشتی ایران هستم و باید برنامه‌های آینده را مطرح کنم. پس برویم سر مطلب.

اگر رئیس فدراسیون کشتی ایران بودم: از تهران دل می‌کندم

قسمت اعظم بودجه فدراسیون کشتی را صرف سرمایه‌گذاری در مناطق صاحب کشتی می‌کردم

سیاهی لشکر حقوق بگیر را از فدراسیون کناری نهادم

از مخارج ۸۴ هزار تومانی پرسنلی می‌کاستم.

گفتم اگر رئیس فدراسیون کشتی ایران بودم پس از ایجاد سازمان مرکزی و کنارت نهادن افراد زائد و فاقد صلاحیت از کادر فدراسیون مخارج پرسنلی را که در سال ۸۴ هزار تومان است و مرتب هم ربه از بدای می‌رود، به حداقل ممکن کاهش می‌دمم و تمام وجوهی را که از راه این صرفه‌جویی بدست می‌آوردم در اختیار هیأت‌های کشتی شهرستانها بویژه مناطق صاحب کشتی مانند خراسان، مازندران، کرمانشاهان، خوزستان، اصفهان و لرستان می‌گذاشتم: البته اگر نام آذربایجان، فارس، سیستان و بلوچستان، کیلان، ایلام... را نیاوردم. دلیل این نیست که در آن مناطق نمی‌توان کشتی را رونق داد و بهره‌برداری کرد.

ممکن است سیستانی‌ها مدعی شوند که چون «رستم» از این خطه برخاسته پس این قسمت از کشور ما هم پهلوون پرور و برای سرمایه‌گذاری در رشته کشتی مناسب است. یا شیرازیه‌ها گله کنند که ما هم محمد علی فرخیان را تحویل تیم ملی دادیم که تا مقام دوم جهان پیش رفت. پس چرا نام استان فارس را جزو مناطق کشتی خیز نیاورده‌ای؟

همه این‌ها را قبول دارم ولی با سرمایه‌گذاری در کویر و صرف وقت برای کشت در زمین‌های شوره زار و لم یزرع آنهم در شرایط کنونی، سخت مخالفم. چون در حال حاضر فدراسیون کشتی ایران نه پول کافی و نه وقت لازم برای این کار دارد. بنظر من باید با صرف پول کمتر نتیجه بهتر و استفاده‌ی بیشتر برد آنهم در زمانی کوتاه. چون فرصت نداریم، زیر حریفان از ما فاصله گرفته‌اند و باید بهتر تربیتی که شده خود را با آنها برسانیم - برای همین است که معتقدم هر چه زودتر «بذر» خود را در زمین‌های حاصلخیز و خوش آب و هوا بپاشیم تا سریع تر نتیجه بگیریم. بعقیده من باید از تهران بیرون روم و بساط خود را در سرزمین‌های پهلوون پرور پهن کنیم. البته منظورم این نیست که کار کشتی را در تهران و شهرستانهایی که از آنان بعنوان مناطق کشتی خیز نام بردم تعطیل کنیم یا بدست فراموشی بسپاریم. بلکه بعکس معتقدم که فعالیت‌ها باید در سطحی گسترده‌تر انجام بگیرد و به همه شهرستانها توجه شود. منتفی بیشتر هم و غم ما فعلاً باید صرف مناطق صاحب کشتی شود.

(ناتمام)

نیفتد و افراد مطلع، خوشنام و دلسوز را بخدمت گیرد، خیلی راحت می‌تواند صفحه‌خافین را بهم‌ریزد و با موقعیت پیش برود. این در شرایطی میسر است که رئیس فدراسیون کشتی ایران بدون در نظر گرفتن سوابق دوستی یا دشمنی، مهره‌های اصلی و همکاران خود را برگزیند و بقیه را مخص کند.

دلیلی ندارد که اگر فلان دبیر یا عضو کمیته و یا کارمند فدراسیون، که در زمان فلان رئیس به همکاری دعوت شده است و از این با بخت حقوق هم می‌گیرد، مادام‌العمر حقوقش پرداخت شود، ولی مریبان زحمت کش شهرستانی حتی دیناری از فدراسیون کشتی ایران نگیرند!

با تعدادی از کشتی‌گیران تهرانی هستند که با استفاده از نفوذ مری خود ماهیانه مبلغی بعنوان حق سفره دریافت می‌کنند که حتی در دوران جوانی بعنوان کشتی‌گیر رده‌ی ملی برای این فدراسیون سودمند نبودند. اما حالا که بازنشسته شده‌اند و می‌توانند دست‌کم بصورت مری یک باشگاه خدمتی به این ورزش بکنند، فقط سرمایه مقرر خود را می‌گیرند و پس. در حالی که در میان کشتی‌گیران شهرستانی افرادی یافت می‌شوند که هم اکنون جزو امیدهای بزرگ تیم ملی جوانان ایران هستند و با درگسنت بزرگسالان نیز مهره‌های پر ثمری از شهرستانها در تیم‌های اعزامی به خارج داشته و داریم، ولی فدراسیون کشتی ایران از خوان بیکران خود هیچ سهمی برای آنها در نظر نگرفته است.

توجه به شهرستانها

اگر رئیس فدراسیون کشتی ایران بودم، پس از انتخاب اعضای هیأت رئیسه و ایجاد یک سازمان اصولی و محکم در مرکز این فدراسیون، بفرط تشکیل هیأت کشتی تهران می‌اندام و یک فرد فعال، علاقه‌مند و با نفوذ را در رأس این هیأت قرار میدادم و براساس تقویم سالیانه و برگذاری مسابقات‌های داخلی تهران، بودجه هیأت کشتی با بخت را مشخص می‌کردم و بقیه پولی را که در اختیار دارم به سرمایه‌گذاری روی کشتی شهرستانها و اجرای برنامه‌های کلی در سطح کشور اختصاص میدادم.

وقتی بدقت اشعار فردوسی را مطالعه میکنیم براحتی روشن میشود که این مرد جامعه شناس بود و در تمام شئون زندگی بشر اطلاعات جامعی داشته و از همه بالاتر اینکه در صحنه سازیها آنقدر مهارت بکار برده که کوچکترین نکته بی از دید تیز بینش پنهان نمانده. او همه چیز میدانسته و هر کس که نام حکیم بر او نهاده بسیار بیجا گفته افسوس و صد افسوس که این استعداد عجیب در زندگی پراز نشیب و فراز از ماجراها و دشواریها دور نماند و با تمام این فخر میکند و میگوید:

بسی زنج بر دم در این سالسی — عجم زنده کردم از این پارسی [

با استفاده از اشعار فردوسی براحتی میتوان فیلم شاهنامه را کارگردانی کرد. باید دانست که توفیق بزرگ فردوسی در محیط و شرایطی بدست آمده که سخت نامساعد بوده است.

آئین های کشتی و پهلوانی در شاهنامه فردوسی



سر زیر بغل — مایه رودست بالادست.

هومان را از زمین کنده و او را برای افت خم میکنند.



کار تماشاست، بیژن بروی هومان خنجر میکشد.



شاهنامه در خانه ما

از آن تاریخ که بخاطر دارم شاهنامه در خانه ما خوانده میشد، گاه بصورت قصه و لالائی برای خواب بردن و گهگاه برای اینکه بتوانیم در میدان کشتی روح جنگندگی خود را بیشتر حفظ کنیم آنرا مرور میکردم و از جمله کتابهایی بود که استادم اجازه خواندن آنها را داده بود و مرا در مطالعه آن ترغیب هم میکرد. من هم با خواندن آن در خور عقل و شعورم صحنه های آنرا در نظر مجسمه میکردم و لذت می بردم. پدرم شاهنامه را از حفظ بود و آن دوستان و نزدیکان که هنوز حیات دارند، گواهند که او چه علاقه بی این شاهکار حماسی ایران را در مغزش جا داده بود.

جشنواره توس

اندیشه و ابتکار بزرگداشت از خدمتگزاران راه و روشی است بسیار پسندیده که نتایج مطلوبی در بر خواهد داشت. وقتی صحبت از فردوسی و شاهنامه او بمیان می آید و اینکه از این نابغه تجلیل شود، ایران دوستان و شاهپرستان و آنها نیکه با این آب و خاک علاقمند و عاشقند بی تاب و بی اختیار آرزو میکنند که بنحوی در این جشنواره شرکت کنند.

کشتی و شاهنامه

در شاهنامه، داستانهایی به شعر در آمده که هر یک شاهکار است. مثلا وقتی هجیان داستان باوح میرسد، سرنوشت قهرمانان داستان را به کشتی می سپارد و نتیجه آنهمه گرو دارها را به نبرد اندیشه و جسم و جان می سپارد. یعنی به تلاشی که کشتی می نماند.

جا دارد که طبقه صاحب کسوت و پهلوانان و کشتی گیران نه تنها با این کسوت افتخار کنند، بلکه بکوشند همانطور که فردوسی با رها برتری خود را در این حسن انتخاب یعنی گل داستانه کشتی در دنیا بشیوت رسانده نگذارند این شیرینی از دست برود.

همه چیز از دیدگاه نیرومندی

فردوسی هر چه را ده میگوید و هر چه را که مجسمه میکند آنچه را که در قوای مخیله میگذارد جاشنی نیرو و دلآوری و مردانگی به آن میزند. او عاشق پهلوانیست. آقدر نیرومندی را دوست دارد که حتی حیوانات قوی را می ستاید. همه جا طرفدار نیرومندیست و از سستی و بیماری و ضعف و زبونی بیزار و فراریست و در هر جا که از پیروزی و قدرت سخن بمیان می آورد ایمان و انسانیت را در سر لوحه آن قرار میدهد.

تسلط فردوسی

فردوسی بخاطر وسعت دانش و آگاهی در همه زمینه ها تسلطی در اشعار و داستانهایش نشان داده که کم نظیر است. مثلا وقتی میگوید:

تبریزین بخود بلان گشته غرق... چو تاج خروسان جنگی بفرق

با کسی تا بل و فکر روشن میشود که فردوسی مردی همه فن حریف بوده و هیچگاه در ادغام کمیت و کیفیت دچار ضعف نمیکشده. مثلا در چاشیکه زمینه بزرگ است میگوید:

ز سه ستوران در آن پهن دشت... زمین شدشش و آسان گشت هشت

و در جای کوچک هم قدرت را از دست نمیدهد و از گسترش میدان عاجز نمیداند، چنانکه میگوید:

کسانها چو با یست بر ساختند... بیدان تنگ اندرون تاختند.

شناخت فردوسی

اسروز فردوسی شناسان از سرتاسر دنیا و ایران جمع شده اند، بنحوی از او یاد میکنند و جزئیات دانستی ها پیش را بیان میکنند. با اینهمه شاید باز او را آنطور که بوده نتوانند بشناسند زیرا آنچه که آنها حدس میزنند از نوشته های اوست. اما آن مقام که فردوسی را در بر میگردد و نام جاویدان او را تشکیل میدهد، بسیار بالاتر و بیشتر از نوشته های اوست. چون میدانیم که شرایط و محیط و زمان با فردوسی باری نکرد و آنچه را که فردوسی بدست ما رسانده از لابلای هزاران سختی و ماجر و برده پوشی ها بوده و از نظر و دیدگاه مردم نیزین شخصیت پنهانی فردوسی دوصدچندان از آنچه که ما میخوانیم و در کمی کنیم والاتر بوده است. لطفاً ورق بزنید



شروع کشتی (هومان سمت چپ با ریش و سیبل)

بیژن اصل فن را نشان میدهد با دست چپ گردن و با دست راست ران راست حریف را گرفته است.

بیژن میخواهد هومان را از زمین بکند، هومان پا را بعقب

میبرد.



فردوسی، پهلوانی و کشتی

پهلوانی از دیدگاه فردوسی انسانیت کامل است و در شاهنامه فناپذیرش به پهلوانی بیش از محسنات و صفات دیگر عشق و وزیده و یکی از صفات مشخصه پهلوانی را آگاهی بر موز و شاهکارهای کشتی دانسته است. این شاعر بزرگ حماسه‌سرا که در تمام زمینه‌ها تسلط کامل داشته کشتی آن زمان را هم استادانه شناخته و هنگامی که در بدقت در صحنه‌های کشتی او می‌نگریم، از حالات و چگونگی تجسماتی که فردوسی کرده، بر ما روشن میشود که او در کشتی چوخه و تر کشتی — که ورزش بومی مردم قلعه‌گام می‌باشد — دست داشته و نکات حساس آنرا هم خوب بیان نموده باز تکرار میکند که فردوسی غنیمتند بر یک پشتیبان معنوی نهائی بوده که پهلوان داستان‌ش را هم از این منبع فیاض بی‌نیاز نمیداند.

مثلاً کشتی رستم با دیوسفید را اینطور وصف میکند:

نهفتن به نیروی جان آفرین
بکوشید بسیار یادردو کین
بزد دست و برداشتن نرهشیر
بگردن برآورد و افکند زیر
امروز برای ما روشن شده است که کشتی‌گران ما حتی باید از یک نیروی معنوی الهام بگیرند و قطعاً بهتر میتوانند رزمندگی کنند و این بالاترین درسی است که ما از مکتب فردوسی می‌گیریم و در مرحله دوم باید پهلوانان بایند اصول اخلاقی و مردانگی باشند.

اصل داستان

حالا بپردازیم به اصل داستان که در شاهنامه نیکه از داستانها نیکه در شاهنامه آمده است (در دوازده رخ) برخورد بیژن از ایران با هومان از سرداران تورانی میباشد. همانطوریکه رسم بوده در گرمترین صحنه‌ها کار به کشتی کشانده میشود:

بدو گفت بیژن که تا کی سخن
کجا خواهی آهنگ آورد کن
بگو که کنایه کنی کارزار
اگر سوزی زید برآرای کار

معلوم میشود که کراف و لاف و رجز در کشتی، در آنزمان‌ها هم بوده و سرداران نامی کشتی‌ها می‌زدند که در اینجا برتری بیژن از لحاظ اخلاقی در صحنش معلوم میشود که میگوید (تا کی سخن) و از طرفی کشتی گرفتن که امروز روی تشک است و جنبه جهانی دارد، در آن تاریخ هم محل و جای مخصوص برای آن مطرح بوده است و میگوید (کجا خواهی آهنگ آورد کن) البته موضوع محل کشتی چوخه هنوز هم متفاوت است. کشتی‌گران مغرور در پی جانمی‌گردند بلکه برای آنها کوه‌دشت یکسان است چه می‌گویند: «ساری حریف خواهیم بود و آنکس که میخواهد زمین بخورد باید بفکر جابا باشد» پس در اینجا بیژن ابتدا میگوید: میخواهی در روی سنگلاخ و کوهستان کشتی بگیریم؟ (بگو که کنایه کنی کارزار؟) و اگر میل داری حرف بس کن و وارد کار بشویم. البته آنطور که از گفتار شاهنامه روشن میشود، اصولاً کشتی به دو نوع بوده یکی کشتی‌های روی کین و خوبی بودن و دیگری بخاطر آحر از برتری و شناخت که با اصطلاح امروز شاید این آخری را تمرین میشود نامگذاری کرد. از گفتار این دو پهلوان معلوم میشود که کشتی جنبه کین و خوبی بودن پیدا کرده بیژن میگوید:

که فریاد رسانا نباشد ز دور

نه ایران گراید بباری نه تور

حالا خوب روشن میشود که بیژن کار کشتی را به کشتن پیشنهاد کرده است که در محلی برویم که هیچکس واسطه نباشد و ما را بازی نکند و دلگرمی در کار نباشد، بلکه تن به تن بکنیم. از این جا معلوم میشود آن زمان‌ها هم تماشاگران و طرفداران تولید ناراحتی میکردند. باین جهت از کشتی دو کوه خودداری میکنند و پشت می‌روند و در اینجا میشود تعبیر کرد که در کشتی‌های سرداری اصولاً محل مناسب کاملاً مراعات میشود که باید نرم‌وصاف و بدون پستی و بلندی باشد چه می‌گوید:

برفتند چند آنک اندر زمین
ندیدند جای بی آدمی

در این بیت جای بی آدمی دو مفهوم دارد. یکی در جاییکه هرگز پای آدمیزاد نرسیده و دیگر آنکه محل صاف و نرمی باشد که اگر آدمی از آنجا عبور میکرد جای پای او معلوم میشد و باین سبب محل مناسبی بود برای کشتی گرفتن دو سردار در ضمن، کشتی گرفتن پنهانی و دور از چشم دیگران در بین پهلوانان قدیم و امروز مرسوم بوده. چه پهلوان اکبر خراسانی در باغهای تجریش با پهلوان جعفر کشتی میکرد و پس از مدتی سر پهلوان جعفر بدرخت میخورد و میشکافت. البته هدف از اینگونه زور آزمایی‌ها بیشتر ارزیابی پهلوانان از یکدیگر برای روز میدان و روز کشتی رسمی و یا «کین» بوده است ولی کشتی‌گران بیژن و هومان — که از میدان نبرد به نجاتگاه کشیده میشوند — کشتی کین بوده‌است.

نهادند پیمان که با ترجمان
نباشند در خیرگی بدگمان
البته این بیت شعرا را باین صورت هم نقل کرده‌اند:

زماهر که باید رهائی جهان
نگردد بدل کینه با ترجمان
بدان تابد و نیک با شهریار
بگویند از این‌گردش روزگار
که کردار چون بودو پیکار چون
چه زاری رسید اندرین دشت خون
در این سه بیت شعر، دنیائی مطلب نهفته است وقتی در روز اول بیژن میخواهد عزم نبرد کند، بهر همد خود یک مترجم می‌برد ملاحظه میفرمائید که فردوسی تا کجاها بکار خود اصالت و بدیدگسترده میدهد و وقتی صحبتها تمام میشود و برای نبرد فردا را انتخاب میکنند، در روز بعد هومان بکفر مترجم بسراغ بیژن میفرستد تا او را دعوت

به کارزار کند و میدان را همنائی نماید وقتی رو برو میشوند. از اشعار برمی آید که دو نفر مترجم در کار بوده است و برای اینکه پس از کشتی نسبت به مترجم‌ها آزاری نشود عهد و پیمان میکنند که:

زماهر که باید رهائی جهان
نگردد بدل کینه با ترجمان
پس معلوم میشود ترجمان و مترجم دو نفر بوده‌اند. چه میگوید هر کدام از ما فاتح شدیم به مترجم دیگری کینه نوزیم. این یکی از موضوعات عملیه بود که روشن شد.

در این اشعار موضوع داور از نظر تاریخ کشتی در ایران و اینکه چگونه در آن دوران قضاوت میکردند حائز اهمیت است و از طرفی باید دانست که در آن دوران کشتی اعم از دوستانه با کین در چهار چوب رسه و آئینی بوده است و از همه بالاتر فرد صلاحیتدار و برجسته یعنی تنها گیرنده بزرگ اخبار، سلاطین و شهبانان بوده‌اند که باید از چگونگی امر و قضاوت و حقایق با اطلاع میشدند که در اینجا باین صورت نمایان میشود:

بدان تابد و نیک با شهریار
بگویند از این‌گردش روزگار
(در این شعر کلمه «بگویند» باز جمع است یعنی منظور دو مترجم بوده‌اند البته انجام نبرد بصورت مطلوب انجام گرفته و یا نامردی در کار آمده است در هر صورت باید هر یک از مترجمان بروند و گزارش امر را به شاهان خود بازگو کنند.
که کردار چون بود و پیکار چون
چه زاری رسید اندرین دشت خون
در اینجا باز همانطوریکه سیره اخلاقی فردوسی است، کردار مقدم و پیکار بعد آمده است و خوب روشن میکند که در چهار چوب آداب و رسومی روشن کشتی گرفته‌میشه است البته پس از یکسوته پیکار مقاماتی.

بگفتند و زبانی فرو آمدند
ببند زره بر کمر بر زدن
مختصراً گفتیم که فردوسی همه فن حریف بود و این را باید همیشه بخاطر بسپاریم. در اینجا هم استاد عجله نکرده و فوری این دو پهلوان را درگیر نکرده است بلکه بهینه گفتارش را بدقت زیر نظر دارد و صحنه را فراموش نمیکند مثلاً موقع سواری تنگ اسب باید محکم بسته شود بخصوص هنگام نبرد و تلاش و تقلا خارج از اندازه. پس هر دو را از اسبابان پائین بی آورد و تنگها را سفت کرده و بند زره را بکمر سفت میکنند و خود را آماده یک زور آزمایی و نبرد مرگ آنا میکند و حالت این حرکات بسرعت انجام میگردد زیرا چگونگی اجرای خود این حرکات اثر روانی روی طرف محاصم دارد.

یکی بر کشیدند چون سنگ تنگ
چو بر باد پاهای بستند زمین
اول فردوسی بهتر از هر کارشناس و متخصص حیوان شناس بوده و به روحیه و صفات و کردار حیوانات آشنائی داشته و آنها را بهمان صفات ستوده است چه اسبهای جنگی و تعلیم دیده در کار جنگ بی تأثیر نبوده و در پیروزی و شکست سهم بوده‌اند ولی در اینجا اسبها بدست مترجمان سپرده میشود دل دو دلارو مالامال از کین و خشم و خود را آماده بهین جهت اشاره به کشتی از روی کین «میشود باز زور آزمائی بیکاره شروع نمیشود بلکه هزاران سال پیش فردوسی به گرم کردن بدن پیش از درگیر شدن اشاره میکند و صحنه را بستنی درجه زیبایی جلوه گرمسازد.

بیدان تنگ اندرون تاختند
کمانها چو باست، بر ساختند
چپ و راست گردان و بیجان عسبان
همان نیزه و آب داده سنان
وقتی که مانند یک صحنه گردان خود را موقی می بیند در چهار کلام دنیائی را مجسم میکند، می‌رود روی حالات کشتی‌گران و سرداران رزمنده تا برای امروز ما چیزی باقی نگذارد. در اینجا در این بیت شعر درنسخه گوناگون شاهنامه تغییراتی چشم می‌خورد که در معنی یکی است در هر صورت ووشگر پیکار جوئی فردوسی است

زبان‌شان چو شیراز تیش مانده باز

و یا: دهن خشک و از تشنگی مانده باز

و یا: دهنشان همی از تیش مانده باز — باب و باسا پیش آمدن باز

پس آسود، گشتند و دم بر زدند — بر آن آتش تیزم بر زدند

بیشید در هزار و اندی سال پیش فردوسی حالات کشتی‌گران و جنگندگان را چه خوب برای ما روشن نموده و معلوم میدارد که در کشتی آداب و رسومی در کار بوده و وقتی امروز در کنار تشک آب بصورت و بدن کشتی‌گران می‌زنند باید بدانییم قرن‌ها پیش ما ایرانی‌ها باین روش آشنائی داشته‌ایم

بر آن آتش تیزم بر زدند

آنگاه فردوسی می‌رود برای وقت دوم:
بر آمد خروشیدن رستخیز
پس برگرفتند و شمشیر تیز
درد بروان فردوسی در تشبیه‌اش همه چیز را جعفر زبیا در نظر گرفته است
چو سیرق درفشان که از تیزه‌منه
همی آتش افروخت از هر دو تیغ
نید دسترسشان بخسوں رختن
نشد سیر دلفشان ز آویختن
دو دلارو هنوز کاری از پیش نبرده‌اند ولی از پیکار هم دست نمیکشند زیرا یک سردار باید بنام اصول جنگ آوری آشنائی داشته و در آن استاد باشد تا حریف را بخاک و خون بکشد.

عمود از پی تیغ بر داشتند
از اندازه پیکار بگذاشتند
و پس از زد و بدل کردن وسائل جنگی از تیر و کمان و کمند و زوبین و عمود، کار به کشتی سواره میکشد در تمام صحنه‌ها همه چیز در جای خودش آماده و مرتب است و کارگردان براحتی میتواند فیله مورد نظرش را تهیه کند.

کسبر بندگردد کرازور بیش
ر باید ز اسب افکند خسوار پیش

ز نیروی گسردان دوال رکیب
همیون نگشتند ز اسبان خدا
از اسبها کنه نشدند اما آفتدر تلاش کردند که بندها و رکابها پاره شد و تلاش
و تقلا یجده نتیجه نگرفتند
و چون نتوانستند سواره کاری از پیش ببرند، بدون فوت وقت و صحبت از اسبها
فرود آمدند.

پس از اسب هر دو فرود آمدند
شاعر فراموش نمیکند که دو نفر بنام مترجم در این صحنه حاضرند و آنها را هم
یکبار میبیند و در زمین اینکه باید دوری بکنند اسبها را هم باید نگاه دارند.
گرفته بدست اسبشان ترجمان
دوچنگی بگرداز شیر دمان
بدان ماندگی با سرخاستند
بکشتی گرفتن بیاراستند

ز شبگیر تا سایه گسرد شید
از این بیت سه شعر سه موضوع را باید در نظر بگیریم که تا اندازه کشتی در فصول
مختلف و در ساعات معینی انجام میگرفت و دیگری اینکه منظور از دوخونی همان نکته بی
است که ما امروز به قهرمانان مرتب متذکر میشویم که باید کشتی گیر در کشتی پای
مرگ بزنده و اگر کشتی گیر بخواهد کشتی را با تعارف برگرداند یا بخواهد است و سوم اینکه
معلوم میشود که این کشتی، کشتی قدری بوده و کار و فن زیاد ردویدل شده است که
گاهی این و گاهی آن خوشحال میشدند. با اشاره میشود به خشکی و وقت دیگر.

دهن خشک و غرقه شدن تن در آب
از آن پنج و نیاپیدن آفتاب
ابتدا دهن خشکی را آورده که مسلماً برای یک کشتی گیر نامدار در اثر هراس و
نام و ننگ خشکی دهن وجود می آید ولی اگر صحبت از تن در آب میکند منظور شایسته
که یک پهلوان ورزیده نباید بدش آفتدر آب و عرق داشته باشد ولی ناپیدن آفتاب و
حرارت و گرمی روز را دلیل میآورد. در وقت دوم در کشتی بیژن و سویان فردوسی میگوید:

وزان پس بدسوزی بگذر
برفته هومان سوی آبخور
معلوم میشود یکی از شرایط محل کشتی بودن چشمه آب بوده که در کشتی رستم
و سهراب هم اشاره بآب میشود و مخصوصاً اصطلاح آبگیری هنوز متداول است که
بهنگام استراحت از آب استفاده میشود.
حکیم میخواهد صحنه را بسود بیژن بیابان برساند و مکتب فردوسی اینطور را هنمایی
میکند.

بخورد آب ویرخاست بیژن بدر
ز دادار نیکي دهنش یاد کرد
اصولاً نباید ایراد بگیریم از نوشیدن آب چنانکه درین راه و تلاش کمی آب نوشیده
شود بی زیان خواهد بود. پس بیژن در اینجا کمی آب مینوشد و ما هم امروز بقهرمانان
در کنار تشک کمی آب میدهم.

فردوسی در نیمه دوم میروند دنبال مکتب بیروزی که در آن عقیده به یک نیروی
معنوی دارد و بیژن را متوسل به بزاد میکند. چه میگوید، (ز دادار نیکي دهنش یاد
کرد) در این صحنه فردوسی میسازد که هومان بر بیژن میچربیده و برتری داشته ولی با
این توسل ورق بر میگردد ولی بالاخره باید مستمسکی در کار بوده باشد تا فردی بتاخریه
در برابر نوبائی مغلوب شود. در اینجا درباره حال بیژن چنین میگوید:

تن از درد لیزان چو از باد بید
دل از جان شیرین شده نا امید
البته منظور این درد ضمن سنگین بودن تلاش شاید همان درد تعصب و غیرت
است که بارها بیان اشاره شده است. استاد با این بیت شعر چگونگی حالات و روحیات بیژن
را بخوبی مجسم کرده است و او را تا دم مرگ برده و گفته است: (دل از جان شیرین شده
نا امید) و بیژن در آن حال زار بخداوند متوسل میشود و میگوید:
به بزادن چنین گفت کی کردگار
اگر دادایی همی چنگ ما
زمین کسب امروز توش مرا

حکیم در اینجا دیگر مطلب را با وج میسازد و واقعاً چیزی را بسهم باقی نمیگذارد.
چه وقتی بیژن از کم و کیف آگاه میشود و میفهمد که بیروزی او با آمادگی و فن و بند مقدور
نیست و از طرفی برای اینکه فردوسی اطلاعات خودش را رسانده و روشن کند که مسائل
را چقدر عمیق میشناسد، در اینجا اشاره میکند به اینکه «نگهدار بیدار هوش مرا» هوش
و ذکاوت بزرگترین حربه برای کسب موفقیت است و بیژن از خداوند میخواهد که
نیروی فکر و اندیشه اش را توانا فرماید. ما هم که بیرو مکتب فردوسی هستیم، باور
داریم که پهلوانان باید افرادی با ایمان و باخرد و هوش باشند تا با ادامه بیروزی
نام آور گردند. پس بیژن در این آبگیری و در وقت دوم متوسل به خداوند میشود اما
هومان:

چرخسته هومان بیامد چو زاغ
بدان خستگی باز چنگ آمدند
زیژن فزون بود هومان بسزور
هوز که هنوز است بعضی عقیده دارند که کشتی و نتیجه آن تا اندازه استیگی به
بخت و اقبال هم دارد. این نایفه برای اینکه برساند همه چیز را میداند در اینجا میگوید
(هنر عیب کردد چو برکتش هوز) و ما امروز میگوئیم بدیاری و یا بد اقبالی در قرعه.
فردوسی بجای فن «بند» میگوید و البته صدها سال بعد سعدی از «فن» استفاده نموده
و جنبه هنر به آن داده ولی در زمان فردوسی هنوز کشتی در حالت خشونت و خطر بوده که
استفاده از (بند) نموده است و در کار کشتی بیژن و هومان روشن واضح میگوید:

زهرگونه زور آژسودند و بسند
فراز آمد آن بند چرخ بلندند
چقدر زیبا و چقدر ساده میگوید که فن و بند نتیجه داد که چرخ بلند و خداوند

میخواست .

نتیجه

بزد دست بیژن بسان پلنگ
ز سر تا میانشن پیازید چنگ
اینجا باید فوق العاده دقت کنیم تا بهتر نتیجه بگیریم. پس از آنکه بیژن فتن کرد
که کمتر است و متوسل شد و خداوند او را بکیمک اقبال که او هم مخلوق خداست و
هوش و خرد آتوقت میگوید: «بزد دست بیژن به سان پلنگ» پس دست در کار ویز نبوده
و گردن داشته و یکبار ه میگیرد و برای گرفتن از سر تا میان وقت میگذرد و این دست با روشن
شدن در بند بعدی دست چپ بوده و که از روی گردن شاید هم به شال کمر متقابل بوده
بصورت خیمه و یا دست راست میروند برای زان و بصورت همان یکدست و پا با استفاده
از دست چپ از سر و گردن که کاملاً این فن امروز در دنیا متداول است و پس از تعریف،
تمام اهل فن خوب میتوانند مجسم کنند و در عکس نشان داده شده است اما اصل شعر
گرفته شیب چپ کردن و راست و راست و خم آورد پشت هیون گسردان
حالا خوب میتوانیم مجسم کنیم زیرا فردوسی کار را تمام نکرده بلکه اشاره میکند
در اثر فشار به نزدیک شدن سر و گردن به ران در نتیجه پشت هومان کاملاً خم میشود
پس میگوید:

بر آوردش از جای و بنهاد پست
سوی خنجر آورد چون با دوست
حالا او را زمین زده و باید او را بکشد و از خنجر کی همراه داشته استفاده میکند.
پس سرداران اجازه داشتند تا در هنگام کشتی از خنجرهای سبک استفاده کنند و این
حمل بر سر کشتی از مقررات درباره رستم نشود. در ضمن معلوم میشود که باید این کار
مثل برق صورت گیرد و در این زمینه هم در کشتی رستم و سهراب مطالبی است که باید
بعرض برسانم.

فردوسی برای اینکه بتواند اشعاری با این روشنی بگوید که ما امروز با این خوبی
بفهمیم قطعاً باید در اینگونه صحنه، شرکت می جسته و آگاهی کامل پیدا میکند که
این خود دلیل بر قدمت کشتی بصورت ورزش ملی ایران است.
اما بیژن

بیژن پس از این پیروزی تاریخی چنین میگوید:
شگفت آمدش سخت و بر گشت ازو
توی تو که جز تو جهاندار نیست
سرازمین هنشر سرسب بهره نیست
فردوسی بلیخواهد بگوید که با این پیروزی بیژن مغرور نشده و خود را بسیار کوچک
و ناتوان جلوه داده است.

از جیب الله بلور

**جوانان گمرك ، قهرمان
جام وليعهد اهواز شد**

و سرباز در حالی آغاز کردند که اغلب
بخت پیروزی را به مرگ میدادند. داور این
بازی ، خفلی (داور تازه بمیدان بازگشته
اهوازی) بود که از جانب اهل یرف « و
شکرخدايي » یاری میشد .
«گمرك» از همان آغاز سعی در گشودن
دروازه حرف داشت . واكتش سرباز در این
دقایق هجومهای گروهی خط سبانی و باران
مهاجم این تیم بدروازه گمرك بود .
کل گمرك از نفوذ علی نظربور کاپیتان
این تیم از جناح چپ با پاس خود روی
دروازه پایه گذاشت که مسعود محبوی
در شرایط عدم کنترل کافی ، توپ را وارد
دروازه سرباز نمود .

این گل را سرباز در دقیقه هجدهم
نیمه دوم جبران نمود و این زمانی بود که
دفاع گمرك در نگهداری توپ در جلوی
دروازه مساجت زیادی بخرچ داد و این باعث
شد که «امیرلو» هابیکرت پرتلاش سرباز
صاحب توپ شود و شوت عالی او از بیرون
محوطه جریمه کوچکترین بختی برای
دروازه بان گمرك باقی نگذاشت و سرانجام
تعیین قهرمان به ضربات سرنوشت ساز پنهانی
کشد که گمرك که چهار گل توسط نظربور
کلید کور ، محمدیان ، سامانی و بازاری در
مقابل پنهانی های رئیس و امیرلو از سرباز
با نتیجه کلی ۵ به ۳ به پیروزی رسید و
فاتح جام و الاحضرت و لاتمهد اهواز گردید.

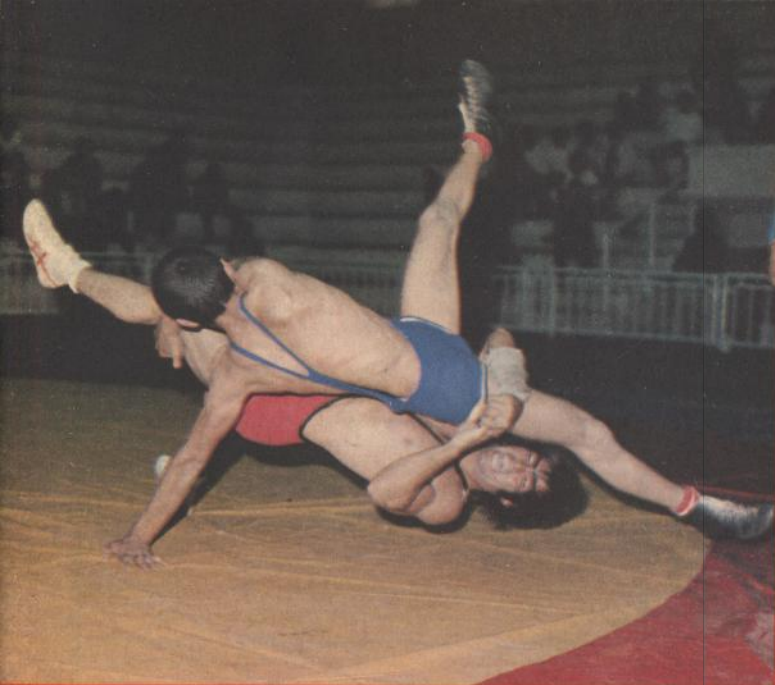
**اهواز . مسابقه های فوتبال جوانان .
جام و الاحضرت و لاتمهد شهرستان اهواز ،
سرانجام پس از ۳۳ روز با انجام ۶۶ مسابقه
با پیروزی تیم جوانان گمرك خاتمه پذیرفت .
در این مسابقه ها شاکردان دهمردی
که از سال گذشته سوادی برتری در فوتبال
اهواز و خوزستان را در سر می پروراندند با
قدرت و سزآوری قهرمان شدند .**

حریف دیدار نهائی تیم جوانان باشگاه
سرباز بود که هر چه مسابقات جلوتر میرفت
چهره های دلنیز تر بچخود میگرفت و سرانجام
در آخرین دیدار آنچنان استوار ظاهر شد که
جای کوچکترین تردیدی از قدرت خویش
باقی نگذاشت .

چهره های درخشان این مسابقه ها
صرفنظر از گمرك ، تیمهای فاخری و
ایرانگاز اهواز بودند که هر دو بصورت
دسته های آزاد اداره میشوند . این دو تیم ،
بخصوص ایرانگاز که سال گذشته نیز
خوش درخشیده بود . اسنال هم قدرت
چشمگیری نمایش گذاشت .

**فشرده گی رقابت تیمهای حاضر در
یکپوهرم نهائی بعدی بود که اغلب نتیجه
مسابقات را ضربات پنهانی تعیین میکرد و از
جمع ۸ مسابقه برای تعیین تیم های اول تا
چهارم پایان به بازی به پنهانی کشید .
بهرحال دیدار نهائی را تیمهای گمرك**

بازتاب دیدارهای کشتی گیران



▲ این تصویر اجرای یک فن را بصورت نادرست نشان می دهد. برتضی اسدوار که برهنه فریزر بتن دارد روی نقش بند، از قم فن کنده را اجرامی کند. ولی چون بهنگام اجرای این فن به مسئله «اهرمی» توجه نکرده، خود حتی بخطر افتاده است. این دیدار در چهارجوب مسابقه های انتخابی کشتی آزاد جوانان در تهران برگزار شد و بسود «اسدوار» پایان یافت.



غلامرضا قصاب با اجرای فن بارانداز احمدرضا محمدی را بهخطا طره انداخته است این دیدار باضریه فنی بسود قصاب تمام شد. ▼

▲ تیم خوزستان در مسابقات ایلام دوچهره طلایی داشت که غلامرضا قصاب (راست) و محمدرضان زاده بودند.

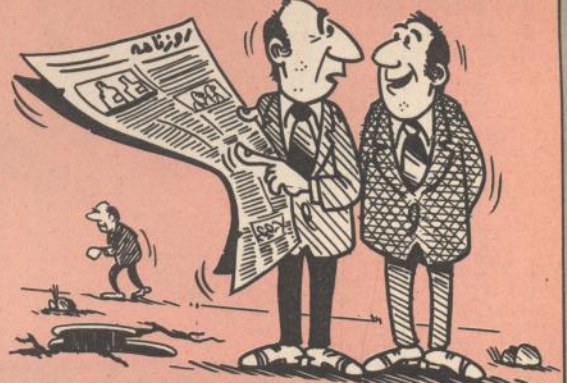


▲ لرستان باید به وجود این کوچولو افتخار کند. ناصر اسماعیلی پس از تولدی درخشان در مسابقه های قهرمانی جوانان (بابل) در مسابقه های قهرمانی بزرگسالان (ایلام) نیز مقام قهرمانی را تکرار کرد.

شوخیهای هفته

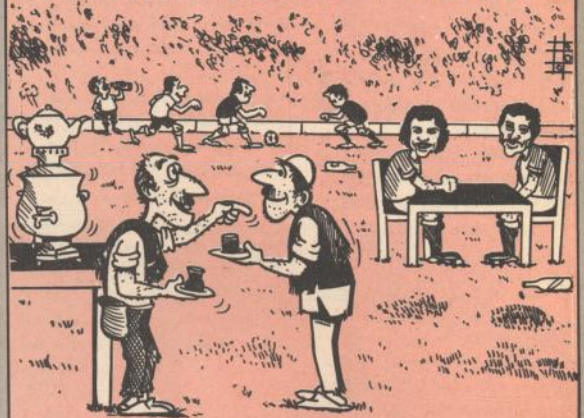
از
عبدالله نیا

مشروبات الکلی از لوازم ورزشی راحت تر وارد میشود.



چرا میدان مشروبات راحت تر وارد بشه؟
— واسه اینکه مردم سوبیره به عالم هیروت و دیگه ازگرونی، عوارض و ترافیک بونه نگیرن!!

در بازی جام فوتبال ایران از طرف حاشیه نشینان مرتباً نوشابه و آب به بازیکنان میرسید.



— میباشسن، این دو تا چایی رو هم بده عزیز و مسیح نیا، شیشه خالی رو هم جمع کن
واسه نیمه دوم!!

اکثر بچه ها بعلت نداشتن زمین برای بازی، زمینهای خیلی سخت را هم برای زمین بازی صاف می کنند.



— ابربان این زمینتون رو نمیسازین؟
— چرا جونم، منتظرم بوجه ها به هوای فوتبال صافش کنن!!

۱- بچه های تیم زئیر مرتباً نوشابه مصرف میکنند.
۲- نوشابه در تهران کمیاب است.



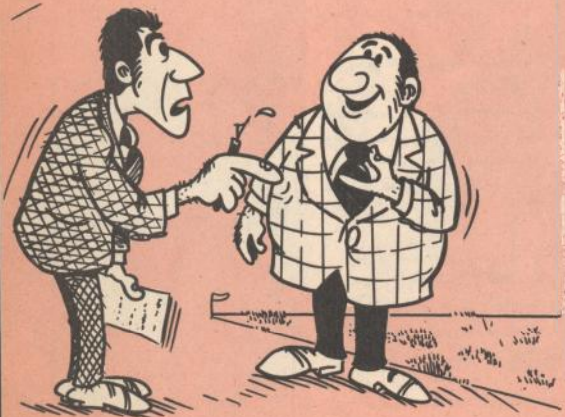
زئیری: باها چرا استوداری سیزی؟!
— حتما تقصیر شما هاس که نوشابه بگیر ما نمیداد!!

« اوفارل ماهی سی هزار تومان حقوق می گیرد »



— اینها هم فوتبالیان که آورد بشون اردو؟
اوفارل: نه اینها رو آوردم سرمایه بولم رو بشمرن!!

زمین شطرنجی که یک شرکت انگلیسی مجانی ساخته بدرد بظهور نیست.



— این چه زمین بازی که واسه ما ساختین؟
— اسب پیش کشی رو که دیگه دندونشون می شمرن!!



په‌له مؤنث!

سروراید جامائیکا، در تیم فوتبال بانوان (بن) توپ میزند.
بیورلی: من قبلاً عاشق په‌له بودم، ولی از وقتی په‌له پولکی شده عاشق گوتترنترز شده‌ام، ولی البته نه عاشق طرز بازی او.

وقتی یازده ساله شد، پدر و مادرش، شش برادر و چهار خواهر دیگر او را برداشتند و به لندن مهاجرت کردند.

په‌له مؤنث اعتراف کرده است: «من از همان وقت‌ها عاشق فوتبال بودم و توی کوچکی با پسرها فوتبال بازی میکردم». بعد از تمام کردن دوره دبیرستان، دو سال به مدرسه تنیس رفت و در این باره گفت: «میخواستم، تنیس باز حرفه‌ای شوم، و یک‌عالم پول گیر بیارم!» ولی در اتنای تمرین تنیس، در باشگاه فوتبال (آرسهام) واقع در یکی از محله‌های شمال لندن نیز عضو شد و تمرین فوتبال کرد.

دو سال قبل همراه تیم بانوان آرسهام برای مسابقه با تیم بانوان بویاخ (از حوالی ساربروکن) به آلمان رفته بودند. «از آلمان و آلمانها فوری خوشم آمد و تصمیم گرفتم. تعطیلات آینده‌ام را در آنجا بگذرانم» ولی رفتن به این تعطیلات، رفتنی بی بازگشت بود و په‌له خانم برای همیشه در آلمان ماندنی شد!

اشترن نوشته است: «از همان وقت تیم بانوان بن این سروراید سیاه را تصاحب کرد و او را اقتدر در جمیع جواهرات خود گذاشت تا (بیلی کراهه) سرسید، او را کشف کرد و زیر بال و پر گرفت»

بیلی کراهه یکی از پرو با قرص‌ترین طرفداران فوتبال میان زنانست. تیم زنان بن تنها به همت او شکل گرفته و تا کنون دوام آورده است. او گفته است:

«من ششم زیادی در کشف استعدادها. های تازه دارم. اعضای تیم بن را یکی یکی دست چپ کرده‌ام، په‌له مؤنث کل سرسید

گرد مولر توپچی تیم ملی فوتبال آلمان روزی گفته بود: «زنها به تنها جایی که تعلق ندارند، زمین بازی فوتبال است. چه بهتر که آنها به مردمنت بگذارند. و از پشت اجاق خوراک-پزی آشپزخانه شان تکان نخورند.»

ولی اگر همه شوتهای مولر توپچی توی دروازه جا گرفته، شوت اخیرش - که به نظر زنها نوعی (در فتشانی قرون وسطایی) است - خطا رفته، و ضمناً (بیورلی رنجر) فوتبالیست سیاه و خوشگل جامائیکایی را به پاسخکوئی واداشته، بیورلی به خبرنگاران گفته:

«خودم خوب میدانم که اشاره مولر به من بود. ولی بهتر است او بداند که من آشپزی اصلاً بلد نیستم، و در ذائقه من فوتبال خوش طعم تراست!»

مجله اشترن نوشته است: «با توجه به پاسخ بیورلی رنجر، معلوم میشود مولر وقتی اظهار عقیده کرد که هیچ فکر نمیکرد یک فوتبالیست زن بتواند این گونه اشتها آورو خوشمزه باشد، مولر ناچار است قبول کند که دنیا عوض شده است و فوتبال دیگر خاص مولرها نیست»

بیورلی رنجر، معروف به (په‌له مؤنث) - که در (کینگستون-تاون) بدنیا آمده است فعلاً جزو تیم بانوان (اس-ک-بن) پایتخت آلمان غربی بازی میکند و تیم بانوان بن در سایه کوششی او، در میان تیمهای بانوان آلمان مقام اول را کسب کرده است. او یک دختر خوشگل، ورزشی و شکلاتی رنگ است.

سروراید سیاه در جمیع جواهر (بن) بیورلی رنجر ۲۲ سال قبل در یکی از خانواده‌های پراولاد جامائیکا بدنیا آمد،

من با توپ میرقصم. و برای اینکه این رقص خیلی حساسی باشد حرکات په‌له را بدقت نگاه می‌کنم و سعی میکنم تمام فوت و فن‌های او را بکار بندم.



من است» کراهه، یک قرار داد خصوصی با بیورلی امضاء کرده و بموجب قرارداد تعهد کرده (سروراید خوشگل) را در خانه خود بگذارد، خرج خوراک، پوشاک و تمرین او را تقبل نماید و ماهی ۱۰۰۰ مارک (۱۸۰۰ تومان) نیز بعنوان پول توجیبی به او بپردازد. بشرطی که په‌له اهل جامائیکا، برای او فقط شیرین بکارد و هی گل بزند!

آقای کراهه گفته است: «بیورلی بجای دختر من است و برای او آینده درخشانی پیش بینی میکنم» و بیورلی در باره کراهه گفته:

«رفقا آقای کراهه با من، مثل رفتارشان با یک دختر بچه است. ما در دهکده‌ای واقع در سی کیلومتری بن زندگی می‌کنیم. دهکده محل اقامت ما، ساکت و آرام است، در آنجا، کاری جز این ندارم که بنشینم، کتاب بخوانم یا موسیقی گوش کنم. هفته‌ای سه روز به اتفاق سایر اعضای تیم تمرین دارم، گاهگاه نیز به سینما یا دیسکوتک میروم»

بیورلی آلمانی را روان حرف میزند و معنای متلک‌هایی را که مردها بسویش می‌پرانند خوب میفهمد.

خودش گفته است: «در زمینه مرد، آب و هوای روستا به من سازگارتر است. زیرا جوان روستایی هنوز به رومانیتسم احترام میگذارد، هنوز برای عشق فرصت و مهلت قابل میشود. حال آنکه جوان شهری، بعضی آشنا شدن با یک دختر، چنان میخواهد زود به مقصود برسد که فرصت نمیدهد، دختر از فتنجان چایش حتی نخستین جرعه را بنوشد!»

عاشق گوتترنترز بیورلی گفته است: «در هر مسابقه، مدافعان تیم حریف همیشه مرا میپایند و همیشه دست کم دو-سه نفر آنها را در اطراف دارم. حریفان من بسیار بیرحم و ناقلا هستند و سعی دارند برای از پا در آوردن من به ساق پایم ضربه وارد آورند. به همین سبب من هم با گذاردن ضربه در جواب ساقهایم را تا حدی از شر ضربه‌های لگد حریف مصون میدارم.

من با حریفان خشن خود مدارا میکنم. اولین خطا و خشونت را زیر سبیلی در می‌کنم، بهنگام دومین خطا به طرف چشم غره می‌روم و بدو ویرانه می‌گویم و بهنگام خطای سوم به او مشت گره کرده نشان میدهم. تازه آنگاه است که حریف حد خویش را می‌فهمد و سعی میکند بیش از آن پا روی دم من نگذارد!»

بیورلی اعتراف کرده است: «قبلاً عاشق په‌له بودم ولی از وقتی په‌له پولکی شده، نظر من هم نسبت به او تغییر کرده است. در حال حاضر کشته و مرده گوتترنترز هستم، ولی البته نه فقط کشته و مرده روش بازی او»

بازتاب رویدادها



آلفرد واسکالرا از پورتوریکو بعد از پیروزی بر کوبا کی‌شی با ناآزایی (قهرمان نیم‌سیک‌وزن جهان از نظر شورای جهانی سشت‌زنی) بردوش مغلوب جوانمرد خوشحالی میکند و بازوها را باز کرده است. او بازای درآوردن شی‌باتا در ۲/۵ دقیقه از دور دوم قهرمان جدید این وزن شد.

شکستی را در مسابقات بین‌المللی دوومیدانی سوئد بدست آورد و بر رکورد جهانی بن‌جیب‌شو کئبانی خط کشید.

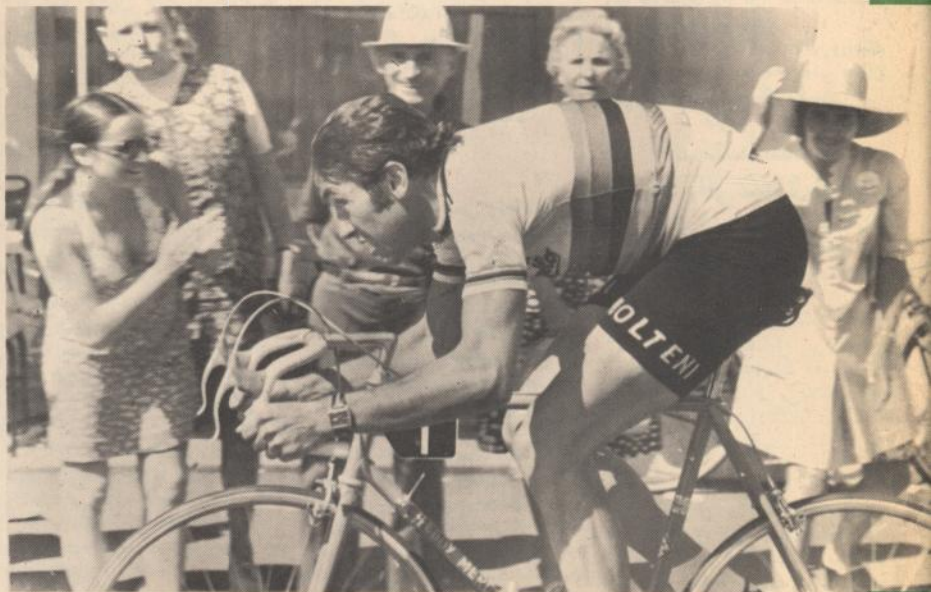
آندره‌گارد رود دونده سوئدی شکستن رکورد جهانی ... ۳ متر با مانع خط پایان رسیده است. او این رکورد

پره‌فوتن در حال مستی کشته شد

جامعه ورزش آمریکا بخاطر کشته شدن (استیو پره‌فوتن) ۲۴ ساله، نفر چهارم مسابقه‌های دو المپیک، بهترین دونده دو ... ۱۰۰۰ متر جهان در سال ۱۹۷۴، هفته گذشته سوگوار شد. پره‌فوتن در سانحه اتوبیل کشته شد.

دراثنای کالبدشکافی جسد، معلوم شد که قربانی حادثه، بهنگام رانندگی مست بوده چون ۱/۴ پرومیل الکل در خونتش مشاهده شده است.

پره‌فوتن در حادثه ضمن شرکت در جشن ورزشی، در یک مسابقه دو ... ۵۰۰ متر اول شده بود و آنگاه در ضیافت جشن برای همان مسابقه مشروب فراوان نوشیده و در وقت شب مست به سمت خانه حرکت کرده بود. اعلامیه پزشکی مرکز پره‌فوتن را ناشی از شکستگی گردن، و قفسه سینه اعلام کرده است.



دیده میشود که با کسب مقام اول و خلق بهترین زمان ممکن، پیراهن طلایی را بر تن دارد.

↑ ادی مرکس دوچرخه‌سوار بزرگ بلژیکی باز از چهره‌های بزرگ مسابقات دور فرانسه بود. اینجا او در مرحله ششم

گفت‌و‌گفت ز ستاره

وقت نداریم!

خیلی از ورزشکاران از این بابت که وسیله و مربی ندارند ناله‌مند هستند ولی دوچرخه‌سواران شاهی، هم وسیله دارند و هم مربی و تنها چیزی که ندارند مسابقه است.

هروقت به مسؤولان تربیت بدنی مراجعه می‌کنیم و تقاضای کمیاب برایمان مسابقه‌ای ترتیب دهند، فقط یک جواب می‌شنویم: «وقت نداریم!» و تنها به همین دلیل اسمال مسابقات دوچرخه‌سواری استان انجام نشد و وقتی سؤال کردیم پس تکلیف ما دوچرخه‌سواران — مدتها زحمت کشیده و تمرین کرده‌ایم — چیست جواب دادند: «هیچ! قهرمان سال گذشته را در مسابقات قهرمانی ایران شرکت خواهیم داد!»

شاهی — محمد شهناز نادری

مشکل کمبود جادو باغ شمال

ورزشگاه باغشمال تبریز حداکثر ۱۲ هزار نفر گنجایش دارد ولی در بعضی مسابقات بالای ۳۰ هزار نفر به آن هجوم می‌آورند. بطوریکه در بازی پرسپولیس و تراکتورسازی ۳۵ هزار نفر شاهد کتک خوردن یکدیگر بودند!

میخواهم سؤال کنم: با این ورزشگاه چگونه می‌خواهید مسابقات نهایی فوتبال جام ولیعهد را در تبریز برگزار کنید؟

تبریز — غ. سمندر نوپور

وسيله كافي منهاي فعاليت

دانشسرای راهنمای تهران با اینکه وسائل ورزشی اندازه کافی در اختیار دارد، در سال گذشته کمترین فعالیت ورزشی نداشته است.

لا بد خواهید گفت که بی‌علاقگی دانشجویان سبب شده است که مسابقه‌ای برگزار نشود ولی من این بی‌علاقگی را نزد مربیان و رهبران این دانشسرا می‌بینم که با بی‌توجهی خود باعث رشد ورزش شده‌اند.

راستی این که داری‌ها و روحیه‌سبیل — کاری در مغز و روحیه معلمان آینده اثر منفی نخواهد گذاشت؟ آیا عملی که در دوران تحصیل کمترین فعالیت ورزشی نداشته می‌تواند با فکر و بدنی خسته و فرسوده بعدها برای شاگردانش مفید واقع شود؟

علی اصغر حاجی قربانی دانشجو
دانشسرای راهنمای تهران

این خبرنگارها...

آقای سردبیر، گاهی اوقات خبرنگاران شما آتچنان نوشته‌اند و می‌نویسند که سرو-صدای آدم ساکتی چون مرا درآورده‌اند و در می‌آورند؟

بنظر من، واقع بینی یکی از خصایل نیکوی حرفه، خبرنگاریست و اگر این تنها نقطه امیدم در حاله‌ای از ابهام و تردید قرار گیرد، دیگر دور خبرنگار جماعت را باید خط کشید و از آنها سلب اعتماد کرد. در تمام دنیا خبرنگارها از ارزش و احترام ویژه‌ای برخوردارند و چه بسا روزنامه‌ها و مجلاتی که به خاطر مقالات نویسنده مشخصی همواره خریدار داشته و به خوبی توانسته‌اند در دل خوانندگان جایز کنند و چه فراوان هستند خبرنگاران و مفسرانسی که به خاطر نوشته‌های استخوان‌دار خود شهرت و تشخصی جهانی بهم زده‌اند.

اما متأسفانه خبرنگاران ما گاهی فراموش می‌کنند که صاحب چه حرفه مقدسی هستند و در بسیاری موارد دیده شده است که به خاطر مسائل جزئی و احياناً عدم توفیق تیم مورد علاقه‌شان در مسابقه، آتچنان زمین و زمان و داور و بازیکن را بهم می‌دوزند و به باد تهمت و افتاد مغرضانه می‌گیرند که گویی جانی اتفاق افتاده و عزیزترین کسانشان قربانی جانت شده‌اند! خلاصه آنکه این گرفتاری تازه‌ایست که گریبانگیر خواننده مجله‌ها شده که انشالله بجز بگذرد.

کرمان — همدانی

درباره تماشاگران شیرازی

فوتبال شیراز ب راستی از لحاظ تماشاگر غنی است و این واقعیت را مسابقات جام تخت جمشید ثابت کرد. اما حیف که این تماشاگران در ورزشگاه خیلی ساکت هستند و بازیکنان خود را آنطور که لازمه یک معرچه ورزشی است، تشویق نمی‌کنند. به همین دلیل است که فوتبالیستهای برقی در شهرهای دیگر بهتر از شیراز بازی می‌کنند و نتایج چشم‌گیرتری بدست می‌آورند.

از این تعجبی‌کنم که چرا بسا وجودی که شیرازها برای ورود تیم خود به جام تخت جمشید آتیمه اسرار داشتند و تعصبی نسبت به تیم خود ندارند شاید میخواهند بگویند که عدای از بازیکنان این تیم خوزستانی و بوشهری هستند. خوب چه اشکالی دارد، لاقلاً همان چند بازیکن شیرازی را تشویق کنند!

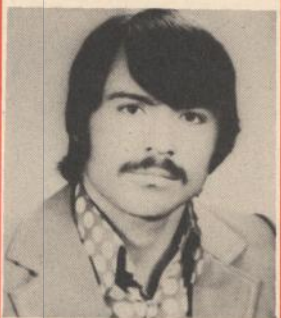
امیدوارم در نیم فصل دوم مسابقات وضع بهتر از گذشته باشد و تماشاگران شیرازی به بازی تیم خود برخیزند.

شیراز — محمد جواد زیبایی نژاد

برگ‌شماری

آقای سردبیر، حالا نه این نامه را می‌نویسم، فقط یک هفته از تعطیل مدارس گذشته و باید تا سه ماه دیگر داخل خانه بنشینیم و برگهای درختها را بشماریم تا بریزد و مدرسه باز شود و دوباره به ورزش بپردازیم. در کازرون هیچ محلی که دختران بتوانند ورزش کنند وجود ندارد. معلوم نیست چرا لطف مسؤولان ورزش شامل حال ما نمی‌شود؟

کازرون — ش — ب



من، قلیچ خانی نیستم!

آقای سردبیر، لطفاً عکس مرا که همراه این نامه برای شما فرستادم چاپ کنید و زیر آن توضیح دهید که من قلیچ خانی نیستم و فقط کسی به او شباهت دارم. خواهش می‌کنم دوستان و همشهریان مرا بنام خود صدا بزنند نه بنام قلیچ! البته ایتر بگویم من نه به وجود فوتبالیستی همچون قلیچ خانی که مرد بی‌هنای فوتبال ایران است، افتخار می‌کنم و اگر اجازه بدهید، با استفاده از این فرصت چند کلمه‌ای درباره‌اش می‌نویسم تا بدینوسیله احساسات خود را نسبت به او بیان کرده باشم.

قلیچ خانی مردیست که ۱۱ سال بدون وقفه به تیم ملی فوتبال ایران خدمت کرده و در دو المپیک بار و مدد کار تیم ایران بوده. مردیست که در جام جهانی کوچک در برزیل، همه چشم‌ها را متوجه کرد و با شوت‌های سنگین و زهرآگین هر روز هزاران تماشاگر را به ورزشگاهها کشاند. مردیست که تیم ملی استرالیا را با دو گل در تهران شکست داد و نام خود را در تاریخ فوتبال ایران جاویدان ساخت. قلیچ خانی با ۷۵ بازی در سطح ملی می‌رود که با بازیهای جام ایران، مقدساتی المپیک و انشالله در المپیک مونتراک تعداد بازی در تیم ملی را به بالای ۱۰۰ برساند و این رکوردی خواهد بود برای قلیچ خانی و برای فوتبال ایران که بدون شک سالهای سال نخواهد شکست.

قلیچ خانی مردیست که هر موقع اراده کند دروازه‌ها را فرو می‌ریزد و همه جای زمین سرمی‌کشد و با وجود قد کوتاهش پرش‌هایی بلند و بیس تماشایی دارد. راستی کاش بجای او بودم و لیاقت اینهمه افتخار را داشتم.

ایهر — قاسم رحمانی

گنجایش ورزشگاه آبادان کم است

ورزشگاه رضا پهلوی آبادان برای بازیهای جام تخت جمشید گنجایش کافی ندارد و در مسابقات مهم عده زیادی از مردم بلیت پشت پشت درهای بسته می‌مانند. ورزشدوستان خوزستان از مقامات شرکت نفت تقاضا دارند که لطف خود را تکمیل کرده و برای توسعه جایگاههای ورزشگاه آبادان اقدام لازم را بعمل آورند تا در نیم فصل آینده مسابقات جام تخت جمشید، حوادثی که در گذشته اتفاق افتاده تکرار نشود.

محمد نائینی، بغلانی، مجاهدزاده، احمدی

پنالتی زن استفاده کنید!

حالا نه و تن از بازیکنان تیم ایوبسلم، تهرانی و خوزستانی هستند، لطفاً یک پنالتی زن هم از یکی دیگر از شهرهای فوتبالیست پرور استفاده کنید که پنالتی‌ها تان مثل پنالتی در مقابل آزارات و پرسپولیس به درازترود؟

مشهد — محمد ابراهیمی فاروجی

صنعت بجای ورزش!

تالار ورزش بوشهر را — که تمرینات و مسابقات رشته‌های بسکتبال، والیبال و کشتی در آن انجام می‌گیرد — از چنگ ورزشکاران درآورند و در اختیار هنرستان صنعتی قرار دهند!

بوشهر — محمد علی بوشهری

حسینعلی ماهینی

هر روز در آب ولی نه قهرمان

شاید این مطلب بیان‌کننده این واقعیت تلخ باشد که ورزش هنوز در تمام نقاط کشور گسترش پیدا کرده و اکثر شهرستانی‌ها، همچون ورزشکاران پایتخت مورد توجه قرار گیرند، در ورزش شگفتی‌هایی بوجود خواهد آمد.

مثلا در تابستان بعثت نبودن استخر شنا، هزاران نفر از جوانان خوزستانی — منهای یکی دو شهرستان که سایه شرکت نفت روی ورزششان هست — خود را به آبهای کارون و دز می‌سپارند و هزاران خطر را بجان می‌دهند تا آتشرگرمای خلاص شوند. شوخی نیست، گرمای ۵۰ درجه و واقماً طاقت‌فرساست و پریدن در آب راهنجاتی برای فرار از این گرمای وحشتناک است. این جوانان هر روز اقلاً چهار ساعت درآبند و می‌گویند حالا که ما شنا نمیکنیم چرا برای قهرمان شدن نباشد؟ ایجاد چند چند استخر میتواند یکباره صدها جوان شناگر را به ورزش شنای مسلک تقدیم کند و شناگران ماهان عده معدود هرساله نباشند و از قشر شناگر ناپدید.

مسجد سلیمان — اسفند پار بهامیریان

قاین - شهری ورزش

قاین، یکی از بخشهای بیرجند است که از لحاظ ورزشی کمبودهای فراوان دارد. در این شهر از تالار ورزشی و استخر شنا خبری نیست. بهمین دلیل در تابستان جوانان برای فراوانی گرمای به رودخانه میروند و چندتائی از آنها قربانی امواج میشوند. جوانان قاین مثل جوانان سایر نقاط ایران به ورزش علاقه فراوان دارند و اگر میدان ببینند، استعدادهای نهفته خود را نمایان خواهند ساخت. میگویند بودجه ورزش قاین در بیرجند خرج میشود و بهمین دلیل وضع ورزشی ما ناهنجار و غم انگیز است.

قاین - م - د

مری نداریم

آقای سردبیر - در نهاوند از توابع استان همدان، هیچیک از رشته های ورزشی مری ندارد و جوانان بطور سرخود و بدون اینکه کسی آنها را هدایت کند، به تمرین می پردازند که نتیجه کار و روش است. کاش تربیت بدنی همدان فکری بحال جوانان این شهر میکرد و لااقل برای علاقه مندان یکی دو رشته، و ورزشی مری می فرستاد.

نهاوند - جمال قیطاسی

درد نداشتن استخر در شهر استخرها!

مسجد سلیمان که در اغلب تابستانها شلست گرمایش از ۵ درجه هم میگذرد، برای افراد غیر شرکت نفتی استخر شنا ندارد و جوانان این شهر سالهاست که در حسرت داشتن یک استخر میسوزند و صدایشان هم در نمی آید.

خوشبختانه شرکت نفت برای کارکنان خود استخرهایی دارد و اگر این استخرها وجود نداشت، وضع خیلی از این بدتر میشد اما از آنجا که افراد غیر شرکت نفت مجاز به استفاده از این استخرها نیستند، جا دارد که سازمان تربیت بدنی مسجد سلیمان دست کم یک استخر عمومی ایجاد کند و با ترتیبی بدهد که در چند ساعت از روز یکی از استخرهای سه گانه شرکت نفت در اجازه یا اختیار تربیت بدنی باشد تا همه جوانان بتوانند از آن استفاده کنند.

فکر نمی کنم آنچه من نوشته ام توقع بیجایی باشد!

مسجد سلیمان - غلام آتش دامن

بیلیارد بده، بقیه ورزشی هانه!

آقای سردبیر، من یکی از دوستداران رشته پرورش اندام هستم و در این رشته فعالیت دارم و طی بیست و سه ماهی که باین ورزش پرداخته ام دارای بدنی زیبا شده ام که اگر ادامه دهم چندی بعد به مقام قهرمانی می رسم.

من در «شهرزیا» واقع در غرب تهران زندگی می کنم. در این محل یک باشگاه با اصطلاح ورزشی وجود دارد که همه سرمایه اش برای پرورش اندام یکجفت دمبل پوشیده است و من که کارگری هستم هر روز ده تومانی گراییه رفت و برگشته به میدان بهارستان و بالعکس میدهم که در باشگاه ایران امروز ورزش کنم.

جوانان «زیباشهر» و کن حاضرند در ماه دوبرابر حق عضویت بدهند و صاحب باشگاهی آبرومند بشوند تا از سرگردانی و در بدری نجات یابند.

در باشگاه پاسارگاد سه دستگاه میز بیلیارد وجود دارد که علاقه مندان ساعتی چهل ریال برای استفاده از میز میپردازند و تمام توجه مسئولان باشگاه به بیلیارد است چون این کارنفع مادی زیادی دارد. اما حضرات بفرنگ نیستند که دوتا هالتر و چند تا دمبل بخرند و دل علمای جوان را خوش کنند.

زیباشهر - جمال رحمتی

به نوجوانان توجه کنید! آنها بزرگان فردایند!

در تبریز به تیمهای جوان و نوجوان امکان فعالیت داده نمیشود و آنها را بسه میدان ورزشی راه نمیدهند که تمرین کنند و برای سالهای بعد آمادگی پیدا کنند. فقط گاهی اوقات از ساعت ۱۰ تا ۱۲ صبح که هوا بشدت گرم است جوانان اجازه دارند به ورزشگاه بروند و از زمینهای تمرین استفاده کنند که البته شدت گرما اجازه فعالیت و دوندگی به آنها نمیدهد.

اسیدواریم چاپ این مطلب کوتاه باعث شود که مسئولان ورزشی تبریز به تیمهای مجلات نیز بذل توجهی بکنند و سوچیات دلگرمی هرچه بیشتر آنها را فراهم نمایند.

تبریز - علی شاهد، حسین مهدوی
اصغر دودوسیدی، مهدی و علی
صادقی، حمید رضائی، محمود
رخشائی، غلام باخچیان، اصغر
وضالهدلو، یدالله خاکی و مقصود
صادقی

ناپایداری در ورزش

فراز و نشیبها، پس و پیش رفتن ما بیرونیها و شکستهای موسمی ورزش ایران، این واقعیت را ثابت می کند که ورزش سلطنت ما هیچوقت و در هیچ رشته ای حتی برای مدت زمانی کوتاه هم پایه و اساس صحیحی استوار نبوده و همواره فداکاریها، جانباختها و تعصب ملی و میهنی باعث پیروزی شده و در عوض بی تمرینی، درهم ریختگی، بی انضباطی و عدم رهبری صحیح موجب شکست بوده است.

ورزش ما چه در رشته های مانند فوتبال، کشتی، وزنه برداری و تاحدی بسکتبال، والیبال، مشت زنی و دوومیدانی که طرفداران نسبتاً بیشتری دارند و چه در رشته هایی که سال به سال فقط نامی از آنها به گوشمان میخورد، هرگز روی پایه درست و محکمی قرار نداشته است و نمونه اش اینست که یک سال تیم کشتی ما در جهان اول میشود و سال بعد ششم!

در سالهای اخیر فوتبال ما هرگز دارای کلاس صحیح و اساس وینپادی نبوده است و متأسفانه عده ای با خیال خام خود در این اندیشه بوده اند که آنرا دگرگون سازند غافل از اینکه فوتبال ما فقط زینت تعصب دارد و به هیچ صراطی مستقیم نیست و اگر بخواهند اساس آنرا بهم بریزند، نه تنها پیشرفتی در آن حاصل نمیشود، بلکه موجبات اضمحلال و نابودی آن فراهم میشود.

از سالیان پیش، رهبران و دست اندر کاران فوتبال با استفاده از مربیان خارجی و سپردن رهبری تیم های ملی و باشگاهها به دست آنان، خواسته اند که شکل اساسی فوتبال ما را عوض کنند و آنرا بصورت مدرن و کلاسیک در آورند ولی همگی دیدهایم و می بینیم که این امر مهم هیچگاه عملی نگشته و تنها کاری که مربیان خارجی توانسته اند انجام دهند، تغییراتی جزئی در آرایش و تاکتیک تیم ها بوده است که البته در این مورد تیم ها بدون داشتن مربی خارجی از هر تیم داخلی بهتر و زودتر به نتیجه رسیده است.

شیراز - احمد بخت شیرین

حداقل انتظار

رودبار، شهرینست کوهستانی و خوش آب و هوا که ورزشکارانش با جزئی توجهی نمیتوانند در ردیف بهترین قهرمانان ایران درآیند ولی متأسفانه کمبود وسائل چنین امکانی را به آنها نمیدهد.

بیشتر جوانان رودبار به ورزش های فوتبال، والیبال و کشتی علاقه فراوان دارند و اگر موجباتی فراهم شود که لااقل وسائل این سه رشته ورزشی در شهر ما ایجاد گردد، خیلی از مشکلات ورزشی ما از میان خواهد رفت.

چشم به همت مسئولان ورزشی گیلان دوخته ایم.

رودبار - جواد توکلی - فریدون
بنائی - بهروز باهائی و شفقت قنبری

گرفتاری بچه ها و زمین های بایر اطراف شهر

بی خیال و غرق در اندیشه های تنهائی، از کنار کوچهای میگذشتیم که ناگهان صدای جرینگ شکستن شیشه می را بخود آورد.

بدنبال شکستن شیشه، سری از پنجره بیرون آمد و مسلسل وار به سوی بچه های که باشتوب کردن توپ بطرف پنجره، باعث شکستن شیشه شده بود دشنام فرستاد.

آن چند کودک، در حالی که همچون گنجشک های در قفس رنگشان پریده بود و می لرزیدند، در گوشه ای ایستاده و به یکدیگر می نگریدند چون کار از کار گذشته بود و امکان فرار وجود نداشت.

صاحب خانه شتاب زده خود را به بچه ها رساند و برچه فحش آیدار بود نثارشان کرد. فحاشی مرد قطع نمیشد و من اختیار از دست دادم و وارد دمر که شدم:

مرد حساسی! چه خبره مگه نمی بینی زن و بچه مردم از اینجا عبور میکنند - کمی ادب داشته باش!

مرد نگاهی آبیخته به خشم و نفرت بمن انداخت و گفت:

تو چکاره شهری آقا؟! مگر کوری و نمی بینی که شیشه پنجره منزل ما را شکسته اند؟

در جوابش گفتم:

می بینم، ولی مگر با این فحش دادن کار درست میشود و از این گذشته زن و بچه مردم چه گناهی کرده اند که باید اینهمه حرف رکیک بشنوند؟

مرد کمی آرام شد و گفت:

چرا نباید یک گورستانی باشد که این بچه ها بروند اونجا بازی کنند و مزاحم زندگی مردم نشوند؟ ما چه گناهی کردیم که باید هر روز بدندان مثل یید بلرزد؟

خوب که فکر کردم به این نتیجه رسیدم که مرد بیچاره هم حق دارد ناراحت باشد و این سؤال هم برای چندین بار در قلم من مطرح شد که چرا نباید محلی باشد که کودکان علاقه مند بدون دغدغه خاطر و بدون آزار ترس و وحشت از شکستن شیشه ها و فحش خوردن و کتک خوردن و به ورزش مورد علاقه خود بپردازند؟

مگر نه اینست که این کودکان، قهرمانان آینده این مریوزم هستند پس چرا وسیله و امکانات پیشرفت در اختیارشان قرار نمی دهد. چه میشود که قسمتی از زمینهای بایر اطراف شهر بوسیله تربیت بدنی اصفهان خریداری و تسطیح شود تا بچه ها بتوانند در این زمین ها بازی کنند و از سرگردانی و در بدری نجات یابند؟

اصفهان - کمال کیان نژاد

شهد - آقای علی طاهر رحیمی

مربی تیم شما تغییر کرده و با وضع تازه ای که پیش آمده باید صاحب پیروزیهای تازه ای هم بشوید. منتظر نیمه فصل دوم دوره سوم جام تخت جشید باشید تا بتوانید به واقعیت آنچه که دارید بدرستی بی برید.



نه بچه در عرض

۳ ماه!

شاید بتوان ادعا کرد که در این سال زن جالبترین حادثه برای زن، دو دنیای ورزش اتفاق افتاده باشد و باز بد نیست بدانیم که قهرمانان حادثه و زن از ده عضو تیم هندبال بانوان باشگاه ورزشی (فوندرز) دانمارک هستند.

هر ده عضو تیم هندبال — که تیم خود را تا سطح قهرمانی باشگاهها ارتقاء داده‌اند — شوهر داروخانه‌دار هستند. حادثه جالبی هم که گفتیم اتفاق افتاده این است که نه عضو تیم هندبال، تقریباً همه همزمان آبستن شدند و هر که نفر در طول فقط یک فصل فارغ‌گشتند و فاصله ۳ ماه نه بچه زائیدند، و بعد هم این عکس را یادگار برداشتند. در میان اعضای تیم، تنبل‌تر از همه دروازه‌بان بود که کمی دیرتر از بقیه جنینید! آنقدر دیر که وقتی این عکس یادگاری گرفته شد، شکم او تازه بالا آمده بود!

عکس و خبر

صاحب ۵ مدال طلای المپیک بی پولست!

(جان ویسولر) تارزان سابق و قهرمان شقای المپیک میگوید: «ورزش شغل نفرین‌شده‌ای است. بندرت کسی توانسته، پولی را که از طریق ورزش بدست آورده حفظ کند. مثلاً همین خود مراد نظر بگیرید! پس از گرفتن ۵ مدال طلا از المپیک و بازی در ۱ فیلم تارزانی، اینک چنان محتاج پول شده‌ام که در سن ۷۱ سالگی به مونیخ آمده‌ام و در استخر یکی از هنرهای مونیخ به ۲۰ بچه درس شنایم‌دهم»

باید دانست که افتخارات ورزشی ویسولر یکی دوتانیست. او ۷ بار کورود شقای جهان را شکسته و ۵ بار قهرمان شقای آمریکا شده است.

مجله اشترین نوشته است: «ویسولر، کاسه و کوزه بی پولی‌اش را بی انصافانه، سرورزش شکسته است. زیرا میلیونها دلارش را ندر راه ورزش، بلکه در راه عیاشی صرف کرده است. مثل آنکه او فراموش کرده، معشوق گرتا کارپوشدن و پنج بار ازدواج کردن، چقدر خرج روی دستش گذاشته است!»

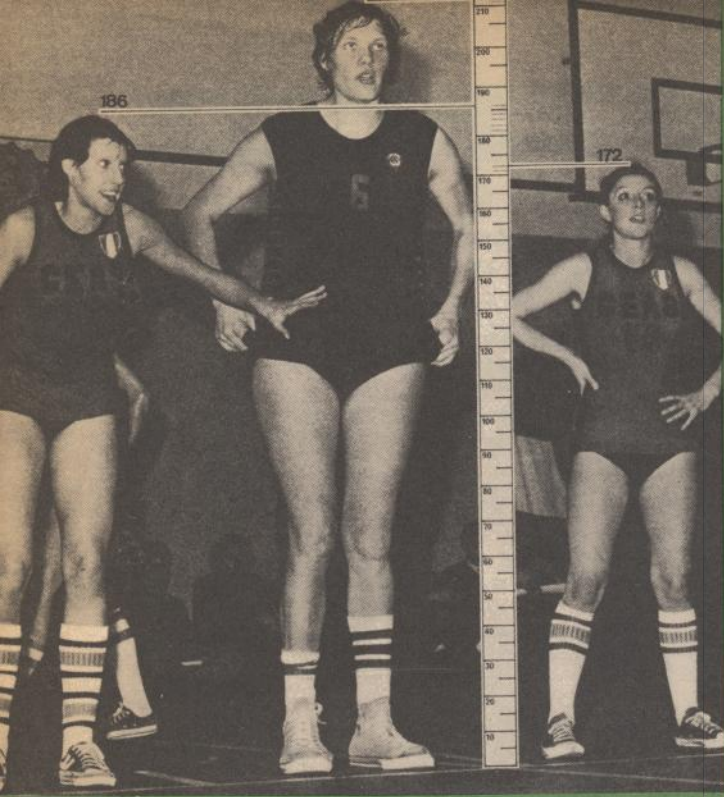


حلقه بند کند، و آنگاه خود را به باد و امواج بسپارد.

اسکی بادبانی

(اسکی بادبانی) را باید به جمع رشته ورزشهای روی آب اضافه کرد. این رشته جدید و مفرح که از بومیان جزایرهاوانی اقتباس شده، این روزها در اروپا و آمریکا حسابی جا باز کرده است. وسیله کاربک «سورف» است که روی آن یک حلقه و یک بادبان سوار کرده‌اند. حلقه در حقیقت وظیفه سکان را بازی میکند. ورزشکار باید رویه عرض تخته به ایستند. دست‌ها را به





ر کورد دو... ۳ متر در هم شکست

ر کورد سابق که ۸ دقیقه و ۵۲/۸ ثانیه بود به (لودمیلا برازینا) دوندۀ روسی تعلق داشت. اساکرت آندرسن ر کورد ۶ ژوئیه ۱۹۷۴ لودمیلا را تا به ۸ دقیقه و ۴۶/۵ ثانیه، بهبود بخشید سایر ر کوردهای گرت عبارتست از: ۸۰۰ متر ۲ دقیقه و ۲ ثانیه ۱۰۰۰ متر ۲ دقیقه و ۵ ثانیه ۲۰۰۰ متر ۲ دقیقه و ۲۲ ثانیه

در مسابقه های دو که چندی پیش بین سه کشور سوئد، نروژ و آلمان شرقی در ورزشگاه (بیسلت) اوسلو (پایتخت نروژ) برگزار شد، گرت آندرسن ۲۱ ساله از نروژ ر کورد جهانی دو ۳۰۰۰ متر بانوان را شکست.

احساس حقارت در سایه غول!

بشرطی که چشمش نزدیک ۲ متر و ۱۲ سانت است، طبیعی است که چنین شاخ شمشادی، میتواند کاملاً مسلط بر سید که در ارتفاع ۳ متر و ۵ سانتی نصب شده، بازی کند. به همین دلیل بود که ۴ گل از ۷ گل مسابقه توسط اولیانا بداخل سیدانداخته شد. دورقیب ایتالیائی او (نفرات سمت چپ و سمت راست او در عکس) بعد از بازی گفتند:

« در سایه او، بی اختیار احساس حقارت میکردیم »

در مسابقه بسکتبالی که اخیراً بین تیمهای بسکتبال بانوان ایتالیا و شوروی انجام گرفت، چشم دنیا به جمال یک غول روشن شد. این غول (اولیانا سیمولوا) عضو باشگاه (ریگا) بود. اولیانا ۲۳ ساله است، ۱۲۳ کیلو وزن دارد، پهنای شاندهایش ۵۲ سانتی متر، و طول قامتش-

۴ میلیون تومان حق مشت!

محمدعلی، وقتی برای مسابقه با جویاگتر انگلیسی به کوالالامپور رفت رجز خواند که « مطمئناً برجو بیروز خواهد شد، و بعد از آنجا نیکه دیگر رقیبی برای خود سراغ ندارد، بعنوان قهرمان مشت زنی جهان، برای همیشه صحنه را ترک خواهد کرد »

ولی بعد از پیروزی، حرفش را پس گرفت، و اظهار داشت که حاضر است یک بار دیگر با جویاگتر دست و پنجه نرم کند. او صریحاً گفت که « بعد از (جو) سفید، اینک نوبت به (جو) سیاه رسیده است » بدنبال این دعوت، خبرنگاران در نیویورک به سراغ فریزر رفتند و نظار او را خواستند. او گفت که از دعوت به مبارزه محمدعلی استقبال میکند و تصمیم دارد این بار او را برای همیشه ادب کند. جو گفت:

« من برای روی بردن با محمدعلی دو شرط دارم. اول آنکه ۴ میلیون تومان



(حق مشت) بهمن بدهند، دوم اینکه مسابقه در (مدیسن اسکوائر بسوی کلاب) برگزار گردد.

شرط آخر فریزر، کار را دشوار کرده است. چه همه میدانند که محمدعلی بخاطر قضیه مالیات حاضر نیست در آمریکا مسابقه بدهد!



فوتبال قهرمانی باشگاههای دسته یکم تهران

هردو ناراحت

از نتیجه مساوی

بانک سپه (۱)

فضل اله شیرخانی ، محمود علی پور ، بهروز بریانی (نیمه دوم محمد جانفدا) ، مرتضی ارمیان حسین چهره ، مهدی عددیان محسن جواد (دقیقه ۵۵ غنی ماسوله) ، بیلس کودیل ، مهدی فاتح ، قدرت خلقی و داود بخش

ذخیره ها: حسین مرادی ، نصراله کلاتری محمد علی ستدی

مربی: باقر بهسالاری

افسر (۱)

حسین قاضی شمار ، مصطفی دولت خواه عباس سبب زاده ، جمشید پذیرا ، موسی نورعلیوند ، مجید مشتري ، فرهاد نوروزی (دقیقه ۸۷ عباس قاسمی) ، فرهاد سلیمی ، حسین کشپیری سردار سام کیش و نادر صبری .

ذخیره ها: امیر کشاورز ، ابراهیم ایوبی ، حسین اکبرزاده ، حبیب باطنی

مربی: مجید شاملو

بهبه در صفحه روبرو

گذشت و بدنبال آن بر روی تویی که از جبهه چپ بر روی دروازه شهربانی فرستاده شده بود اکبر کزازی توانست خوب عمل کند و توپ پس از رها شدن از دست او جلو پای «داود تاجیکی» افتاد و او با ضربتی توپ را درون دروازه تهران جوان نهاد .

نیمه دوم برای تیم شهربانی یک نیمه فوق درخشان بود در دقیقه ۷۰ محمدجباری از فاصله بی دور توپ را بدون دروازه تهران جوان کوید و بدنبال آن مجید شکرایی - که لحظاتی چند از ورودش بزمن نگذشته بود با استفاده از موقعیتی که «فرکی» بوجود آورده بود گل پیروزی شهربانی را به ثمر رساند و چند دقیقه بعد نوبت خود «فرکی» بود که بهترین گل سابقه را با استفاده از ضربه کرنری که بر روی دروازه تهران جوان فرستاده شده بود سوزوب درون دروازه بکوبد .

سه گل حاصل یک نیمه بازی درخشان برای شهربانی بود در لحظات پایان سابقه اغلب تهران جوانی ها حمله میکردند اما این حملات هیچگاه تغییری در نتیجه سابقه نداد .

گلها: دقیقه ۱۰ - (دقیقه ۳۱) تاجیکی ، ۱-۱ (دقیقه ۵۷) محمد جباری ۲-۱ (دقیقه ۶۳) مجید شکرایی ۳-۱ (دقیقه ۶۹) **یدالله فرکی**

داور: مرتضی رحمانیان با کمک اصغر صدرا لاشراف و ایرج ثباتی . بازیکنان اخطار گرفته: اسماعیل کشتریانی و محمد شهیدی .

ته تهران جوان سزاوار چنین شکست بزرگی بود و نه شهربانی برای این پیروی تدارک و قدرت کافی داشت . اما وقتی هیچ چیز بر مبنای نقشه و کار حساب شده نباشد سیر حوادث میتواند سه گل در دروازه تهران جوان جای دهد .

شهربانی با وجود شکست صفر بر یک در نیمه اول در دقیقه ۳۵ میتوانست صاحب پیروزی باشد . چون اسماعیل کشتریانی (مهاجم نوک شهربانی) با پاس طلائی بهرام گلشنی را روانه دروازه ساخت و شوت سر ضرب او از بالای دروازه تهران جوان

سه گل در ۲۳ دقیقه !
تهران جوان (۱) .

ابولقاسم آینده کوشش (دقیقه ۷۲ داود گلکار) ، بهزاد برجانی (دقیقه ۶۹ محمد استاد عظیم) ، جعفر نوری ، محمد شهیدی ، نصراله سجادی ، نوین فرجی ، یداله نوری ، منصور هاشمی زاده محمدرضا خالقی ، داود تاجیکی و اکبر رزائی (از دقیقه ۵۵ مرتضی پوراقدم) ذخیره ها : فرهاد عباسی ، حسام الدین فخرالسادات

مربی: جمشید وطن دوست

شهربانی (۰) ۳

اکبر کزازی ، داود آذری ، شهرام شبوعی ، مصطفی درودیان ، حسن بابائی ، محمد جباری ، محسن خاکباز مقدم ، منصور زند مقدم (دقیقه ۸۵ محمد مرادی) ، اسرافیل عزتی (دقیقه ۵۵ مجید شکرایی) اسماعیل کشتریانی و بهرام گلشنی (نیمه دوم یدالله فرکی) .

ذخیره ها: محمد تقی نادمی عطارضا خانی .

مربی: حسین لطفی

نیازمندیهایک تشها

وام در سه دقیقه

روی سند اتومبیل ، تلفن و ساختمان

فوری هزاری ۱۵ تومان

۸۳۲۹۸۶ - ۸۳۰۸۵۲

اطلاعیه

کلاس کمک مهندسی

رادیو ، تلویزیون

برقی ، ترازیستوری علمی و عملی در لابراتوار مدرن و تلویزیون گسترده با دو دستگاه . رادیو با موتور اتومبیل

نقشه کشی

نقشه برداری

با کلیه نقشه ها و جزوات و استفاده از دوربین های مجانی

منشیگری

ماشین نویسی

حسابداری

و دفتر داری دوپل

تا اخذ گواهینامه فرار گرفته آماده استخدام شوید (شاهرضا نزدیک میدان فردوسی اول ایرانشهر)

آموزشگاه آفرین

تلفن ۸۲۴۲۷۲

وام

روی سند اتومبیل . تلفن

ملک

۷۵۷۵۳۵

۷۵۷۲۹۴

تلفن نیازمندیهای شما

۰۳۱۰۲۰۹

۰۶-۳۱۰۲۵۱ داخل ۳۹۷

کلینر هوم سرویس

خشکونی بیل ، فرش ، سوکت برده و داخل اتومبیل در محل

تلفنهای ۷۵۳۸۸۵ و

۷۶۹۹۰۳ - ۷۵۳۸۷۳

کرایه

اتومبیل های لوکس کرایه

با راننده و بدون راننده

برای داخل و خارج تهران

۷۵۷۵۳۵

۷۵۷۲۹۴

۲۴ ساعته

اداره چهارم تهران

۷۷۸۷۹۹

۷۷۹۱۱۸



وام با اتومبیل ، تلفن

و چک کارمندی

باسود بانکی

۷۶۳۸۴۰

۷۶۳۸۷۹

گلها: دقیقه ۱. قدرت خلتی برای بانگ سپه و دقیقه ۴ نادر صبری برای افسر

داور: هروس باغویان با کمک محمد اطهری و دستگرد.

بچه‌های سپهسالاری این بار هیچ چیز را به قضا و قدر نسپردند و از آغاز با قدرت و کوینده جلوه کردند، افسوس که نتوانستند این آغاز خوب را همچنان ادامه دهند، بخصوص در نیمه دوم که تیم افسر ابتکار عمل را در تمام نقاط زمین در دست داشت. در دقیقه ۱۰ «قدرت خلتی» بروی تویی که از جناح راست بانگ سپه برای او فرستاده شده بود به نهائی عمل کرد و پس از جاگذاشتن مدافعان افسر گل تیم خود را به ثمر رساند و در دقایق پایان نیمه اول نادر صبری مهاجم افسر هم از پاسی که مرتضی اریمان برای او ساخته بود به گل تساوی رسیدن یافت. نیمه دوم با برتری افسر همراه بود و در لحظات پایان دو تیم از نتیجه مساوی چندان ناراضی بنظر نمی‌رسیدند.

اسپرت مغلوب دروازه بان خود شد

دژبان (۳) ۴

احمد حبیب قاسم سوخته زاده، حسین بشردوست، قاسم نوروزی، فریدون نبیری، منصور دادود، حسن صنایعی، محسن مصباح ذاکری (مسعود هداری)، حسین آلابیکه، داور ویسه، کاظم مطهری (قاسم زیدان)، ذخیره‌ها: طغرل بهمن زاده، فریدون آزادی، بیژن تهرانی و محمد علی سپهسالاری مری: یوسف جوادی

اسپرت (۱)

ابرج افضل عزیزی مراد صادقی، حسین شوشتری، فضل الله بهادری، قاسم سماپور، حمید جماعتی، مسعود شفیعی، جعفر زمانی (فرزعت الله بهادر)، رضا کج پور (داود رضائیان)، علی کریمسوری و مسعود شاهیدری

ذخیره‌ها: علی اصغر عنایت، علیرضا فروهر مری: امیر آقا حسینی

داور: محسن زمانسی بکک صدرالاشراف و مسعود خوشخوان گل‌ها: دقیقه ۲۱ کاظم مطهری، دقیقه ۲۱ حسین آلابیکه، دقیقه ۱۱ محسن مصباح ذاکری و دقیقه ۴ قاسم زیدان برای دژبان و دقیقه ۵ علی کریمسوری با ضربه پنتالی برای اسپرت.

این تنها دیدار باقی مانده از مسابقه‌های روز سوم دسته یکم بود. اشتباه دروازه بان اسپرت خیلی زود این تیم جوان را از کسب قنایت خود محروم ساخت، زیرا هنوز بازیکنان اسپرت در راه ارزیابی حریف صاحب نام و پرستاره خود بودند که دو گل یبایی روی اشتباه دروازه بان درون دروازه خود دیدند که در این میان یک گل زیبا

بیر توسط محسن مصباح ذاکری چاشنی پایان نیمه اول بود. جریان سه گل نیمه نخست کار اسپرت را در نیمه دوم سخت و نامسکن ساخته بود. دژبان در این نیمه اکثراً اسپر حریف جوان خود بود و علاوه بر دفاع مطلق پرداخته بود، حاصل این دفاع یک پنتالی برای اسپرت بود که علی کریم سوری بطرز زیبایی این پنتالی را به ثمر رساند. در لحظات پایان مسابقه در یک ضدمحله توسط قاسم زیدان دروازه بان ذخیره اسپرت نیز تسلیم شد و مسابقه با نتیجه ۱-۱ بسود دژبان پایان یافت.

۵ گل، نتیجه بازی زیبای اقبال بود

اقبال (۳) ۵

اکبر مالکی - ابوالفتح درایان ۲، منوچهر ساپوته ۵، اصغر یگانه طلب ۴، حسین یاریاد ۲ - ناصر خضر برزین نژاد ۴ (از نیمه دوم گودرز حبیبی ۱۵)، منوچهر طاهر خانی ۷، حمید امینی خواه ۱۴ - محرم خداپنده ۸ (از نیمه دوم محسن باهاخانلو ۱۳)، محسن میری ۱۰، علی بشیری ۱۱ (حسین آشتانسان از دقیقه ۷) ذخیره‌ها: محمد صفاری، حسین آشتانسان، گودرز حبیبی، حسین باهاخانلو، رضا ماشااله زاده

مری: فرامر زنگلی

افسر (۱)

حسین قاضی شمار ۱ - موسی پورعلیوند ۲۹ صابر حبیب زاده ۲۳، جمشید پذیرا ۴ (از نیمه دوم حبیب اله باطن ۲۲)، مصطفی دولت خواه ۲ - عباس قاسمی ۲۰، فرارز سلیمی ۶، مجید شستری ۵ - حسین کشمیری ۷، فرهاد نوروزی ۹، نادر صبری ۱۱ (از دقیقه ۴ مصطفی بیاتی)

ذخیره‌ها: امیر کشاورزی، مصطفی بیاتی، حسن اکبر زاده، حبیب اله باطن، ابراهیم ایوبی.

مری: مجید شاملو

گل‌ها: دقایق ۱۲، ۲۶ و ۷۵ توسط محسن میری، دقیقه ۸ و ۵۱ توسط محرم خداپنده

داور: رشید حسن زاده با کمک محمود خوشخوان و حمید خوشخوان پنجشنبه ۲۶ تیرماه: ورزشگاه جنوبی راه آهن:

یک بازی زیبا و خوش آهنگ از طرف اقبال در برابر افسر، پیروزی ۵ بر صفر را برای این تیم به ارمغان آورد.

اقبال این بار هم در غیبت دومه‌ای ثابت خود یعنی منصور ضرابی و مهدی لولسانی، به دیدار افسر آمده بود. با این همکاری خوب و کار انفرادی تک تک بازیکنان اقبال ۵ گل برای این تیم به ثمر رساند

مری افسر روز بعد از مسابقه علت

بخت خود را با سمسویت ۵ بازیکن خود ترجیح می‌کند و معتقد بود که سستی بارانش به خاطر سمسویت بوده است. با این از حق نباید گذشت که اقبال هم در این دو دیدار تیمی پرتحرک و خوش آهنگ بود. ۵ گل مسابقه را دو یار اقبال به ثمر رساندند و این دو کسانی بودند که در خط حمله به بهترین صورت از گوش خط میانی استفاده کردند و در تمام لحظات بازی یاران افسر را مستحور بازی خوب خود ساختند.

تلاش بی نتیجه تهران جوان در برابر برق

برق (۱)

داود آقاعلی - پرویز نهانی ۶، علی کریم نوری ۱۴، حسین کاظمی ۵، محمد پنجعلی ۱۳ - احمد صفوی زاده ۴، محمد علی کیانی راد ۴، عباس موسویوند ۸ - محمد رضا جاشیدی ۱۷ (از نیمه دوم غلام رضا برهان زاده ۷)، ابراهیم طهماسبی ۱۰ (از دقیقه ۵ محمود رحیمی ۱۶)، محمود نور ۱۱ (از دقیقه ۶ حسین ایلخانی ۳) ذخیره‌ها: ناصر خسرو کردی، مهدی ترابی.

مری: ناصر ابراهیمی

تهران جوان (۱)

داود گلکار، مرتضی پورآقدم ۳، نصرالله سجادی ۱۳، محمد شهیدی ۵، جعفر نوری ۱۴ - یداله نوری ۱۷، فرجی ۶، منصور هاشمی زاده ۵ - محمد رضا خالقی (از دقیقه ۸ سعید فکری ۲۱)، داود قاضی ۸ (از دقیقه ۶ محمود سمیعی ۱۸)، اکبر زرقی ۱۱ (از دقیقه ۶۲ حسن نایب مکرم ۷).

ذخیره‌ها: آینده کوشش، بهزاد مرجانی.

مری: جمشید وطن دوست

داور: ایرج بیاتی با کمک هروس باغویان

و رشید حسن زاده.

تماشاگر: حدود ۲ هزار تن

جمعه ۲۷ تیرماه - ورزشگاه جنوبی راه آهن:

تهران جوان با شکست غیرمنتظره صفر بر ۳

تهران جوان با شکست غیرمنتظره صفر بر ۳

که در ده دقیقه آخر بازی برابر شهربانی پذیرا شد - این هفته کوشش با پیروزی بر

برق، موفقیت خود را در جدول بهبود بخشید.

اما دیدار سریع و پرتلاش این دو تیم بدون

گل پایان یافت.

برق و تهران جوان هر دو بازی را سریع و با

چهره‌ای جنگنده آغاز کردند ولی سرعت

بازی موجب از بین رفتن دقت یاران دو تیم

شد و توپهای پشت و یا داخل محوطه‌های

جریمه بی هدف و بدون کوشش دسته جمعی

ضربه می‌خورد. هر دو تیم تلاش خود را بر

اساس هجوم توسط گوش‌ها پایه بازی می‌کردند که در این میان وجود دو یار بر

تلاش در جبهه راست تیم تهران جوان (مرتضی پورآقدم و یداله نوری) هجوم‌های

این جناح تهران جوان را تا کنار محوطه جریمه بر می‌آورد اما عدم وجود

همکاری گروهی موجب از بین رفتن این

حالات می‌شد.

هر دو تیم با کمی دقت بیشتر و با کمی هوشیاری، می‌توانستند به گل‌هایی دست یابند و با اینکه در نیمه دوم هم برق و هم تهران جوان هر سه بار خط حمله خود را تعویض کردند باز کاری از پیش نرفت و سرعت پیش از حد بازی موجب از بین رفتن هوشیاری دو تیم شد.

کیان در برابر سازمان آب تحرکی نداشت

سازمان آب (۱)

عبادت‌الله ابراهیمی - محمد رضا با وکار ۲۰، جلال بیوک ۷، یوسف افضل ۱۵، حمید داسپنجی ۱۷ - رحیم پا کزاد ۲۲، رضا توپچی ۲۱، پیرم نظریان ۶ - علی باوقا ۱۰، حسین علی هاشمی ۱۸ (از نیمه دوم چنگیز جنگی پور ۱۰)، محمد جوادی ۱۶ (از نیمه دوم توحج ایاز پور ۱۳) ذخیره‌ها: محمود خاکباز مقدم، زاون - اوهایان و کیومرث وفائی اول.

مری: صادقی

کیان (۱)

حسن ذاکری ۲۱ - شکرالله میرزایی ۲، یدالله فتح الهی ۱۶، مرتضی ایزدفر ۲، قاسم ارم ۸ - علی رشیدی ۶، حسین حسینی ۹ (از دقیقه ۲۰ حسین کبیری ۱۵)، خلیل اصغر پور ۷ (از ۷ یدالله خاکباز - مقدم ۱۲) - سیروس خوش‌دژ ۳، گورکن اسرائیلیان ۱۰، بهمن نقوی ۱۱، ذخیره‌ها: حسن آخچیجان، حسن روزبهانی، محمد جواد اصغرانی.

مری: اکبر خشکیاری

گل: دقیقه ۵ توسط محمد رضا با وکار

داور: محمد اطهری با کمک خسرو - رحیمعلیان و کمال سراجیان. بازیکن اختطاری: یوسف افضل از سازمان آب ۲۰۰ علی رشیدی از کیان، تماشاگر: حدود ۲۰۰ تن

جمعه ۲۷ تیرماه - ورزشگاه جنوبی

راه آهن: در هفته چهارم دیدارها کیان

با ۳ امتیاز سازمان آب با ۲ امتیاز از ۳

بازی، به دیدار یکدیگر رفتند. این دیدار

که بازی اول دیروز بود، با آهنگی خوش

و با قدرت متعادل دو تیم آغاز شد.

کیان در این دیدار چنان سست و

بی‌سیل بازی کرد که انگار تیم صدرنشین

جدول است. اولین تعویض کیان اواسط

نیمه اول صورت گرفت که با ورود حسین

کبیری تیم تغییر آرایش داد و کبیری به

خط حمله پیوست و خوش رزم نیز از گوش

راست به خط میانی پیوست. این تغییر

آرایش با توجه به سرعت و جنگندگی

حسین کبیری، تا حدی تیم را به کار

بیشتر واداشت. اما قدرت‌بندی مهاجمان

سازمان آب و برتری آنها نسبت به

مدافعان پراشتباه کیان، به این تیم

اجازه نداد که فقط به حمله فکر کند.

لطفاً ورق بزنید

بقیه از صفحه پیش

در نتیجه در این دیدار از تحرك سابق تیم کبان خبری نبود. البته در این میان کم کاری خط میانی و عدم همکاری اش با خط حمله و دفاع نویدی بر عتق بود. نتیجه نیمه اول بدون گل بود و نیمه دوم هم مانند نیمه اول بازی در حد متعادل ادامه یافت تا اینکه تنها گل مسابقه در دقیقه ۵۰ به ثمر رسید. گل را ایاپور با پاس بلند خود پایه ریزی کرد و توپ با پاس شده با ضربه سر محمد رضا با زوکار وارد دروازه کبان شد.

این گل انگیزه می شد برای بیداری کبان و محافظه کاری سازمان آب. کبان با تلاش بیشتر از قبل، سعی در بدست آوردن دست کم نتیجه مساوی داشت و سازمان آب با پاس های عرضی می کوشید بازی را آرام نماید و نتیجه را حفظ کند. آهنگ بازی می رفت خشونت را موجب شود که هوئیاری داور دو خطا به موقع و لازم و بازی را در روال عاری خود حفظ کرد و کوشش های بعدی کبان کاری از پیش نبرد. به اضافه اینکه اگر تیز چنگی دروازه بان کبان نبود، این تیم دو گل دیگر را هم در کیسه اول می دید.

جنجال در دیدار شهباز - شهر بانی

شهر بانی (۱)

اکبر کزازی، مصطفی درودیان، شهرام شیوعی، داود آذری، حسن بایانی - محسن خاکباز پوره، محمد مجیدی، ۱، مجید شکرایی - بهرام گلشنی، ۴ (از ۲ ناصر آقا پور) ۱۲ حسین ملایداله فرکی ۸، منصور زنده مقدم ۱۱ (از تیم دوم اسرائیل عزتی ۱۶) ذخیره ها مجید مکی، محمد سرادی، عباس مال جو

مری: حسین لطفی

شهباز (۱)

ناصر وثوق - علی محمد نریوسانی ۱۴، اکبر محمدی ۲ (از دقیقه ۸۵ عبدالوهاب صالح ۱۹)، نصرالله عبداللهی ۴، بیژن ارشدی ۳، حمید اخلاقی ۱۳، مرتضی میر مقدم ۸ (از دقیقه ۷۰ محمد رضا صدی ۲)، محراب شاهرخی ۵ - قاسم شبانکاره ۷ (از دقیقه ۷۵ غلامرضا شکاری ۱۴)، علی نیا جاتی ۱۰، مصطفی صدی ۱۱، ذخیره ها: منصور راد، فرهاد جلالی، مری: مهرداد شاهرخی

گل ها: دقیقه ۳۱ توسط شبانکاره و دقیقه ۸۵ توسط مصطفی صدی برای شهباز.

دقیقه ۶۰ توسط ملایداله فرکی برای شهر بانی.

داور: جمشید اخباری با کمک محمد اطری و اصغر صدرا لاشراف. بازیکن خطاری: مصطفی درودیان از شهر بانی. اسدی و نریوسانی از شهباز. بازیکن اخراجی: شهرام شیوعی از شهر بانی تماشاگر: حدود ۵۰۰ تن.

پنجشنبه ۲۶ تیرماه ورزشگاه جنوبی راه آهن: بی توجهی به برخی نکات در انتخاب داور مسابقات، گاه موجب بروز اشکالاتی

در برگزاری مسابقه ها شده است و این اشکالات در دیدار شهباز و شهر بانی هم به دلیل داوری جمشید اخباری، بوجود آمد. قبل از شروع مسابقه با ورود اخباری به زمین فضائی غیر عادی بر زمین حکم فرما شد. زیرا تمام دست اندر کاران فوتبال اخباری را به عنوان «کاشی» می شناسند که این بار داوری دیدار شهباز را بعهدہ داشت. اما جنجال این دیدار قبل از آنکه به مغرض بودن یا نبودن داور مربوط باشد به ضعف وی توجهی او به رعایت اصول مسابقه ها مربوط می شد.

جنجال را بی توجهی داور به اعتراض بی باکانه مری و کاپیتان تیم شهباز به اعلام یک اوت پایه ریزی کرد و بی تفاوتی داوران نسبت به اعتراض های متعدد مهرداد شاهرخی، به این بازیکن جرات داده که در آغاز هر دیدار با اعتراض های بی دریغ، داور و کمکها را تحت تأثیر قرار دهد.

شهباز در شرایطی به دیدار شهر بانی رفت که با امتیاز از سه بازی صدرنشینی جدول امتیازها بود و با پیروزی خود همچنان در صدر باقی ماند. شهر بانی در برابر شهباز، آساید گیری را شیوه دفاعی خود ساخته بود ولی در مجموع چهره دفاعی نداشت. هر چند که موقعیت های خود را که در دنبال حمله خوب خود انجام میداد در مقابل دفاع نه چندان قوی شهباز از دست میداد و اگر هوشیارانه عمل می کرد، می توانست از اشتباهات اکبر صدی و نریوسانی (دو دفاع راست شهباز بهره گیرد و به گل های بیشتر دست یابد. همچنان که در دقیقه اول نیمه دوم اسرائیل عزتی با استفاده از اشتباه و سستی اکبر محمدی، توپ را در دید و پاس او به ملایداله فرکی با خروج دروازه بان گل تساوی را برای شهر بانی بوجود آورد.

گل اول مسابقه را شهباز به ثمر رساند این گل دقیقه ۳۱ بازی با ستر صدری از جناح چپ و با ضربه سر شبانکاره به نام شهباز ثبت شد.

در نیمه دوم گل دقیقه نخست که به تساوی یک بر یک انجامید روحیه ای بود برای باران شهر بانی و به همین دلیل توانستند اوایل نیمه دوم را در اختیار بگیرند و اگر شکرایی از موقعیتی که با گذشتن از محمدی و نریوسانی (در دقیقه ۵۰) بدست آورده بود استفاده می کرد، گل دوم شهر بانی دور از دسترس این تیم نبود شکرایی در حالیکه تنها مقابل دروازه بان ایستاده بود، توپ را با شوتی بد از کنار دروازه عبور داد. جنجال دیدار دو تیم که قطع بازی را به مدت ۷ دقیقه موجب شد در دقیقه ۵۰ بازی بوجود آمد. این دقیقه ای بود که گل دوم شهباز در شرایط آساید، به ثمر رسید توپ از جناح راست و از میان میدان به طرف چپ

پاس شد و صدری در شرایط آساید توپ را با سر کنترل کرد و ضربه بعدیش وارد دروازه شد. بی توجهی داور به این آساید باعث جنجال گردید تا جانی که بازیکنان شهر بانی با در آوردن پیراهن خود راه رختکن را در پیش گرفتند و تنها هشدار ایرج چاوشی، سرپرست زمین به عواقب بعدی ترک مسابقه، بازیکنان را به زمین برگرداند.

آنچه ما را در پایان این جنجال به بی غرض بودن اخباری تا حدی مشکوک ساخت تعویض بازیکنان خطاری بود. در مدت قطع بازی باران شهباز با خوردن یخ و تماس با باران ذخیره مقررات را نقض کردند و داور دو اخطار برای نصرالله عبداللهی و نریوسانی نشان داد. اما در گزارش خود اخطار عبداللهی را

ذکر نکرد و به جای آن نام اسدی را به عنوان گیرنده اخطار گزارش داد و با توجه به اینکه عبداللهی یک اخطار هم در بازی های قبل داشت، حذف نام او موجب تردید در مغرض نبودن داور شد. برنامه دیدارهای دسته یکم

باشگاه های تهران

در دنباله دیدار های هفته چهارم مسابقه های فوتبال قهرمانی دسته یکم باشگاه های تهران، این دیدارها انجام میشود: شنبه ۲۸ تیرماه (در زمین جنوبی راه آهن) ساعت ۴ بعد از ظهر بانک سپه با اسپرت ساعت ۶ بعد از ظهر: نفت تهران با بوتان دوشنبه ۳۰ تیرماه (در زمین شماره ۴ امجدیه ساعت ۶ بعد از ظهر دژ تان با ایرانا.

پیروزی بسکتبال

چین بر انگلستان

باشگاه های - تیم ملی بسکتبال انگلستان در چهارمین بازی دوستانه اش در چین ۷۶ بر ۸۰ مغلوب تیم ایلست باشگاه های شد.

در این مسابقه مهیج انگلیسی ها به اداز عقب ماندگی ناچیز ۵۰ بر ۵۱، توانستند در نیمه دوم پیش افتند و مسابقه را ۶۰ بر ۶۰ کنند، اما در شش دقیقه آخر داوری چینی با گرفتن ده تریپت بسود چینی ها امید پیروزی را از آنان گرفت و سرانجام پیروزی با چینی ها شد.

تیمهای شرق آسیا

به مرحله نیمه نهائی

صعود کردند

لاگوس (نيجریه) مسابقه های تیس روی میز کشورهای آسیایی و آفریقای، آمریکای جنوبی - که با شرکت تیمهای ۷ کشور آغاز شده است. مرحله مقدماتی خود را پشت سر گذاشت و در نتیجه تیمهای دختران و پسران ژاپن، جمهوری خلق چین، جمهوری دموکراتیک خلق کره و کره جنوبی به مرحله نیمه نهائی صعود کردند. بازیهای دلدیزیر انجام دادند و تیم مردان این کشور بعد از پیروزی بر تیمهای مصر و توگو، دیروز با نتیجه ۵ بر یک تیم نيجریه (میزبان) را شکست داد و تیم زنان این کشور به دنبال غلبه بر تیمهای کلمبیا، مصر و کوبا به نیمه نهائی رفت.

کلاس مربیگری

فوتبال، به یازدهم

مرداد موکول شد

کلاس مربیگری فوتبال که قرار بود از روز دوم مرداد در مشهد تشکیل شود به روز یازدهم مرداد موکول شد. در این کلاس شصت مربی تهرانی و شهرستانی دوره خواهند دید. سرپرستی این کلاس را فرزند اوقار ملی تیم ملی بعهدہ دارد.

خانلریان بر خطیبی

پیروز شد

در مسابقه دوستانه تیس که بمناسبت افتتاح زمین تیس شرکت صنایع الکترونیک ایران انجام شد. شاهین خانلریان مربی شرکت طی یک ست ۶ بر ۶ بر مجید خطیبی بازیکن ملی پوش پیروز شد.

مسابقات بسکتبال

باشگاه های تهران

آغاز می شود

مسابقات بسکتبال رده بندی باشگاه های دختران و پسران تهران از هفته اول مردادماه آینده در تالارهای سروشیده محمد رضا شاه پهلوی ورزشگاه فتح آغاز خواهد شد.

در این مسابقات ۲۳ تیم در قسمت پسران ۱۱ و ۱۰ تیم در قسمت دختران شرکت کرده اند که مراسم قرعه کشی آن روز چهارم مرداد در فدراسیون بسکتبال انجام خواهد شد.

تسلیت بهکار

هفته گذشته دوست و همکار ما حسین آل ابراهیم در روزنامه کیهان شوهر خواهرش را از دست داد. بدینوسیله مصیبت وارده را به تمام خانواده های عزادار مخصوصاً حسین آل ابراهیم تسلیت می گوئیم.

هیئت تحریریه کیهان ورزشی

آقای غلامرضا کرعزومی زنده برداری خوزستان

دروغ وارد خود را سهیم میدانیم

هوشنگ گنجی - مصطفی حکمت پور - غلامعلی نیاکان



دختران و پسران خراسان در مسابقه تیمی تنیس روی میز آموزشگاههای ایران به مقام قهرمانی دست یافتند. در عکس ورزشکاران پیروز خراسانی به اتفاق مربی مربوطه دهمین میباشوند. قهرمانان از چپ به راست عبارتند از: ناصر نیک اختر، فریا قوام زاده، کمال الدین غراب، خدیجه وحدانی، محسن سیکارچی و افسانه قوام نصیری.

رقابت هزاران دانش آموز ورزشکار، گرمی همیشگی را ندارد!

وزارت آموزش و پرورش مسأله پرورش رافرموش کرده است!

تیمهای تهرانی پشت هم شکست میخورند

بیست و یکمین دوره مسابقات های والیبال، هندبال، تنیس روی میز و دوچرخه سواری آموزشگاههای ایران از هفته گذشته در تهران آغاز شد.

در این مسابقات ۱۲۰۰ دختر و پسر دانش آموز از سراسر ایران شرکت کرده اند تا ضمن رقابت و مبارزات ورزشی، برجسته ترین قهرمانان مدارس ایران را در هر رشته از میان خود برگزینند.

این مسابقات قبلاً قرار بود در تبریز انجام شود اما چون این شهرستان آمادگی لازم برای برگزاری مسابقات و میزبانی ۱۲۰۰ ورزشکار دختر و پسر نداشت، مسابقات به تهران منتقل گردید.

مسابقات اسسال در سطحی پائین تر از دوره های گذشته برگزار می شود و چنین بنظر می رسد که تیمها نسبت به سابق نه تنها پیشرفتی نداشته اند، بلکه ضعیف تر هم شده اند. این نزول در قسمت دختران بیشتر بچشم میخورد به گونه ای که گهگاه مسابقات آنان حتی شکل ظاهری خود را نیز از دست میدهد و بصورت کمدمی برگزار می شود. این نکته بی است که در مسابقات کرمان نیز به کرات مشاهده شده و خبرنگاران محلی ما در گزارشهای روزانه خود بارها از آن یاد کرده اند.

این فقر و گسترده که تقریباً دامنگیر سراسر ایران در سطح آموزشگاهی است، نتیجه بی تفاوتی و کم توجهی مسئولان نسبت به ورزش مدارس ایران است.

ما در ایران هزاران کود کستان، دبستان و دبیرستان داریم که اغلب آنان فاقد امکانات ورزشی حتی در سطح بسیار ابتدایی هستند. در همین تهران چهار میلیون نفری که بنظر شهرستانیها از همه گونه امکانات ورزشی بی نیاز میباشند برای دهها هزار جوان و نوجوان دانش آموز تنها دو یا سه زمین فوتبال و چهار تا پنج تالار سر پوشیده والیبال و بسکتبال داریم که تازه برخی از آنها هم در تابستانها به خاطر گرمای شدید و مجهز نبودن به وسایل خنک کننده و در زمستانها به سبب سرما و نداشتن دروپیکر حسابی، قابل استفاده نیست.

ما در ایران نزدیک به ۶ میلیون محصل داریم که مقایسه آن با معلمان ورزش موجود باعث حیرت و تعجب خواهد شد زیرا که در اینصورت خواهیم دید در مقابل هر یک هزار دانش آموز حتی یک معلم ورزش هم در اختیار نداریم.

با توجه به این واقعیات و با در نظر گرفتن گرفتاریهای دیگری که در راه ورزش مدارس وجود دارد، هرگز نمیتوان بیش از این از جوانان خود و همچنین مسئولان ورزشی مدارس انتظار داشت.

گذشته نشان داده است که وزارت آموزش و پرورش برخلاف عنوانی که با خود یدک می کشد، هیچگاه به فکر پرورش جوانان و نوجوانان در زمینه فعالیت های ورزشی نبوده است و دلیل آشکار و انکار ناپذیر آن، همین کمبود امکانات اولیه ورزشی است که نیاز بدان سالهاست احساس می شود و متأسفانه هیچگونه اقدامی برای برطرف ساختن آن صورت نگرفته است.

بعقیده ما وزارت آموزش و پرورش باید به همان اندازه که برای آموزش دانش آموزان اهمیت قائل هست به مسأله پرورش آنان نیز توجه داشته باشد. و بهمان گونه که شاهنشاه آریامهر همواره در بیانات خود نسبت به مسأله نوجوانان و دانش آموزان تأکید فرموده اند زیربنای ورزش ایران باید در دست آنها و دبیرستانها پایه گذاری شود و این مبسر نیست مگر در سایه امکانات و علاقه مندی مسئولان مربوطه. رسیدن به این هدف احتیاج به همت، از خود گذشتگی و برنامه ریزی صحیح دارد و هیچگونه غفلتی در این راه جایز نیست.

در میان چهار رشته مسابقه ای که در تهران برگزار می شود، مسابقات والیبال از شور و هیجان بیشتری برخوردار است در این رشته ۲۵ تیم دختر و ۲۵ تیم پسر شرکت دارند که در گروه دختران: تیمهای چهارم حال بختیاری، مازندران، استان سرکز، تهران و در گروه پسران: تهران، استان سرکز، تبریز، خوزستان، خراسان و همدان شرایطی بهتر از دیگر حریفان دارند.

پیروزی تیم والیبال تبریز بر تهران در مرحله مقدماتی، شکست تیم دوچرخه سواری تهران در مسابقه ۲ کیلومتر تا تیم تریل، پیروزی نهایی دختران و پسران خراسان در مسابقات تنیس روی میز و بالاخره شکست تیم هندبال پسران تهران در مبارزه با تیم

بقیه در صفحه ۴۸

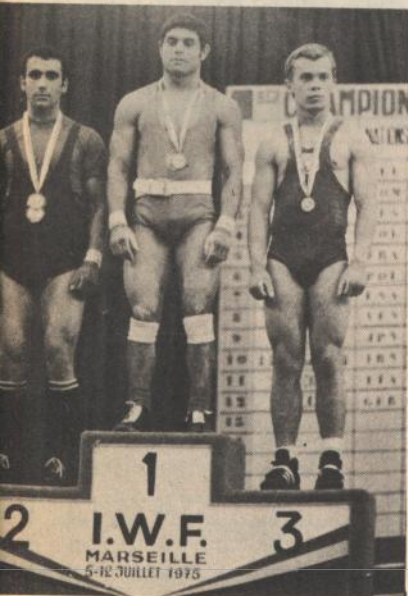


دیدار تیم های والیبال تهران و استان سرکز از حساسیت فوق العاده ای برخوردار بود. در عکس یکی از بازیکنان تیم تهران را می بینید که با وجود مزاحمت دفاع حریف، توپ را به زمین تیم مقابل فرستاده است.

دراولین دوره مسابقات وزنه برداری جوانان جهان

۳ رکورد جهانی، ۱۸ رکورد جوانان جهان و ۲۰ رکورد جوانان اروپا شکسته شد

خریستوف بلغاری، ستاره مسابقات، عبارر رکورد های جهان را فروریخت



از ۹ وزنه بردار شرکت کننده دراولین دوره مسابقات وزنه برداری قهرمان جوانان ایران، تنها احمد رستگار وزنه بردار پرورزن تبریز موفق شد از سد مستحکم وزنه برداران کشورهای شرق اروپا بگذرد و برنده مدال نقره شود. در عکس برندگان مدال قهرمانی حرکت یکضرب را در دسته ۵۰ کیلو می بینید: از چپ به راست: احمد رستگار رضایی از ایران برنده مدال نقره، ممدیش از بلغارستان برنده مدال طلا و سیود از لهستان برنده مدال برنز.

وزنه بردار تبریز برسکوی افتخار

از هنریک تمرز

وزنه بردار معروف شوروی قهرمان سابق جهان در جدول رکورد داران جهان خط زد. در عکس خریستوف جوان را که از پیروزی خود بسیار خوشحال است نمایان می بینید.

خریستوف طی دو ساعت از یکشب ۱۲ بار رکورد های جهان، جوانان جهان و جوانان اروپا را درهم شکست!

فریاد پیروزی

والنتین خریستوف وزن بردار ۱ ساله بلغاری رکورد دار جدید جهان در دسته سنگین وزن، در مسابقات جهانی جوانان جهان ۱۹۷۵ با بلند کردن ۱۷۸ کیلو در حرکت یکضرب، نیم کیلو رکورد جهان را در هم شکست و برقیای نام پروروشین

همانطور که گشایش مسابقات بارزه ورزشکاران ۳۸ کشور و سخنرانها و نمایش جالب توجه دخترکان زیبارو و هنرمند فرانسوی آغاز شده بود، با پان آن هم بهمان ترتیب بود بجز اینکه رژه توسط کشورهایی که تا آن لحظه در ماسی باقی مانده بودند و در وزن های سنگین شرکت کننده داشتند انجام شد.

طی جشنها اظهار میشد نه تجمع ورزشکاران جوان نوعی تجلی دوستی و شناخت فوق ستارگان برای آینده بحساب میآید و این اظهارات را احساسات پرشور تماشاگران بسیار جوان که در میان آنها بچه های کوچک نیز دیده میشد تأیید میکرد.

داوراهاراه خود را بر اساس مقررات بین المللی میدادند و بسیاری از مردم هنگام موقت با عدم موقیت ورزشکاری که با پولاد می چنگید احساسات عمیق نشان میدادند. مسابقه ها در تالار سرپوشیده بسکتبال مجتمع ورزشی «والیر» برگزار میشد.

باینکه در این مسابقه ها ۳ رکورد جهان، ۱۸ رکورد جوانان و ۲۰ رکورد جوانان اروپا شکسته شد و کشورهای شوروی، بلغارستان و لهستان چهره های جدید معرفی کردند، اما بنظر من بسیاری از تماشاگران و اهلاق ستاره مسابقه ها والنتین خریستوف را ثابت نامیدند بود. این وزنه بردار ۱ ساله بلغاری در آن واحد شش رکورد جهان و اروپا را در دسته جوانان و کهنسالان درهم شکست! این جوان اول مسابقه ها بدون اینکه با مصاحبه ترک های آذری روی صحنه «قمیش» بیاید، بی تکلف و بسیار ساده روی صحنه ظاهر میشد و وزنه های را که برایش در نظر گرفته شده بود بدون هیچ فشاری بالا می برد و تنها در دو مورد چهره او روی صحنه فشرده و درهم شد و آن هنگامی بود که میخواست دو وزنه ۱۷۸ کیلو یکضرب و ۲۳۰ کیلو دوضرب را برای شکستن رکورد های جهان بلند کند.

بدون اغراق نمایش حرکات او در وزن خودش درجه یک است و بهتر است این ماه را ماه «خریستوف»

متولد شانزدهم مارس ۱۹۵۶ است - او را بر آن داشت که وزنه های سنگین تر دیگری را هم آزمایش کند. با این امید در حرکت دوم دوضرب تقاضای ۲۲۰ کیلو کرد، و این وزنه از سینه او لغزید. اما ناامید نشد و تقاضای وزنه ۲۳۰ کیلو کرد. نبرد او با این وزنه واقعاً خارق العاده بود. هنگام وزنه برداری او، مسعود پرویند رئیس فدراسیون وزنه برداری و لوتیالیست مشهور سابق ایران را دیدم که با حالت عجیبی به صحنه نگاه میکرد. وقتی مسابقه تمام شد از او سؤال کردم: «در آن لحظه بی که وزنه بردار بلغاری میخواست وزنه ۲۳۰ کیلو را بلند بکند چه احساسی داشتید؟» او در جواب گفت: «احساس بخصوصی نداشتم اما واقعاً سهوت و متعجب بودم» و این کاملاً صحیح بود زیرا تمام تماشاگران و حتی کسانی که سالهاست شاهد فروریختن رکورد های مجری الحول بوده اند، سهوت و حیرت زده بودند.»

این اصلا غیر قابل تصور است که وزنه برداری ۱ ساله در آن واحد شش بار رکورد های جهانی را در یک مسابقه بدین سادگی فروریزد. همچنان انگیزترین صحنه، گریه شدید ناشی از خوشحالی این وزنه بردار کوه پیکر بود که بعد از هر رکوردشکنی تکرار میشد و او را در دهنها جای میداد. بهرحال پس از اینکه خریستوف وزنه ۲۳۰ کیلو را بلند کرد و ۲/۵۰ کیلو رکورد کهنسالان و ۵ کیلو رکورد جوانان جهان را شکست، در مجموع نیز با بلند کردن ۴/۵۰۰ کیلو، جوانان و کهنسالان جهان را - که متعلق بخودش بود - ترفی داد. او پس از فتح مسابقه دسته ۱۱۰ کیلو و بطور کلی مسابقه های جوانان جهان، ۱۵ دقیقه در رختکن گریست و وقتی که با ابراز احساسات تماشاگران روی سکوی قهرمانی صعود کرد. چشمهای سرخ و هنوز تر بود.

بنامیم او را وزنه بردار ماه انتخاب کنیم اگرچه دیگر وزنه برداران شوروی و بلغارستان مانند شاری، آکسیف و بلاچکوف در مسابقات داخلی و مسابقات دو جانبه رکورد های بسیاری فرو ریخته اند. آنچه مسلم است تمام نمایشهای وزنه برداری او ثابت می کند که هنوز خیلی جا دارد پیشرفت بکند خریستوف برای اینکه کاملاً در خدمت تیم باشد حرکات اول خود را از وزنه هایی که برای نیروی لایزال او تقریباً هیچ بود. شروع میکرد وزنه ۱۵۲/۵۰۰ کیلو در حرکت یکضرب برای وزنه برداری که خاتمه کارش روی صحنه رقم ۱۷۸ کیلو را نشان میدهد هیچ است اما حرف شنوایی، سر بزیری که در قیافه محبوب او کاملاً پیدا بود موجب آن شد حرکت یکضرب خود را از ۱۵۲/۵۰۰ کیلو شروع بکند و بعد بترتیب ۱۶۲/۵۰۰ و ۱۷۵ کیلو را زد و در نوبت چهارم، خارج از مسابقات برای شکستن رکورد جهانی کهنسالان و جوانان که بترتیب ۱۷۷/۵۰۰ و ۱۷۵ کیلو بود، تقاضای ۱۷۸ کیلو کرد. خریستوف - که تا آن لحظه کاملاً بر صحنه مسلط شده بود - بسیار ساده اما با قدمهای محکم روی صحنه ظاهر شد و یک راست بسوی وزنه آمد و با یک حرکت آنی و تکنیکی جانب وزنه سنگین را بالای سر پرواز درآورد. روش و خوی مبارزه جویبی و بدنی خوش تر کبب و همچین جنگ آوری او - که در لحظه بلند کردن وزنه نمایش درمیآید - نشان میدهد که او براحتی تا ۹۰ کیلو هم میتواند پیشرفت بکند و هیچ بعد نیست و زور و زنگاری ۲۰۰ کیلو را هم بلند کند!

توفان رکورد شکنی در دوضرب

در حرکت دوضرب نیز او با بلند کردن ۲۰۰ کیلو در رأس ده وزنه بردار شرکت کننده در دسته ۱۱۰ کیلو قرار گرفت و اولین مدال طلای قهرمانی جوانان جهان را بخود اختصاص داد. در حالیکه دو رکورد جهانی و اروپا را در دسته جوانان و کهنسالان در مشت داشت. آمادگی خوب وزنه بردار ۱ ساله بلغاری - که

سپهبد حجت در مصاحبه مطبوعاتی:

بقیه از صفحه ۳

فضای خوشترنگ میدیم. به مهندس بهزادی صریحاً گفتیم: «با من شوخی نکن، ماهی ۴۱ هزار تومان پول میکیری باید کارت را بکنی وگرنه بموجب قرار داد از تو و شرکت خلع یدیمکنم.»

«چمن زمین فوتبال ورزشگاه را بعنوان یک چمن در سطح عالی جهانی به سازمان تربیت بدنی تحویل داده وگفته بودند که مطابقی آخرین اصول پیشرفته ژه کشی شده. اما دیدیم که بویزه بعد از بازیهای آسیایی این چمن مرتب رو به نابودی رفت بطوریکه برای روز رستخیز ما مجبور شدیم روی قسمتهای آن از آن بذر دستی بیاشیم که فقط سبز نشان بدهد. بعد بررسی کردیم و بر اثر دقت زیاد متوجه شدیم که شرکت سازنده این زمین نه فقط چمن در سطح عالی عرضه نکرده بلکه اساساً زیر آنرا ژه کشی نکرده است! حالا چرا در زمانی که این ورزشگاه ساخته میشد، به این نکات توجه نشده و نظارت در آن وجود نداشته آن مسئله دیگریست که وارد آن نمیشویم. بهر حال بقیه شرکت مقاطعه کار را محکم گرفتیم که بیاید و مطابق نقشه‌های و طرحی که برای آن قرار داد بسته زیر زمین چمن را ژه کشی کند اما این کار شاهانه وقت میخواهد و ما بازیهای جام ایران را در پیش داشتیم. از مهندس بهزادی خواستیم که یک چمن برای سه چهار ماهه درست کند که بازیهای جام ایران و مقدماتی انتخابی المپیک را برگزار کنیم و بعد کار اساسی را بعد از جشن چهارم آبان شروع نمایم.

مهندس بهزادی رفت یک انگلیسی آورد که مسئول فضای سبز و زمین چمن ورزشگاه ویلی لندن است و او که خبر نداشت زیر زمین ژه کشی نشده، وعده ایجاد چمن عالی با شکل شرطنچی داد. خیلی هم زحمت کشیدند و تمام خاک محوطه را عوض کردند و بذر پاشیدند و روزهای اول هم چمن عالی بود و من شخصاً بر آن نظارت میکردم تا آنکه چند روز پیش از شروع جام ایران یک روز که برای سرکشی رفتم دیدم که وسط یک لکه از چمن زرد شده و همانوقت هشدار دادم که چمن از بین رفت و همانطور که دیدید همه چمن سوخت و شرکت مذکور را مجبور کردم که از قسمتهای دیگر چمن بیوازند و سطح زمین فوتبال را با آن پوشانند. علت سوختن چمن علاوه بر فقدان ژه کشی زیر زمین و گرمای شدید هوا، اشتباهی بود که شرکت بر اثر شتابزدگی مرتکب شدو به خاک تازه چمن یک کود قوی شیمیایی اضافه کرد که مخصوص گل است و برای چمن خیلی زیاد است.

بهر حال من از بازرسی شاهنشاهی درخواست کردم به این مسئله رسیدگی کنند و معلوم شد علاوه بر آن که زیر زمین را ژه کشی نکرده‌اند بلکه روی زمین هم چمن ساتی مترخاک رس ریخته و آنرا با ماشین‌های سنگین کوبیده‌اند که آب نمیچسبند از آن نفوذ نمیکند در نتیجه آب همیشه در سطح میایستاد و چمن را از میان میبرد چنانکه هر موقع بارندگی میشد یک قشر ضخیم آب مثل دریاچه چمن را میگرفت. بهر حال شرکت موظف است بی آنکه دیناری از ما مطالبه کند با نظارت دقیقی که شخصاً خواهم کرد این چمن را آنطور که در قرارداد ذکر شده مطابق بالاترین سطح تهیه کند و تحویل دهد. بنابراین خواهش منم از یکطرف توجه کنید که ما چه گرفتاریهایی داریم و وقتمان را برای چه مواردی باید صرف کنیم و از طرف دیگری بنید که به نهایت شدت قضیه را تعقیب کرده‌ایم و به بهترین وجهی از حقوق ورزش ایران دفاع می‌کنیم. پس از آن سپهبد حجت به سؤالات دیگر خبر نگاران پاسخ داد و از اقامت عمرانی در تهران و شهرستانها سخن گفت که آنرا به شماره آینده‌می گذاریم.

کارنامه رکورد شکنی خریستوف

* یکضرب جوانان جهان واروپا: ۱۷۸ کیلو رکورد سابق ۱۷۵ کیلومتعلق بهخودش بود.
* یکضرب کهنسالان جهان واروپا: ۱۷۸ کیلو - رکورد سابق ۱۷۷/۵۰۰ کیلومتعلق به پرویشین از شوروی بود.
* دوضرب جوانان جهان واروپا: ۲۳۰ کیلو - رکورد سابق ۲۲۵ کیلومتعلق بهخودش بود.
* مجموع کهنسالان جهان واروپا: ۴۰۵ کیلو - رکورد سابق ۳۲۷/۵۰۰ کیلومتعلق به «استونز» از شوروی بود.
* مجموع جوانان جهان واروپا: ۴۰۵ کیلو - رکورد سابق ۴۰۲/۵۰۰ کیلومتعلق بهخودش بود.
* مجموع کهنسالان جهان واروپا: ۴۰۵ کیلو رکورد سابق ۴۰۲/۵۰۰ کیلومتعلق بهخودش بود. مدال نقره این مسابقه را واری سردو کوف دانشجوی تربیت بدنی مسکو بچنگ آورد او که بسیار نیرومند مینود، در برابر درخشش عظیم وزنه بردار بلغاری اهمیت خود را از دست داد. در صورتیکه جنگ او (با وزن بدن ۹۵/۸۰۰ کیلوگرم) باوزنه‌های ۱۶۰ کیلو در یکضرب و ۲۰۰ کیلو در دوضرب خوب بود. اگرچه در آخرین لحظات شکست خورد و با مجموع ۳۴۷/۵۰۰ کیلو یکبارگی خاتمه داد. مدال برنز این وزن را یک بلغاری دیگر بنام دارانداروف با مجموع ۳۴۰ کیلو مدال برنز گرفت و این مدال را آسان بدست نیآورد زیرا «هون کار» از آلمان شرقی سخت او را تهدید میکرد و سرانجام پس از اینکه ۱۹۰ کیلو را از بالای سر انداخت، تن به مقام چهارمی داد.

یروزی بزرگ خریستوف عملاً تیم ملی وزنه برداری بلغارستان را با ۸۴ امتیاز بقم قهرمانی رساند زیرا شورویها با ۹ وزنه بردار تا آن لحظه ۸۲ امتیاز بدست آورده بودند اما مدال‌های طلایی بلغاری یکی بیشتر از شورویها بودو این برتری بلغاریها را نشان میداد در صورتیکه «داران داروف» وزنه بردار دیگر بلغاری (یعنی فرد نهم) هنوز برای گرفتن مدال برنز روی صحنه نبرد میکرد. در خاتمه کار این وزنه بردار، عملاً بلغارستان با ۳ امتیاز تیم نیرومند شوروی را شکست داد و مدعی بزرگ قهرمانی با همان ۸۳ امتیاز سوم شد و تیم لهستان با ۵ امتیاز مقام دوم دست یافت.

رده بندی ملت ها:

۱- بلغارستان ۹۳ امتیاز ۲- شوروی ۸۳ امتیاز
۳- لهستان ۶۸ امتیاز ۴- آلمان شرقی ۶۳ امتیاز
۵- ژاپن ۳۲ امتیاز
تیم ملی جوانان ایران با بدست آوردن ۱۴ امتیاز در میان ۳۸ کشور شرکت کننده یازدهم شد.

رده بندی اولین دوره مسابقات وزنه برداری جوانان جهان «مارسی» فرانسه

۵۲ کیلوگرم (شرکت کننده ۲۰ تن)
۱- دانیل چنکوف شوروی ۲۰۵ (۱۱۵+۹۰)
۲- سورین لهستان ۲۰۰ (۱۱۵+۹۰)
۳- هورنیک بلغارستان ۲۰۲/۵ (۱۱۵+۸۷/۵)
۴- کویا یاشی ژاپن ۲۰۰ (۱۱۰+۹۰)
۵۰ کیلوگرم (شرکت کننده ۱۷ تن)
۱- دمبون ژیک لهستان ۲۴۰ (۱۳۲/۵+۱۰۷/۵)
۲- چین شوروی ۲۲۷/۵ (۱۲۷/۵+۱۰۰)
۳- ناوویوس آلمان شرقی ۲۲۵ (۱۳۰+۹۵)
۴- ماریانا ژاپن ۲۲۵ (۱۲۲/۵+۱۰۲/۵)
۵۰ کیلوگرم (شرکت کننده ۲۱ تن)
۱- همیش بلغارستان ۴۶۷/۵ (۱۳۷/۵+۱۱۰)
۲- سیود لهستان ۲۴۵ (۱۴۰+۱۰۵)
۳- بوتارومانی ۲۳۰ (۱۳۰+۱۰۰)
۴- رستگار ایران ۲۲۷/۵ (۱۰۵+۱۲۲/۵)
۶۷/۵ کیلوگرم (شرکت کننده ۲۲ نفر)
۱- تاسکوف بلغارستان ۲۸۷/۵ (۱۶۲/۵+۱۲۵)

۲- آمبروزی آلمان غربی ۲۸۲/۵ (۱۶۰+۱۲۲)
۳- تودروف بلغارستان ۲۸۰ (۱۵۵+۱۲۵)
۴- وروتیا کوبا ۲۸۰ (۱۵۷/۵+۱۲۲/۵)
۷۵ کیلوگرم (شرکت کننده ۲۳ تن)
۱- وارناتیان شوروی ۳۳۵ (۱۸۵+۱۴۰)
۲- میتکوف بلغارستان ۳۲۰ (۱۷۷/۵+۱۴۲/۵)
۳- دیل کوف بلغارستان ۳۰۰ (۱۶۵+۱۳۵)
۴- سیویاک لهستان ۲۸۷/۵ (۱۶۲/۵+۱۲۵)
۸۲/۵۰۰ کیلوگرم شرکت کننده ۱۳ تن
۱- بلی چووسکی بلغارستان ۳۳۰ (۱۸۵+۱۴۵)
۲- بلاکوف بلغارستان ۳۲۷/۵۰۰ (۱۸۰+۱۴۷/۵)
۳- ژوخین شوروی ۳۱۲/۵۰۰ (۱۷۲/۵+۱۴۰)
۴- ژازویویچ لهستان ۳۰۲/۵ (۱۶۷/۵+۱۳۵)

۹۰ کیلوگرم (شرکت کننده ۱۲ تن)
۱- سعیدالله شوروی ۳۲۰ (۱۹۲/۵+۱۵۷/۵)
۲- هن نینگ آلمان شرقی ۳۲۰ (۱۸۲/۵+۱۴۷/۵)
۳- شیزوف شوروی ۳۱۰ (۱۷۰+۱۴۰)
۴- سولارچکسلاواکی ۳۰۷/۵ (۱۶۷/۵+۱۴۰)

۱۱۰ کیلوگرم شرکت کننده ۱۰ تن
۱- خریستوف بلغارستان ۴۰۵ (۲۳۰+۱۷۵)
۲- سردو کوف شوروی ۳۴۷/۵ (۱۹۲/۵+۱۵۵)
۳- داران داروف بلغارستان ۳۴۰ (۱۹۲/۵+۱۴۵)
۴- فون کالمان شرقی ۳۳۷/۵ (۱۸۵+۱۵۲/۵)

۱۱۰ کیلوگرم (شرکت کننده ۳ تن)
۱- اسکولمووسکی لهستان ۳۵۷/۵ (۱۹۵+۱۶۲/۵)
۲- ویت زک آلمان شرقی ۳۳۷/۵ (۲۰۵+۱۵۰)
۳- ریکولت کانادا ۳۱۰ (۱۷۲/۵+۱۳۷/۵)

مدال نقره حسن رستگار در پرورزن،

غرو آرمیز بود

نمایش وزنه برداران جوان ایران تنها در دسته پر وزن موجب شد که ایران به یک مدال نقره دست یابد. حسن رستگار وزنه بردار ۶۰ کیلویی تبریز در میان ۱۲ تن شرکت کننده از ۱۱ کشور با بلند کردن ۱۰۵ کیلو یکضرب نامش در جدول مدال بگیرها و نام او را قرار گرفت و این اولین و آخرین مدال بود که وزنه برداران جوان ایران در نخستین مسابقه بین المللی وجهانی خود بچنگ آوردند و این غروری است بسیار برای جوانان آذربایجان و بخصوص تبریز.

مدال طلای حرکت یکضرب را «ناسوف همیش» سرباز وظیفه ۱۹ ساله بلغاری با بلند کردن ۱۱۰ کیلومال خود کرد. او در حرکت چهارم خارج از مسابقه برای شکستن رکورد اروپا و جهان ۱۱۰ کیلو را تا بالای سر هم بالا کشید. اما در آخرین لحظات آنرا از دست داد.

بطور کلی سطح رکوردها در اوزان سبک در سطح جهانی نبود. اما رقابت برای کسب مدال طلا بسیار فشرده بود و وزنه بردار ۶۰ کیلویی بلغاری با بدن جالب و پولادین خود، زجر فراوان کشید تا در مجموع نیز بمدال طلا دست یافت زیرا «سیودا» وزنه بردار ۲۰ ساله لهستان او را چون سایه تعقیب میکرد که سرانجام با اختلاف ۲/۵۰۰ کیلو به بلغاری باخت و دوم شد. همیش وزنه ۱۴۵/۵۰۰ کیلو را در حرکت دو ضرب برای شکستن رکورد اروپا روی سینه آورد اما موفق نشد بالا ببرد، رستگار که در حرکت دوضرب ضعیف بود با دویا و آزمایش ۱۲۰ کیلو را زد و بعد ۱۲۲/۵۰۰ کیلو را هم بلند کرد و با مجموع ۲۲۷/۵۰۰ کیلو کنار رفت در خاتمه کار پر وزنها تنها سه وزنه بردار از رستگار بیشتر وزنه بلند کردند و وزنه بردار پر وزن ایران در مجموع به مقام چهارم دست یافت بوتارومانی با ۲۳۰ کیلو سوم شد.

د مسابقه های قهرمانی بسکتبال و فوتبال آموزشگاه های ایران در کرمان:

پیکار ۷۰ دانش آموز به مرحله نهای رسید

فوتبال خوزستان حذف شد

مسابقه های کرمان در کنار کمیت خوب، از حیث کیفیت سخت فقیر است!

میدان های ورزش
جای بچه های
لوس و فتر نیست!

آزاد، زیر آفتاب سوزان تیر ماه کرمان انجام شد و این باعث دلخوری عمده زیادی شده بود و حق هم داشتند.

کمیت مطلوب، کیفیت بد

حضور نزدیک به ۱۰۰ ورزشکار جوان آنهم فقط در در رشته ورزشی، بیش از هر چیز عطش شهروندی ها را بشرکت در این گونه مسابقات نشان میدهد. اما در کنار این کمیت بطا هر دلخوش کنند، باید از یک درد کهنه سخن بیان آوریم و آن، ناهماهنگی قدرت تیمهای حاضر در این دوره بود و این عدم توازن بعدی بود که حتی دیدار تیمهای متوسط با ضعیف ها، بیشتر به رنگ تفریح شبیه بود و بی!

بطور مثال بسکتبال دختران بندرعباس را نمونه می آوریم که در دیدار با تیمهای استان مرکزی و گرگان نتوانست بازی را باخبر برساند و سبب ضعف شدیدی تمامی یاران این تیم از نظر فنی، در همان اوائل مسابقه با خطا از زمین اخراج شدند و بازی نیمه تمام ماند! و یادیدار تیمهای دختران اصفهان-زنجان را مثال میزنیم که آرزوی بفرمانندن حتی یک گل بدل زنجانها ماند و در عوض اصفهان ۷ امتیاز کسب کرد و این پیش از آن که درخشش و قدرت تیمهایی نظیر اصفهان را ثابت کند، گویای ضعف و خواب ورزش در زنجان و بندرعباس و امثال آنها را میسراند.

بی تفاوتی

از این مسائل نه بگذریم یک مسئله مهم و در عین حال تاسف بار بنام «بی تفاوتی» برمیخوریم. در روزگاری نه چندان دور، راه یافتن میدان مسابقات بزرگ نظیر قهرمانی ایران آرزوی هر ورزشکاری بود، اما امروز با کمال تاسف می بینیم که دیگر چنین نیست و آن گری گزیده، جای خود را به بی تفاوتی و سردی داده است. در غیر این صورت غیبت بزرگانی چون تهران، بندرعباس و کردستان، در فوتبال و دختران کرمانشاه، سمنان، کردستان، همدان و کهگیلویه در بسکتبال را بچه چیرمی توانیم تعبیر کنیم؟

وقتی علت این غیبت را میبرسیم، از هیچ سس جواب قانع کننده ای نمی شویم. به همین سبب است که به مسئولان هشدار میدهم، می بایست علت این بی حالی را جویا شوند و نگهدارند سستی مسئول نشاخته ورزش، بخاطر دلایل غیر موجه از ابراز وجود و عرضه استعداد جوانان برومند و علاقه مند به ورزش در میدان های برابر چون قهرمانی ایران جلوگیری کنند.

ورزش، جای لوس ها نیست

... و اما از همه تاسف بارتر اینکه شنیدیم یکی از بازیکنان بسکتبال تهران که برای همه نامی آشنا دارد- بسنولان گفته است که در صورتی به کرمان خواهد رفت که برایش هواپما بگیرند و در غیر اینصورت تیم را همراهی نخواهد کرد و این حساب می خواسته است «ناز» کند! و ورزش هم جای «ناز کشیدن» از سستی مترسک و لوس

عکسها از: بداله سلطانی

گزارش از: مجتبی عمرانی

کرمان- بیست و یکمین دوره مسابقه های قهرمانی بسکتبال و فوتبال آموزشگاه های ایران- که از جمعه گذشته در شهر تاریخی کرمان آغاز شده بود وارد مرحله نهای خود شد.

در این مسابقات جمعا ۸۷۰ دختر و پسر منتخب از ۲ استان و فرمانداری کل با هم رقابت دارند.

در سالهای گذشته، مسابقات نهائی قهرمانی مدارس ایران در تمامی رشته ها همزمان در یک محل برگزار میشده و کثرت شرکت کننده بعدی بود که مسئله تامین غذا و جای این عده، همه ساله مسئولان را با مشکلات متعددی مواجه می ساخت. به همین سبب برنامه این مسابقات از پیش تغییر کرد. بدین صورت که ابتدا میان ورزشکاران هراستان یکدوره مسابقه انتخابی داخلی برگزار میشده و آنگاه قهرمانان منتخب چند استان مجاور برای راه یافتن به مسابقه های قهرمانی ایران در پنج منطقه کشور، رو در روی هم قرار میگرفتند و تیمهای پیروز مناطق پنجگانه، دیدارهای قهرمانی ایران راه می یافتند.

این برنامه صرف نظر از آنکه تا حدودی سختی مسئله تامین غذا و مکان را تقلیل داد یک عیب بزرگ داشت و آن عدم توازن میان تیمهای مناطق پنجگانه بود و به همین سبب بسیاری از تیمها در همان قدم اول از پا در می آمدند و راه یافتن به مسابقه های قهرمانی ایران برای این عده، بصورت یک آرزوی محال درآمد بود!

بعنوان نمونه منطقه چهار و پنج را مثال می آوریم که قهرمانان فارس و تهران خیلی راحت تمامی عناوین قهرمانی را غارت میکردند و کمتر بخت خودنمایی به رقبا میدادند و قدر مسلم ادامه این وضع، به ناپودی ورزش در آموزشگاه ها می انجامید و این، مسئولان ورزش آموزشگاهها را وادار کرد که با وجود مشکلات متعدد، دوباره همان شیوه سنتی را پیش گیرند. این دوره از مسابقه ها که حدود ۶ هزار دانش آموز دختر و پسر بزرگراه آموزشگاه های سراسری ایران در آن شرکت داشتند ابتدا قرار بود یکجا و همزمان در مجموعه مجهز و کامل آریامهر برگزار شود، ولی همزمانی با مسابقه های جام فوتبال ایران و اشکالات دیگر این برنامه را تغییر داد و بعد از بررسی بسیار، سرانجام کرمان تهران و کرمانشاه میزبانان مسابقه ها را تقبل کردند.

کمبود تالار سرپوشیده

میزبانی قهرمانان منتخب دو میدانی، شطرنج، بسکتبال و فوتبال این دوره به عهده کرمان گذاشته شده بود که دیدارهای ورزشکاران بسکتبال و فوتبال با سه روز تاخیر بعد از پایان مبارزه های داغ قهرمانان دو میدانی و شطرنج در این شهر آغاز گردید و با وجود تمامی پیش بینی ها، اولین مسئله ای که در این دوره با آن روبرو شدیم، کمبود تالار سرپوشیده ورزشی در این شهر بود، زیرا تنها سالن سرپوشیده قابل توجه این شهر، ظرفیت انجام تمام مسابقات بسکتبال را نداشت و به همین سبب نیمی از دیدارها در هوای

رقابت هزاران دانش آموز ورزشکار،

بقیه از صفحه ۴۵ گرمی همیشگی را ندارد!

خوزستان از جمله حوادث مهم و قابل ملاحظه مسابقات هفته گذشته بود.

هندبال تنها رشته ای است که، مبارزات گرمی را پشت سرمی گذارد. این رشته که هنوز در ایران قاعد در اسیون میگذراند بعد از آنکه از سال ۱۳۴۷ به اینطرف در مسابقات آموزشگاهها گنجانیده شده، همه ساله علاقه مندان و طرفداران بیشتری پیدا کرد تا اینکه اسسال ۱۷۵ دختر از ۱۷ استان و فرمانداری کل و ۲۳۶ پسر از ۲۲ استان و فرمانداری کل در این مسابقات شرکت کردند.

در میان تیمهای شرکت کننده اصفهانها از قدرت و شایستگی بیشتری برخوردار هستند. بویژه در قسمت پسران که سطح بازیشان بر مراتب بالاتر از تیمهای دیگر میباشد.

تیمهای دختران خوزستان، تهران، فارس و پسران خوزستان، فارس و تهران نیز از جمله تیمهای خوب این مسابقات هستند. هندبال رشته ای است پر تحرک و بسیار شیرین که بدون شک در سالهای آینده بیشتر مورد توجه جوانان قرار می گیرد.

هفته پیش در رشته های تنیس روی میز و دوچرخه سواری مسابقات به پایان رسید و این نتایج بدست آمد:

دوچرخه سواری

یک کیلومتر

- ۲۰ کیلومتر تا نیم تریل تیمی
- ۱- تبریز با ۵/۷-۲۸ دقیقه
- ۲- خراسان با ۶/۷-۲۹ دقیقه
- ۳- تهران با ۸/۸-۳۰ دقیقه
- ۴- فارس ۵- آذربایجان غربی
- ۶- استان مرکزی

- ۱- علی پور بهر از تهران با ۲/۴-۱۰ دقیقه
- ۲- علیرضا حضوری از تبریز با ۷/۷-۳۸ دقیقه
- ۳- اصغر خدا یاری از تبریز با ۱/۱-۴۰ دقیقه
- ۴- علی ایبازی از خوزستان
- ۵- رضاقلی زاده از خراسان
- ۶- رجبعلی طرفقدری از خراسان

تنیس روی میز (تیمی)

پسران:

- ۱- خراسان (ناصر نیک اختر، کمال الدین غراب، محسن سیگارچی، مجتبی تبریزیان)
- ۲- تهران ۳- مازندران

دختران:

- ۱- خراسان (فریبا قوام زاده، خدیجه وحداتی، افسانه قوام نصیری)
- ۲- تهران ۳- مازندران



صحنه‌ای از مسابقه بسکتبال بین تیمهای فارس و کرمان که بسود کرمانی‌ها پایان پذیرفت.

صحنه‌ای از مسابقه بسکتبال بین تیمهای پسران بوشهر و زاهدان که بسود بوشهریها خاتمه یافت.

زمین بازی کنترل شمارش پناثی‌ها از دست داور خارج شد. تیم بوشهر بحال اعتراض زمین را ترک گفت و کمیته فنی مسابقات تصمیم گرفت که بازی این دو تیم را تجدید کند.
دیدار دیگر میان تیمهای کهگیلویه و بویراحیه و بوشهر انجام شد که تیم بوشهر بعد از کسب نتیجه مساوی صفر بر صفر، در مسابقه پناثی با نتیجه ۴ بر ۲ بر کهگیلویه پیروز شد و به مسابقه نهایی راه یافت.

مسابقات دوچرخه سواری مبتدیان برگزار شد

فدراسیون دوچرخه سواری ایران به منظور توسعه و تعمیق رشته دوچرخه سواری میان جوانان مبتدی، هفته گذشته مسابقه بی ترتیب داد که در آن ۶۰ دوچرخه سوار کم تجربه شرکت داشتند.
این مسابقه به مسافت ۲ کیلومتر در جاده شرقی ورزشگاه آریامهر برگزار شد و

نفرات اول تا ششم به شرح زیر برگزیده شدند:
۱- علی جان بوربور ۵/۲۲-۲۷ دقیقه.
۲- ناصر صادقی ۵۰/۷-۲۷ دقیقه.
۳- منصور حنیفه ۵۰/۷-۲۷ دقیقه.
۴- صادق پرتیان فر ۵۴/۵-۲۷ دقیقه.
۵- صالح و کیلی ۲/۳-۲۸ دقیقه.
۶- علی کریمی ۵/۸-۲۸ دقیقه.

توضیح درباره مقاله آلکسیف

چون مطلب آقای بلور راجع به کشتی در شاهنامه و همچنین تراکم اخبار مربوط به فوتبال جام ایران تعداد زیادی از صفحات این شماره ما را اشغال کرد با عرض معذرت از خوانندگان، چاپ بقیه داستان زندگی آلکسیف را به شماره بعد موکول می کنیم.

و نترسست وجه بهتر که چنین ورزشکاری هرگز بمیدان های مقدس ورزش راه نیابد.
با این مقدمه به چگونگی مسابقه ها میپردازیم. در بسکتبال پسران ۲۵ تیم حضور داشتند که در پنج گروه چهار تیمی و یک گروه پنج تیمی بطور دوره‌ای با هم مبارزه کردند و بعد از انجام دیدارهای مقدماتی، از هر گروه دو تیم بشش زیر مرحله بعدی مسابقه ها راه یافتند.

در دسته اول تیمهای تهران، همدان، آذربایجان غربی و یزد قرار داشتند که پسران تهران با سه پیروزی در مقابل رقبای هم گروه خود با برتری کامل اول شد و بدنبال تهران تیم آذربایجان غربی و نیز مرحله بعدی صعود کرد.
در دسته دوم تیمهای خوزستان، فارس، کرمان و سمنان رقابت داشتند که کرمان با درخششی چشمگیر اول شد و تیمهای فارس و خوزستان دوم و سوم شدند.
در دسته سوم کرمانشاه، ایلام، گیلان و استان مرکزی جمع بودند و کرمانشاهی ها از همدان ابتدایکه تازی آغاز کردند و سرانجام با پیروزی بر سه حریف همگروه خود اول شدند و تیمهای استان مرکزی و گیلان ترتیب به مقام های دوم و سوم دست یافتند.
در دسته چهارم، پسران اصفهان با سه پیروزی جالب در مقابل چهار رقیب بختیاری، گرگان و لرستان قهرمان شد و بدنبال این تیم گرگان نیز بدور بعد راه یافت.

در دسته پنجم، مازندران، بندرعباس، کهگیلویه و بویراحیه و زنجان حضور داشتند که شمالی ها قهرمانی را بخود اختصاص دادند و بندرعباس و زنجان مکان های بعدی را تصاحب کردند.

در دسته ششم، خراسان با چهار پیروزی در مقابل کردستان، بوشهر، زاهدان و آذربایجان شرقی بکار خود پایان داد و تبریز هم با تصاحب عنوان های دوم و جواز ورود به مرحله یکدوازدهم راه بدست آورد.

بسکتبال دختران

در بسکتبال دختران بیست تیم رقابت داشتند و در چهار گروه پنج تیمی بطور دوره‌ای دیدار داشتند که پس از پشت سر گذاشتن دیدارهای مقدماتی تیم های آذربایجان شرقی و غربی، خوزستان، گرگان، تهران، اصفهان، کرمان و مازندران به مرحله یک هشتم صعود کردند.

ناکام بزرگ بسکتبال دختران، دو تیم استان مرکزی (شمیران) و خراسان بودند که با همه لیاقت و شایستگی با چشمان اشکیار، میدان را برای سایر رقبا خالی کردند، این دو تیم در حالیکه از خیلی ها سر بودند، در تقاضا گل مغلوب حریفان شدند!

فوتبال

در فوتبال ۲۲ تیم رقابت داشتند که در چهار گروه بطور دوره‌ای مبارزه کردند که از دسته «الف»: تبریز و کهگیلویه - دسته «ب»: کرمانشاه و لرستان.

دسته «ج»: همدان و استان مرکزی دسته «د»: بوشهر و یزد برای دیدارهای یک هشتم برگزیده شدند.

آخرین نتایج تادیشب!

بسکتبال دختران: اصفهان ۷- کرمان ۲۲، تهران ۶۳- مازندران ۱۳، تبریز ۳۲- گرگان ۲۷، رضائیه ۶- خوزستان ۵
بسکتبال پسران: تهران ۷- کرمانشاه ۵۰، استان مرکزی ۶۱- رضائیه ۳۵، اصفهان ۶۰- کرمان ۵۳، گرگان ۵۲- فارس ۴۸، مازندران ۵۱- آذربایجان شرقی ۴۹، خراسان ۵۷- بندرعباس ۴۴.

در قسمت دختران تیمهای اصفهان و آذربایجان شرقی (از گروه اول) و تیمهای تهران و مازندران (از گروه دوم) و در قسمت پسران تیمهای تهران و مازندران (از گروه اول) و خراسان و اصفهان (از گروه دوم) به مرحله نیمه نهایی صعود کردند.

در مسابقات فوتبال که چهار تیم تبریز، کرمانشاه، یزد و کهگیلویه به نیمه نهایی رسیده اند دیدار تیمهای کرمانشاه و یزد که بعد از ۹ دقیقه ۲ بر ۲ تمام شده بود و برای شناخت تیم مسابقه نهایی به ضربات پناثی کشیده شد، در شمارش تعداد پناثی ها بین نادر لطیفی (داور سابقه) و بازیکنان یزد اختلاف نظر پیش آمد، زیرا بر اثر شلوغی

تیم فوتبال پر قدرت جام تخت جمشید در رشت باشگاه ورزشی همای تهران با باشگاه ورزشی سپید رود رشت تیم خوش ترکیب جام تخت جمشید با تمام ملی پوشان ساعت ۵ بعد از ظهر جمعه سوم مرداد ماه در استادیوم ورزشی رشت برگزار میگردد

مهرشاد شریف در آستانه استادی بین المللی

از: حسینقلی سالور

چهار بعد از ظهر چهارشنبه ۲۵ تیرماه قهرمانان برگزیده کشور خود را اردن ، پاکستان ، سوریه ، لبنان ، هندوستان و ایران پیکار پرشور خود را برای گزینش قهرمان این منطقه جهانی — که مجاز به شرکت در مسابقات بین قاره‌ای می‌باشد — در تالار مجلل کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران آغاز نمودند.

گرچه قبلاً بازیکنان مغولستان و عراق نیز آمادگی خود را برای شرکت در مسابقات اعلام کرده بودند ، ولی تا موعدی که جهت قرعه کشی بازیها تعیین شده بود به تهران وارد نشدند و به همین سبب قرعه کشی مسابقات بدون حضور بازیکنان دو کشور یاد شده انجام شد و بازیها طبق برنامه پیش بینی شده آغاز گردید .

دور اول بازیها تازه آغاز شده بود که فدراسیون شطرنج عراق تلگرافی اطلاع داد که یکی از قهرمانان خود را به تهران اعزام نموده است بازیکن مذکور مومنی وارد تهران شد که قهرمانان شرکت کننده مبارزات اولین دور را پشت سر گذاشته بودند . با نظر کمیته برگزار کننده مسابقات و با توجه باینکه افزایش تعداد بازیکنان قبل از آغاز دور دوم درگرونی چندانی در روال عادی مسابقات ایجاد نمی‌کند ، قهرمان عراقی به جمع ۱۲ شرکت کننده دیگر پیوست و با توجه به فرد شدن تعداد شرکت کنندگان در هر دور یک بازیکن استراحت خواهد داشت .

ترتیب شماره بازیکن عراقی به نحوی تعیین گردید که در دور اول استراحت داشته باشد تا مسابقات در روزهای تعیین شده ادامه یابد .

نبرد خانگی

هیئت برگزار کننده مسابقات با توجه به این اصل که از احتمال تبانی بازیکنان هموطن جلوگیری نماید قرعه کشی مسابقات را بطرف دیگر میاوزنی آرام و شب دو قهرمان شرکت کننده هر کشور در مقابل هم دست و پنجه نرم کنند و به همین جهت دور اول را میتوان یک نبرد خانگی و از طرف دیگر میاوزنی آرام و خانی از شور و هیجان پیکار اندیشه‌ها بشمار آورد . اگر چه در آن میان بازیکنانی را دیدیم که دور از اندیشه هستیگری ملی دستپاهاز آسین بدر آوردند و پیکاری شورانگیز و پرماجرا به نمایش گذاشتند .

مقابله هرندی و شریف دو چهره برتر

شطرنج ایران نقطه اوج این پیکارها و حادثه‌ترین نبرد دور اول بحساب میاید . هرندی که با بهره سبیه دفاع سیبیلی را برگزیده بود - در همان مرحله شروع بازی با تهاجم رقیب دیرینه خود روبرو گردید و بالاخره پس از حرکت سی و چهارم با فشردن دست هموطن خود پیروزی او را تیریکه گفت .

علاوه بر دو قهرمان ایرانی که از مدعیان بزرگ این مسابقات می‌باشند دو بازیکن اردنی نیز دست به یک مبارزه جدی زدند تا جائیکه پس از چهل و دویس حرکت و گذشت ۵ ساعت وقت اولیه مسابقات در حالیکه « حمام » برتری قابل ملاحظه‌ای در مقابل هم وطن خود « حمدان » بست آورده بود ، ادامه بازی به صبح روز بعد موکول شد که نتیجه آن یک امتیاز برای « حمام » به اربغان آورد .

چهار بازی دیگر ، آغاز و پایانی آرام و خالی از درگیری‌های هیجان انگیز داشت بطوریکه سورسوک و کواتلی از لبنان ، ناصر علی و « آرون » (از هند) فاروقی و ستار (از پاکستان) ، ریفاوی و کساب (از سوریه) خیلی زود به یک تساوی توافقی رضایت دادند . مسلماً چنین روش حساسگرانه‌ای غیرعادلانه بنظر نمی‌رسد چه آنها علاوه بر اینکه نیروی خود را برای مبارزه بعدی ذخیره میکنند ، موجب نمیشود تا روحیه جنگندگی یکی از آنها تا حدودی دستخوش تزلزل گردد .

بازیهای دور دوم

دوین دوره مسابقات را میتوان آغازگر نبردی واقعی در تمامی صحنه‌ها دانست . هرنندی — که از تجربه کافی در صحنه‌های بین المللی برخوردار است بدکس گروه زیادی از شطرنج‌بازان که با یک شکست دچار تزلزل و ناامیدی میشوند و روحیه خود را از دست میدهند کمتر دیده شده که تحت تأثیر چنین مسائلی قرار گیرند و همین امر به سولیت‌های او بسیار کمک نموده است . بی‌جهت نبود که در دور دوم یکی از بهترین بازیها را به نمایش گذاشت و حریف سوری خود را خیلی زود به زیر کشید . هرنندی — که فقط ۵ دقیقه فکر کرده بود — در حرکت سیام در حالی پیروز شد که رقیب او پیش از دو ساعت از زمان اختصاصی خود راضی نشده بود .

آرون هندی و ظهیرالدین فاروقی (قهرمان پاکستان) یکی از بازیهای برهیجان دور دوم را برگزار نمودند . قهرمان

هندی با قربانی یک رخ ، ابتکار عمل را بدست گرفت و به قلب سپاه حریف حمله برد . لیکن دفاع سرسخانه و حساب شده فاروقی میرفت امیدهای نماینده هندوستان و تنها استاد بین المللی شرکت کننده در این مسابقات را برآورد که در آن میان یک اشتباه پیروزی هندی را مسلم ساخت .

شریف در مقابل حمام بازیکن اردنی در مرحله شروع بازی ، چندان که انتظار میرفت موفق نبود ولی وقتی که مرحله وسط بازی آغاز گردید ، هوشیاری و دانش فزون‌تر قهرمان ایران به یک باره موجب در هم شکستن خطوط دفاعی حریف گردید . بطوری که بازیکن اردنی چنان مورد حمله قرار گرفت که در دو ساعت و نیم وقت مقرر مسابقات نتوانست تعداد حرکات خود را به میزانی که مقررات مسابقه تعیین نموده است برساند و در حرکت ۳۸ زمان او پایان رسید (هر بازیکن با یستی در مدت دو ساعت و نیم ۴۰ حرکت انجام دهد) در حالیکه اگر وقت او هم پایان نمی‌رسید نتوانست بیش از چند حرکت دیگر مقاومت کند و بخاطر وضع کاملاً بازنه ، چاره‌ای جز تسلیم نداشت .

بازیکن دیگری که در دور دوم نتوانست حرکات مقرر را انجام دهد ، ناصرعلی قهرمان هندی بود که در مقابل کواتلی از لبنان بازنه محسوب شد . در دو بازی دیگر سورسوک از لبنان در مقابل مبارک‌عراقی و ستار از پاکستان در برابر حمدان اردنی به پیروزی رسیدند . در این دوره کسابه از سوریه استراحت داشت .

در پایان دور دوم مهرشاد شریف با دو امتیاز بالاترین مکان را بخود اختصاص داد در حالیکه آرون از هند ، ستار از پاکستان ، کواتلی و سورسوک از لبنان با ۱/۵ امتیاز نزدیک‌ترین حریفان بشمار میرفتند . خسرو هرندی با یک امتیاز در میان سوم قرار گرفت . فاروقی از پاکستان ، ریفاوی و کساب از سوریه — ناصرعلی از هند هر یک بانیم امتیاز و مبارک از عراق بدون امتیاز بازیهای دور دوم را پشت سر گذاشتند .

دیدارهای سومین دور که شب گذشته انجام گرفت — شاهد هنرنمائی قهرمان شطرنج ایران بود . شریف — که با بهره سبیه در مقابل ستار از پاکستان پیاده‌شاه خود را دو خانه به جلو رانده بود — در حرکت دهم با قربانی یک فیل در مقابل پیاده‌ای کم ارزش چنان ابتکار عمل را بدست گرفت که هرگونه مقاومتی را از حریف با تجربه و سالمند خود سلب نمود . هجوم دسته‌جمعی سواره‌های شریف و همکاری همه جانبه آنها ، عرصه را آنچنان برده امان تنگ کرده بود که پس

مهرشاد شریف شطرنج‌باز جوان ایرانی ، در پایان دور سوم مسابقه های غرب آسیا با سه پیروزی و سه امتیاز بشتا ۳/۳ قهرمان شرکت کننده است . شریف با احتمال قوی میروند که نخستین شطرنج‌باز ایرانی باشد که به گرفتن لقب استادی بین المللی نایم میشود . این عکس شریف را در بداردی شب با ستار (از پاکستان) نشان میدهد .

از ۱۸ حرکت — در حالیکه بیش از یک ساعت از شروع بازی نگذشته بود — بازیکن پاکستانی در مقابل قدرت قهرمان ویز نقش ایران سر تسلیم فرود آورد .

شریف که اکنون با سه امتیاز از سه بازی جلوتر از سایر قهرمانان غرب آسیا گام بر میدارد ، یکی از بزرگترین بخت‌داران این مسابقات بشمار می‌رود و چنانکه بازیها روالی عادی داشته باشد ، بی‌شک هر دو چهره صاحب نام ایران پس از مسابقات انتظار بام ارزشمند استادی بین المللی را برای هموطنان خود باربغان می‌آورند و یکی از آنها راهی مسابقات بین قاره‌ای خواهد شد . امری که آرزوی بزرگ دوستان و علاقمندان به شطرنج است و میتواند پیشرفت و گسترش روز افزون شطرنج را در میان جوانان ما موجب گردد .

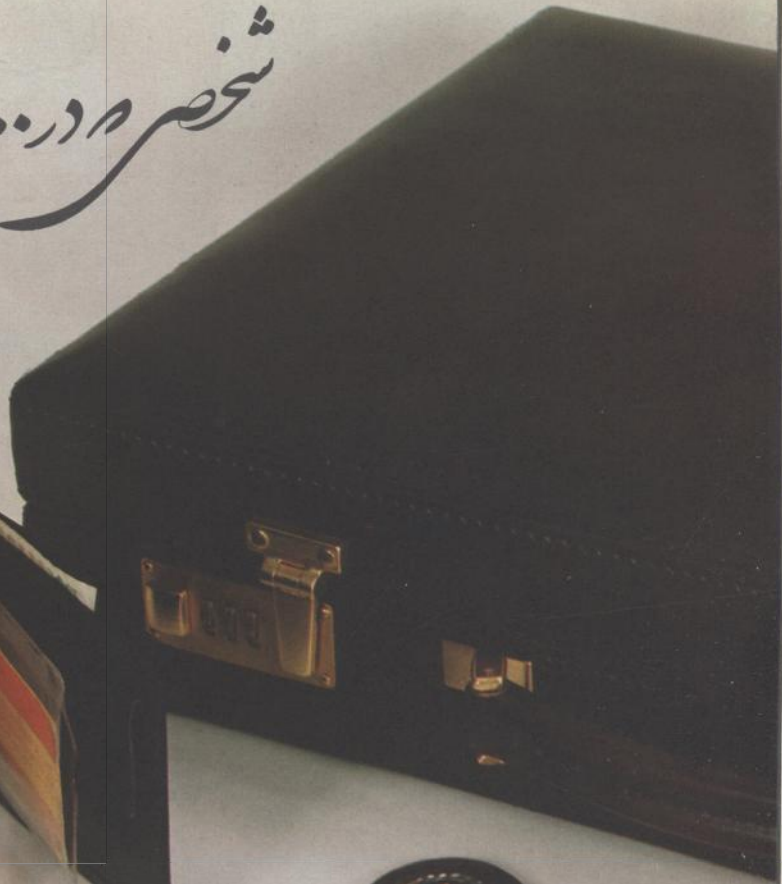
در شماره آینده ضمن تفسیر بیشتری درباره رویدادهای این مسابقه بزرگ ، بازیهای از قهرمانان صاحب نام غرب آسیا را برای استفاده علاقه‌مندان درج مینمایم .

نتایج مسابقات دور سوم (دیشب)

آ. آرون (از هند) با حمدان (از اردن) برنده آرون
مبارک (از عراق) با ناصرعلی (از هند) برنده مبارک
مهرشاد شریف (از ایران) با ستار (از پاکستان) برنده شریف
خسرو هرندی (از ایران) با کساب (از سوریه) نیمه تمام
کواتلی (از لبنان) با فاروقی (از پاکستان) نیمه تمام
حمام (از اردن) با ریفاوی (از سوریه) نیمه تمام
(در پایان دور سوم مهرشاد شریف با سه امتیاز (بدون باخت) در صدر رده بندی قرار دارد و به دنبال او « آرون » (از هند) با ۲/۵ امتیاز در میان دوم بسر میرسد .

شخصه در ۱۵۰۰ واحد اعتبار دارد

با دفترچه حساب پس انداز در گوشه بزرگ تیرا، هر گنجی هستی
بر شناسند برستی. زیرا، با بزرگ تیرا، ۱۵۰۰ شعبه در دفتر
حساب پس انداز در گوشه، اعتبار تمام این شعبه است.



بانک ملی ایران

دیف پولت را با دفترچه حساب پس انداز در گوشه بزرگ تیرا

کانادا



حال میاره

